

پاسخ‌های روشنگر

بر بسترا موج

(جلد ششم)

پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

به پرسش‌های مطرح شده از طریق اینترنت

گردآوری و تنظیم:

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

مترجم:

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پاسخ‌های روشن‌گر بر بستر امواج (جلد ششم)
نویسنده	احمد الحسن <small>علیه السلام</small>
گردآوری و	هیأت علمی انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>
تنظیم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>
مترجم	دوم
نوبت انتشار	۱۳۹۴
تاریخ انتشار	۱۲۵/۲
کد کتاب	دوم
ویرایش ترجمه	

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارك سيد احمد الحسن علیه السلام

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید .

www.almahdyoon.co/ir

www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً

هر کسی که این مجموعه‌ی جدید از پاسخ‌های سید احمد الحسن (علیه السلام) را مطالعه می‌کند، شاید برایش مفید باشد که به پرسش، و هدف‌نمایی یا غایتی که از آن انتظار می‌رود، توجه نماید؛ چرا که شایسته است پرسش با این انگیزه پرسیده شود که جهلی را برطرف سازد و آدمی را به معرفتی برساند که بتواند آن را به عملی که او را به خدای سبحان نزدیک و از راه شیطان (لعنت الله) دور بدارد، تبدیل نماید.

اهل این زمان عادت کرده‌اند که برای کسب اطلاعات، سؤال پرسند و آنها خود، خویشان را بر اساس نوعی سیستم شناختی که معرفت را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کند، تنظیم می‌نمایند و گویی این تقسیم‌بندی بی‌پایه و ساختگی چنین می‌نماید که بخش نظری را منزلتی معرفتی است که با جایگاه شناخت عملی متفاوت است. از این رو، این توهم بیشتر ریشه دوانید؛ به این صورت که بخش نظری، به مسائل فکری و انسانی اعم از واژه‌شناسی، ادبیات، منطق و دیگر علوم که انسان‌ها با نظریه‌پردازی تصنیف می‌کنند، تعلق یافت و بخش عملی هم به نحوه‌ی عملکرد عناصر و مواد اولیه و صنایع و از این قبیل موارد، می‌پردازد.

تردیدی نیست که این دسته‌بندی جعلی، در عرصه‌ی عمل هیچ ارزش و اعتباری ندارد. علم یا معرفت لفظی که اندک اثری بر وضعیت اخروی یا دنیوی انسان نداشته باشد، بی‌بها است. واژه و عبارت اگر در واقعیت مردم، ثمره‌ی عملی به بار نیاورد، هیچ سودی نخواهد داشت. مردم به‌طور پیوسته و در هر لحظه از زندگی خود، با اطرافیان خویش چنین مرادده دارند که: من فقط حرف نمی‌خواهم، عمل می‌خواهم!!

آری، واژگان ارزش و بهایی ندارد اگر نتواند حیات دنیوی یا اخروی را به گونه‌ای قاعده‌مند سازد که انسان از طریق آن احساس نماید که به‌طور عملی جلو گام برمی‌دارد؛ چرا که آدمی در زندگی براساس معرفت و شناختی که دارد به جنبش و تکاپو درمی‌آید، و عمل او، آشکارکننده‌ی حقیقت معرفت او است؛ بر همین اساس معیار ارزش‌گذاری او مقدار معلوماتش نیست. معلومات فراوان و عظیمی که صاحبش، آن را در میدان عملی خود، منعکس نکند و یا چه بسا بسیار نمود کمی داشته باشد، چه ارزشی دارد؟! و به این صورت صاحب این همه معلومات، عالم است ولی عامل نیست و از این رو، حال و روزش بسیار عجیب است!!

چه بسیار شگفت‌انگیز است که انسان عالم باشد ولی از علمش بهره‌ای نبرد و یا حتی علم او وبال و حجتی بر گردنش باشد؛ علمی که در اینجا مورد نظر من است، همان علمی است که سعادت انسان در دنیا و آخرت را به دنبال دارد و نزدیکی بنده به پروردگار سبحانش را موجب می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ﴾، (هر که خواهان عزت است (بداند که) عزت، همگی از آن خدا است. سخنان پاک، به سوی او بالا می‌رود و کردار نیک است که آن را بالا می‌برد و برای آنان که از روی مکر به تبهکاری می‌پردازند عذابی است سخت و مکرشان نیز از میان می‌رود).^(۱)

لذا باید به هوش باشیم و قبل از آن که از قائم آل محمد (علیه السلام) سؤال کنیم، پرسش را به نفس خویش عرضه داریم، چرا که این نفس، دربرگیرنده‌ی سؤال است و او است که سؤال را در پیشگاه ایشان قرار می‌دهد؛ ایشان (علیه السلام) قبل از آن که در سؤال بنگرد، به آن نفس نگاه می‌اندازد، و برایش روشن می‌گردد که: آیا سوال نفس پرسش‌گر برای برطرف‌سازی جهل و به بار نشانیدن عقل است یا خیر؟ آیا این نفس دربرگیرنده‌ی پرسش، فقط به دنبال آن است که حجم اطلاعات خود را افزایش دهد، و هم و غمش علم است و نه عمل به آن؟!!

چه رئوف و مهربان است قائم آل محمد (علیه السلام)؛ وقتی می‌بینیم ایشان با ما سؤال‌کنندگان نهایت مدارا و نرمی را پیشه می‌کند، و گاهی بی‌ادبی ما در پرسش و گاهی اوقات جهل ما در چند و چون پرسیدن را تحمل می‌فرماید و با عطوفتی بزرگوارانه، اولی را به ما گوشزد می‌کند و زمانی که شیوه‌ی سؤال پرسیدن را تصحیح می‌نماید یا از سؤال‌کننده می‌خواهد که منظورش از سؤال را معین و محدود نماید، دومی را با نرمی به ما می‌آموزاند. در همه‌ی این موارد، ایشان ما را تربیت می‌کند و می‌آموزد و پیرایش می‌نماید؛ زیرا هدف غایی، برتر از پاسخ‌گویی به سؤال است و این غایت، همان وصول به خدای سبحان می‌باشد؛ این وصول تا آن‌گاه که آدمی درنیابد که باید به ادب الهی تربیت شود، حقیقی نخواهد بود و نشانه‌ی این ادب نیز در چگونگی رفتار او با حجت‌های خدای سبحان بر خلقش هویدا می‌گردد.

در مقام ارائه‌ی دلیل بر مطلب بالا، به سؤالی که از امام احمد الحسن (علیه السلام) پرسیده شد و نیز پاسخ ایشان (علیه السلام) اشاره می‌کنم:

پرسش ۵۹۷:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مولای ما! حال شما چه طور است؟ به من افتخار بدهید و به این سؤالات پاسخ دهید:

آن سه پیامبری که خداوند به آنان قدرت زنده کردن مردگان عطا نمود، چه کسانی می باشند؟ کدام نماز به وضو و تیمم نیاز ندارد؟ یکی از فرشتگان حارث نام دارد، وظیفه و تکلیف او چیست؟ کدام آفریده است که به قومش هشدار داد در حالی که او نه از جن بود و نه از آدمیان؟ شویمان کیست؟ سه پیامبری که برای قوم خود به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله شهادت دادند چه کسانی هستند؟ با تشکر فراوان، و بابت زیادی سؤالات عذر می خواهم و من اطمینان دارم که پاسخ وافی و شافی از شما دریافت خواهم نمود.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! کتابهای زیادی منتشر شده که در آنها علوم زیادی درج شده است. شما اگر طالب حق هستی، با مطالعهی این کتابها می توانی این علم را بشناسی و مصدر و منبع آن را بدانی. گمان نمی کنم شما بر این باور باشی که کسی نداند مورچه به قومش هشدار داد در حالی که این قصه در قرآن ذکر شده است! آیا شما بر این باوری که بنده نمی دانم نماز بر میت بدون وضو یا تیمم ممکن است، با این که این مطلب را در کتاب شرایع الاسلام بیان نموده ام؟! از خداوند برای شما در جست و جویت توفیق خواهانم و این که خداوند حق را به شما بشناساند و گامهایت را استوار سازد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

از خدای عزوجل مسئلت داریم که ما را از توشه ی تقوا - که یمانآ آل محمد علیهم السلام ما را به آن تجهیز می فرماید - بهره مند سازد و ما را جزو کسانی که این بخشش بزرگوارانه ی الهی را به عملی خالص برای وجه او و یاری رساندن به ولّی مظلومش تبدیل می کنند، قرار دهد؛ همان ولّی مظلومی که خداوند سبحان از جنس

نوع بشر، برای رهایی نوع انسان ارسال فرموده است؛ ولی افسوس که انسان‌ها آن را به گونه‌ای کم‌نظیر انکار کرده‌اند، هر چند که امر او و دلایلش چون روز، روشن است.

والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

وصلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

هیأت علمی انصار امام مهدی (علیه السلام)

(خداوند در زمین تمکینش دهد!)

زکی الانصاری

۱۱/ربیع الاول/۱۴۳۳ ه. ق. (۱)

پاسخ‌های روشنگرانه

جلد ششم

که شامل دو بخش است:

بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

که شامل محورهای زیر است:

اول: پرسش‌های اعتقادی

دوم: پرسش‌های فقهی

سوم: پرسش‌های متفرقه

چهارم: تعبیر خواب

بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام مهدی علیه السلام

بخش اول:

پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

محور اول:

پرسش‌های اعتقادی

پرسش ۵۲۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش از آن خدا است

و صلوات و درود خداوند بر محمد و آل او ائمه و مهدیین و سلم تسلیم کثیرا.

بدون هیچ زاد و توشه‌ای بر کریمی وارد شدم از کارهای خوب و قلب سلیم اما زشت‌ترین چیز همراه بردن زاد و توشه است هنگام وارد شدن بر شخص کریم. ^(۱)

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته....

خداوند شما و تمام انصارتان را بر فرمان‌روایی ثابت قدم بدارد و به برکت دعای‌تان مرا نیز با شما ثابت قدم گرداند!

سرور و مولایم! به قصد ارتباط برقرار کردن با شما، برای‌تان می‌نویسم تا جدایی به وجود نیاید.... سرورم! چهار نامه دارم و پاسخ فقط از سوی شما است و لاغیر!

سؤال:

۱- معنای «ص» در قرآن چیست؟ آیا «ص» نام رودخانه‌ای در بهشت است؟

۲- در حدیثی از پیامبر خدا حضرت ابراهیم علیه السلام روایت شده که: «در اینجا درختی مانند درخت آدم علیه السلام در بهشت عدن خواهد رویید».

با اجازه‌ی شما، من این عبارت را در تالار گفتگو نوشتم.... از شما خواهش می‌کنم مطلب را توضیح دهید. آیا این دلیلی نیست بر متولد شدن شخصی در آخرالزمان که در این مکان یعنی محل پیوستن دو رود (عبد صالح)، به وجود خواهد آمد، که داستان آن معروف است؟ و این اشاره‌ای آشکار به احمد الحسن علیه السلام به عنوان قرینه‌ای برای شجره‌ی آدم علیه السلام دارد... و در تفسیری که در روایات محمد و آل محمد علیه السلام آمده، درخت آدم نماد علم آنها است، و این همان درختی بود که خداوند آن را بر آدم نبی علیه السلام در بهشت عدن

۱- وفدت علی الکریم بغیر زاد من الحسنات والقلب السلیم

وحمل الزاد أقبیح کل شیء إذا کان الوفود علی کریم

ممنوع ساخت؟

موضوعی که در تالار گفتگو نوشته شده به شرح زیر می‌باشد:

درخت آدم: «قرنه» و «درخت آدم» در «منطقه‌ی قرنه» (شمال بصره):

این بقعه‌ی مبارکه در محل برخورد دجله و فرات قرار گرفته و جایی است که به زیارت سید ما ابراهیم خلیل (در سال ۲۰۰۰ ق.م مشرف شده است. جایی که حضرت ابراهیم ایستاد، نماز خواند و فرمود: «در اینجا درختی مانند درخت آدم عليه السلام در بهشت عدن خواهد رویید.»

دو رود دجله و فرات قبل از آن که در «قرنه» به هم برسند، زمانی دراز در تاریخ از هم جدا بوده‌اند، و کسی نمی‌داند چه کسی این «درخت آدم» یا درخت ابراهیم خلیل عليه السلام را که برخی اهالی منطقه آن را به این اسم نامیده‌اند، کاشته است. شاید این کار توسط خود ابراهیم نبی عليه السلام صورت گرفته باشد زیرا با خانه‌ی ابراهیم در نزدیکی «زیگورات سومر» در ۸۰ کیلومتری شهر ذی‌قار یا ناصریه که تا به امروز پابرجا است، فاصله‌ی چندانی ندارد.

در دلتای جنوبی، در محل تلاقی این دو رود بزرگ در قرنه (۷۵ کیلومتری شمال مرکز شهر بصره) درخت آدم رشد یافته، بالا آمده و از ریشه‌ی آن، رودخانه‌ی شهر خالد (شط العرب) جوشیده است. این درختی است استوار که بی‌حرکت باقی مانده است. با وجود به خاک افتادن هزاران عراقی، این درخت همچنان پابرجا است؛ گویی آخرین شاهد انحطاط تمدنی است که در اعماق زمین و تاریخ ریشه دارد.

پیرمرد نود ساله‌ای که در آنجا نماز می‌خواند، می‌گوید: «در اینجا همیشه آب جاری بوده و خشکی در کار نبوده است؛ ولی دو رود دجله و فرات در محل قرار گرفتن درخت، گل‌ولای می‌ریختند و این گل‌ها زیاد و بلند شد تا حدی که درخت خشکید.»

توضیح: آنچه در این خصوص برای من اهمیت دارد، همان روایت ابراهیم نبی عليه السلام است: «در اینجا درختی مانند درخت آدم عليه السلام در بهشت عدن خواهد رویید.» آیا این دلیلی نیست بر متولد شدن شخصی در آخرالزمان که در این مکان یعنی محل پیوستن دو رود (عبد صالح)، به وجود خواهد آمد، که داستان آن معروف است؟ و این اشاره‌ای آشکار به احمد الحسن عليه السلام به‌عنوان قرینه‌ای برای شجره‌ی آدم عليه السلام دارد.... و در تفسیری که در روایات محمد و آل محمد عليهم السلام آمده، درخت آدم نماد علم آن‌ها است، و این همان درختی بود که خداوند آن را بر آدم نبی عليه السلام در بهشت عدن ممنوع ساخت؟

و علم نزد خدای سبحان است. وحده وحده وحده!

از این که مطلب به دراز کشید مرا ببخشید.... چشم انتظار شما هستیم.... من مشتاق دیدن شما و ارتباط برقرار کردن با شما هستم، اگر ممکن باشد. در امان و حفظ خدا! و خداوند شما، خانواده‌ی بزرگوارتان و تمام

انصار شمارا سلامت بدارد!

این لینک موضوع در تالار گفتگو است:

<http://www.almahdyoon.info/vb/t2414-p7962.html>

فرستنده: محمد الصفار - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
خداوند شما را بر هر خیرى موفق بگرداند! ان شاء الله سعى مى کنم وقت كافى فراهم آورم تا به فضل خداوند، به نامه هاىي که به دستم مى رسد پاسخ دهم.

پاسخ سؤال ۱: خدای متعال مى فرماید: ﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾^(۱)، (صاد، سوگند به قرآن شریف صاحب اندرز).

«ص» یکی از حروف مقطعه است و به یکی از ائمه اشاره دارد. من پیش تر این موضوع را بیان کرده ام که هر حرف از حروف مقطعه به یکی از معصومین علیهم السلام اشاره مى نماید.

همچنین «ص»: نام رودخانه ای در بهشت است؛ رودخانه ی آب حیات و علم که دلها و ارواح را زنده مى گرداند، و اگر خداوند در این عالم تجلی و ظهور و جوشش برای آن اراده فرماید، سبب حیات بدنهای مرده نیز خواهد شد؛ همان طور که برای ماهی موسی و یوشع علیهم السلام هنگامی که آن را در نزدیکی عبد صالح فراموش کردند حاصل شد. تراوش آب حیات یا علم که در آن لحظه در نزدیکی ماهی ظاهر شد، حیات ماهی را به دنبال داشت؛ لذا ماهی راه دریا پیش گرفت و در آب، روان شد. همچنین این خود نشانه و علامتی برای موسی علیه السلام بود که از طریق آن توانست عبد صالحی که با جوشش حیات و رود حیات و علم، دلها را زنده مى گرداند بشناسد.

این نهر، نهر علم و زندگانی، به خصوص و به طور واضح در امام صادق علیه السلام تجلی و بروز یافت و خدا چنین اراده فرمود که از طریق آن حضرت، علم آل محمد علیهم السلام منتشر و بین مردم پراکنده گردد. لذا حرف «ص» به امام صادق علیه السلام اشاره مى نماید.

علم و معرفت، به طور خاص ثمره ی یقین و صبر است. خدای متعال مى فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾^(۲) (از میان آن قوم پیشوایانی پدید آوردیم که چون صبوری

۱- ص: ۱.

۲- سجده: ۲۴.

پیشه کردند و به آیات ما یقین داشتند، به فرمان ما به هدایت مردم پرداختند). بنابراین، این حرف به صبر نیز اشاره دارد.

پاسخ سؤال ۲: بابت این که این موضوع مبارک را به نگارش می‌آوری، خداوند جزای خیر به شما عنایت فرماید، ان شاء الله! و این توفیقی است از جانب خدا برای شما به دلیل اخلاصی که داری، ای پاکیزه‌ی مبارک! از خداوند تقاضا دارم که شما را با محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) محشور فرماید! و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق. (۱)

پرسش ۵۲۳:

از حضرت عالی تقاضا دارم این آیه را تفسیر فرمایید: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾، (۲) (علم ساعت (۳) نزد خدا است. اوست که باران می‌باراند و از آنچه در رحم‌ها است آگاه است و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی‌داند که در کدام زمین خواهد مرد). آیا سید احمد الحسن یمانی می‌داند کجا و چه وقت می‌میرد؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسليماً.
خداوند شما را توفیق دهد! این آیه جدا از دیگر بخش‌های قرآن نیست، و این سخن خداوند که: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا* إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾ (۴) (او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی‌سازد، مگر بر آن فرستاده‌ای که از او خوشنود باشد) محکم کننده‌ی آن است. فقط خداوند سبحان غیب می‌داند و لکن پیامبران و حجت‌های خود از خلقش را بر هر مقدار از غیب که

۱- خرداد یا تیر ۱۳۸۹ هـ. ش. (مترجم)

۲- لقمان: ۳۴.

۳- علم الساعة: می‌تواند اشاره به زمان قیامت کبری یا صغری (اشاره به زمان خروج قائم) باشد. (مترجم)

۴- جن: ۲۶ و ۲۷.

بخواهد باخبر می گرداند؛ همان طور که آیه این مطلب را بیان کرده است خداوند توفیقت دهد: ﴿إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب الأصب ۱۴۳۱ هـ. ق. (۱)

پرسش ۵۲۴:

در این آیهی مبارک خداوند چگونه خودش به الوهیت شهادت داده است: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (۲) (الله شهادت می دهد که هیچ خدایی جز او نیست و همچنین فرشتگان و صاحبان علم که هیچ خدایی برپادارندهی عدل جز او نیست. خدایی جز او نیست که پیروزمند و حکیم است). با توجه به این که وی بی نیاز از بندگان است و او نیاز ندارد که بر خودش به الوهیت گواهی دهد زیرا وی نزد کسانی که او را می شناسند (عارفین به او) حاضر است و بر همین مبنا حسین بن علی (می گوید: «عمیت عین لاتراک» (کور باد دیده ای که تو را نبیند) (۳)؛ پس آیا خدایی غیر از او وجود دارد؟ یا آیا مقامی برتر از او سبحانه یافت می شود؟ خداوند از آن چه وصف می کند، منزّه است.

فرستنده: ایاد الموسوی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را توفیق دهد! گواهی خدا و فرشتگان و بندگان صالحش برای سایر مخلوقات، از طریق وحی در رؤیا یا مکاشفه صورت می گیرد. آیا این سخن خدای متعال را نخوانده ای که فرمود: ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (۴) (هر خیری که به تو رسد از جانب خدا و هر شری که به تو رسد از جانب خود تو است، تو را به رسالت به سوی مردم فرستادیم و خدا برای شهادت دادن کافی است) و همچنین: ﴿لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

۱- خرداد یا تیر ۱۳۸۹ هـ. ش. (مترجم)

۲- آل عمران: ۱۸.

۳- دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه، بحار الانوار: ج ۹۵ ص ۲۶۶.

۴- نساء: ۷۹.

أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿١﴾ (ولی خدا به آن چه بر تو نازل کرد شهادت می‌دهد که با علم خود نازل کرده است، و فرشتگان نیز شهادت می‌دهند، و خدا برای شهادت کافی است) و همچنین این سخن خداوند متعال: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ ﴿٢﴾ (کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی، بگو: خدا و هر کس که از کتاب آگاهی داشته باشد، برای شهادت میان من و شما کافی است) و این سخن خداوند متعال: ﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ ﴿٣﴾ (بگو خدا میان من و شما برای شهادت کافی است، زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است).

در این آیات تدبر کن و اندیشه نما که چگونه خدا و فرشتگان برای فرستادگان الهی نزد مردم و نزد قوم‌شان، آن‌گاه که به سوی ایشان مبعوث می‌شوند، گواهی می‌دهد. آیا این کار با رؤیا و مکاشفه انجام نمی‌شود؟ آیا این سخن خدای متعال را نخوانده‌ای که فرمود: ﴿وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ ﴿٤﴾ (و به حواریون وحی کردم: به من و به پیامبر من ایمان بیاورید، گفتند: ایمان آوردیم. گواه باش که ما تسلیم هستیم). خداوند چگونه به حواریون وحی کرد؟ آیا از طریق رؤیا نبود؟!

بنابراین، خدای سبحان، برای پیامبران، فرستادگان و حجت‌هایش نزد مردم، با رؤیا و مکاشفه گواهی می‌دهد. همچنین هنگامی که از طریق رؤیا با مردم سخن می‌گوید و وجود خویش را به آنها می‌شناساند و این که حق تعالی بر هر چیز حاکم و مهیمین است، برای خودش گواهی می‌دهد. نمونه‌ای از گواهی خدای سبحان بر خودش در پیشگاه مردم، این است که حق تعالی برخی امور غیبی را به آنها می‌نماید و پس از مدتی آن امور به وقوع می‌پیوندند. او می‌خواهد به این مردم بگوید که او وجود دارد و حاکم و مهیمین است و از آنها می‌خواهد که به او روی آورند و به سوی حضرتش شتاب کنند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۲۵:

۱- نساء: ۱۶۶.

۲- رعد: ۴۳.

۳- اِسراء: ۹۶.

۴- مائده: ۱۱۱.

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين

امام و سرورم، امام احمدالحسن علیه السلام! سلام می فرستم به امام اعظم محمد بن الحسن و به وصی و فرستاده‌ی او، و از خداوند امید دارم که سلام من را به شما برساند، ای دو امام انسان و جن! همچنین از خداوند چشم امید دارم که قلب پیامبر اکرم محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام را از این جهت که من، شما سروراتم را بر دشمنان خدا و دشمنان تان یاری می‌رسانم و به برپاسازی دولت عدل الهی اهتمام می‌ورزم، شاد فرماید. منظور از حرام بودن فروختن سلاح در روایت یمانی چیست؟ زیرا مخالفین از ما می‌پرسند که این حرمت، تشریحی، مولوی یا تکوینی است؟

فرستنده: ابومرتضی الربیع - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. قضیه‌ی حرام بودن فروختن سلاح به مخالفین، موضوعی است که آل محمد علیهم السلام آن را بیان نموده‌اند و این موضوع مربوط به هنگام ظهور قائم آنها است. بر این اساس قید «حَرَمَ بَيْعِ السَّلَاحِ» (فروختن سلاح را حرام می‌کند) در روایت یمانی، شرحی برای کسانی است که سخنان ایشان را درک می‌کنند و می‌فهمند؛ به این صورت که یمانی، همان قائم است؛ زیرا آنها در احادیث، حرمت فروش را به وقت آشکار شدن هنگام خروج قائم محدود کرده‌اند و اکنون می‌گویند اگر یمانی خروج کرد، فروختن سلاح حرام می‌شود. لذا به وضوح روشن می‌شود که یمانی، همان قائم است. امام علیه السلام در سخن خود که می‌فرماید: «هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح را بر مردم و بر هر مسلمانی تحریم می‌نماید»^(۱)، می‌خواهد روشن کند که یمانی، همان قائم است که به هنگام ظهورش و آشکار شدن، فروش سلاح حرمت می‌یابد. این، علاوه بر شرحی است که در روایت مزبور آمده است و طی آن مشخص می‌شود یمانی، همان قائم و حجتی از حجت‌های الهی است، و من این موضوع را پیشتر تبیین نموده‌ام.

در ادامه برخی روایاتی که به حرام بودن فروختن سلاح، در زمان خروج قائم و به هنگام آشکار شدن و وقوع جنگ بین او و دشمنانش اشاره می‌نماید، ذکر شده است:

هند سراج می‌گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: خداوند شما را نیکو دارد! من همواره برای شامیان ابزار جنگی می‌بردم و به آنها می‌فروختم. وقتی خداوند مذهب اهل بیت را به من شناساند در تنگنا قرار گرفتم و

با خود گفتم: دیگر برای دشمنان خدا اسلحه نمی‌برم. امام (علیه السلام) فرمود: «برایشان اسلحه ببر؛ زیرا خداوند به وسیله‌ی شامیان، دشمن ما و شما یعنی رومیان را دفع می‌کند. سلاح به شامیان بفروش. اگر در میان ما و شامیان جنگ درگرفت سلاح برای آنان نبرید که (در این صورت) هر کس دشمنان ما را با سلاح نظامی یاری کند مشرک است»^(۱).

ابی بکر حضرمی می‌گوید: بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدیم. حکم سراج به امام گفت: حکم کسی که برای شامیان زین و دیگر ابزار رزمی می‌برد چیست؟ فرمود: «مانعی ندارد. شما اینک چون یاران پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در وضعیت صلح به سر می‌برید. اگر میان ما و شامیان جنگ درگرفت، حرام است که برای آنها زین و اسلحه ببرید»^(۲).

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. احمد الحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه. ق. ۲

پرسش ۵۲۶:

سؤالی از امور بزرگ: پسر نوح (علیه السلام) کجا بود وقتی پدرش او را ندا داد که پسرم با ما سوار شو و با گروه کافران مباش؟ در آیه‌ی شریف آمده که وی در گوشه‌ای بوده است. خداوند برترین جزا را به شما عنایت فرماید!

سرور و مولایم! این را هم بگویم که تاکنون هیچ کس به این سؤال من پاسخ نداده است. خداوند، اسلام و مسلمین و ایتام آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را از شما بهره‌مند گرداند و همواره سالم باشید.

فرستنده: رشید الاسدی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! پسر نوح در واقع فرزند صُلبی آن حضرت نبود بلکه فرزندخوانده و فرزند همسر نوح بود. او با نوح و در خانه‌ی او زندگی نمی‌کرد و به نوح (علیه السلام) نیز ایمان نداشت. مادرش نیز همین‌طور بود. نوح درباره‌ی همسرش درخواست نکرد و نگفت او از خاندان من است زیرا وی کفرورزی‌اش به دعوت نوح (علیه السلام) را به‌طور علنی ابراز می‌نمود ولی پسر وی یا همان ناپسری‌اش پسر

۱- کافی: ج ۵ ص ۱۱۲.

۲- کافی: ج ۵ ص ۱۱۲.

۳- ۵ مرداد ۱۳۸۹ ه. ش.

همسرش از نوح علیه السلام حیا می کرد و آشکارا به دعوت نوح علیه السلام کفر نمی ورزید. اما هنگامی که سیل آمد و زمان جدایی فرا رسید، این پسر، همراهی با مادرش را ترجیح داد و از پیامبر خدا، نوح علیه السلام روی گردانید و به این ترتیب به هلاکت رسید. درخواست نوح علیه السلام درباره ی پسرش، از مهر و عطفوت پسرش با نوح پرده برمی دارد و خداوند برای نوح علیه السلام آشکار می سازد که وی مؤمن واقعی نبوده بلکه منافقی بوده که کفرورزی به دعوت نوح علیه السلام را مخفی می کرده است و حیای او از نوح علیه السلام بوده که مانع از علنی شدن کفرورزی او می شده است چرا که نوح علیه السلام او را بزرگ کرده بود.

این سخن خدای متعال درباره ی فرزند نوح که می فرماید وی در گوشه ای ایستاده بود یعنی در گوشه ای از دین نوح علیه السلام به این معنا که وی بر دین نوح علیه السلام نبود. همچنین او از جایگاه نوح نیز کناره گرفته بود زیرا با او زندگی نمی کرد. وی از خاندان نوح نیز محسوب نمی شد زیرا خاندان نوح علیه السلام کسانی بودند که به دعوتش ایمان آورده بودند.

حق تعالی می فرماید: ﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ* قَالَ سَأْوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ* وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ* قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ* قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ﴾^(۱) (کشتی، آنان را در میان امواجی چون کوه می برد. نوح پسرش را

که در گوشه ای ایستاده بود ندا داد: ای پسر، با ما سوار شو و با کافران مباش! * گفت: من بر سر کوهی که مرا از آب ننگه دارد، جا خواهم گرفت. گفت: امروز هیچ نگهدارنده ای از فرمان خدا نیست، مگر کسی را که بر او رحم آورد. ناگهان موج میان آن دو حائل گشت و او از غرق شدگان بود. * و گفته شد: ای زمین آب خود فرو بر و ای آسمان باز ایست. آب فرو شد و کار به پایان آمد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و ندا آمد که لعنت بر مردم ستمکاره باد! * نوح، پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من، پسر من از خاندان من بود در حالی که وعده ی تو حق است و نیرومندترین حکم کنندگان، تو هستی. * گفت: ای نوح، او از خاندان تو نیست، او عملی است ناصالح! از سر ناآگاهی چیزی از من نخواه! برحذر می دارم تو را، که از مردم نادان باشی. * گفت: ای پروردگار من! پناه می برم به تو اگر از سر ناآگاهی چیزی بخواهم، و

اگر مرا نیامرزی و به من رحمت نیاورزی از زیان کاران خواهم بود).

احمد الحسن-نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۲۷:

سلام بر انصار خدای متعال! من تعداد زیادی از آیات قرآن کریم را در نظر دارم که مایلیم با فرستادن نامه‌ی «درخواست» به خدمت سید (علیه السلام) تفسیر آنها را به دست آورم. شما را به خدا سوگند می‌دهم این نامه را به ایشان برسانید.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم! مدت‌ها است که من با قرآن استخاره می‌گیرم و این آیه برایم ظاهر می‌شود: ﴿قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾^(۱) (گویند: همچنان که تو آیات ما را فراموش می‌کردی، امروز خود فراموش گشته‌ای) و هنگامی که برای بار دوم قرآن را باز می‌کنم، این آیه می‌آید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ﴾^(۲) (جز به وجهی نیکوتر، به مال یتیم نزدیک مشوید تا آن‌گاه که به حد بلوغش برسد). معنای آن چیست؟ من بسیار از این می‌ترسم که عاقبتم «و کذلک الیوم تنسی» (امروز از فراموش شدگانی) باشد. ای امام! تقاضا دارم برایم دعا کنید که با شما باشم و شما را بر دشمنان‌تان یاری دهم. من فقط و فقط در پی اطاعت از خدا هستم؛ ولی نفس من «امارة بالسوء» (امر کننده به بدی) است و دنیا هم پر از مکر و حيله!! ای امام! من کشته می‌شوم همان‌طور که با انصار نزدیک به شما چنین کردند. به حق خدای متعال از شما مسئلت می‌کنم که برایم دعا فرمایید. من به جهت درس خواندن مجبورم با اهل دنیا روبه‌رو شوم ولی همه‌ی ترسم این است که مبادا در امتحان، مردود شوم. من خطاکارم و دعایم محجوب، ولی دعای شما ان شاء الله تعالی مستجاب است. اگر چه من ۱۰۰ درصد یقین دارم که شما بر حق هستید ولی گهگاهی شک و تردید مرا فرا می‌گیرد و بعد از تمام این دلایل روشن، نفس خودم را نتوانسته‌ام قربانی کنم! و لذا از شما برای ثابت ماندن بر ولایت‌تان التماس دعا داریم؛ ای فرج الهی و حجت خدا و قائم او!

بر تقصیری که در خدمت‌گزاری به شما دارم، پوزش ما را بپذیر، ای سرورم! خداوند فرج شما را تعجیل نماید و شما را با نصرت خویش تایید فرماید!

۱- طه: ۱۲۶.

۲- اسراء: ۳۴.

آیات زیادی دارم که شرح و تفسیر آنها را خواستارم. اگر بر شما دشوار است، نیازی به پاسخ گویی نیست؛ ما می دانیم که شما بسیار پرمشغله هستید. از این که باعث زحمت شما شده ایم، ما را عفو کنید.
در کتاب خدای متعال آمده است:

۱- ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي هُوَ الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ هُمُ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾^(۱) (بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده اند، تا با نادانی، مردم را از راه خدا گمراه کنند، و قرآن را به مسخره می گیرند. نصیب اینان عذابی است خوارکننده). آیا معنای آن، کسی است که سریال های مبتذل و وسایل سرگرمی گمراه کننده فراهم می آورد؟ منظور از سخنان بیهوده چیست؟ و آیا لقمان (ره) پیامبر بوده است؟ داستان او با آن جوان چه بوده و چرا وی را موعظه می کرده است؟

۲- ﴿وَمِن قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَّهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ* وَقَطَعْنَا لَهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِطًا أُمَّةً وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبُهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾^(۲) (گروهی از قوم موسی هستند که مردم را به حق راه می نمایند و به عدالت رفتار می کنند* بنی اسرائیل را به دوازده سبط تقسیم کردیم، و چون قوم موسی از آب خواستند، به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن. از آن سنگ دوازده چشمه روان شد، و هر گروه آبشخور خویش را بشناخت، و ابر را سایبان شان ساختیم و برای شان منّ و سلوی نازل کردیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که به شما روزی داده ایم، و آنان به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم کردند). چه کسانی یا کدام گروه بودند که مردم را به حق راه می نمایند؟ معنای آیه صد و شصت چیست؟

۳- در سوره ی احزاب، معنای هر یک از این آیات چیست: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ* ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا* النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَّعْرُوفًا كَانَ ذَلِكُمْ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾^(۳) (خدا در درون هیچ

۱- لقمان: ۶.

۲- أعراف: ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳- احزاب: ۴ تا ۶.

مردی دو قلب ننهاده است، و زنان‌تان را که مادران خود می‌خوانید، مادرتان قرار نداد و فرزندخواندگان‌تان را فرزندان‌تان نساخت. اینها چیزهایی است که به زبان می‌گویید و سخن حق از آن خدا است و او است که راه را می‌نماید.* پسرخواندگان را به نام پدرشان بخوانید که نزد خدا منصفانه‌تر است، اگر پدرشان را نمی‌شناسید، برادران دینی و موالی شما باشند، اگر پیش از این خطایی کرده‌اید باکی نیست، مگر آن که به قصد دل انجام داده باشید و خدا آمرزنده و مهربان است.* پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و زنانش مادران مؤمنان هستند و در کتاب خدا خویشاوندانی نسبی از مؤمنان و مهاجران به یکدیگر سزاوارترند، مگر آن که بخواهید به یکی از دوستان خود نیکی کنید و این حکم در کتاب خدا مکتوب است).

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾^(۱) (هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و پیامبرش در کاری حکمی کردند، آنها را در آن کارشان اختیاری باشد، هر که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند سخت در گمراهی افتاده است).

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾^(۲) (و آن هنگام که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و از همه‌ی آنها پیمانی سخت گرفتیم). این پیمان سخت چیست؟

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۳) (و در خانه‌های خود بمانید و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز بگذارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد). آیا همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جزو اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شوند؟

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^(۴) (محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و خاتم پیامبران است و خدا به هر چیزی دانا

۱- احزاب: ۳۶.

۲- احزاب: ۷.

۳- احزاب: ۳۳.

۴- احزاب: ۴۰.

است). در این صورت، معنای این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله چیست که فرمود: «یا علی انا وانت ابوا هذه الأمة»^(۱) (ای علی، من و تو پدران این امتیم)؟

۴- معنای سخن حضرت الیاس علیه السلام در سوره‌ی صفات چیست: ﴿أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ﴾^(۲) (آیا بعل را به خدایی می‌خوانید و بهترین آفرینندگان را وا می‌گذارید؟).

۵- معنای این سخن خدا درباره حضرت سلیمان علیه السلام که در سوره‌ی «ص» آمده است، چیست: ﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ* إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ* فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ* رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ* وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ* قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾^(۳) (سلیمان را به داوود عطا کردیم، چه نیکو بنده‌ای بود، و روی به خدا داشت * آن‌گاه که به هنگام عصر اسبان تیزرو را که ایستاده بودند به او عرضه کردند * گفت: من دوستی این اسبان را با یاد پروردگارم بگزیدم تا آفتاب در پرده‌ی غروب پوشیده شد * آن اسبان را نزد من بازگردانید، پس به بریدن ساق‌ها و گردنشان آغاز کرد * ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی را افکندیم و او روی به خدا آورد * گفت: ای پروردگار من! مرا بیامرز و مرا ملکی عطا کن که پس از من کسی سزاوار آن نباشد، که تو بخشاینده‌ای).

۶- معنای این آیات چیست: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾^(۴) (یا می‌گویند که بر خدا دروغ می‌بندد. اگر خدا بخواهد بر دل تو مهر می‌نهد، و خدا با کلمات خود باطل را محو می‌کند و حق را ثابت می‌گرداند، او به هر چه در دل‌ها می‌گذرد دانا است). ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾^(۵) (و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند و نماز می‌گزارند و کارشان بر پایه‌ی مشورت با یکدیگر است و از آن چه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند).

۷- این به چه معنا است: ﴿وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ﴾^(۶) (و برای او از میان

۱- امالی صدوق: ص ۴۱۱، بحار الانوار: ج ۲۳ ص ۱۲۹.

۲- الصفات: ۱۲۵.

۳- ص: ۳۰-۳۵.

۴- الشوری: ۲۴.

۵- الشوری: ۳۸.

۶- زخرف: ۱۵.

بندگان فرزندى قائل شدند، آدمى به آشکارا ناسپاس است)، ﴿وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ* أَوْ مَن يَنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾^(۱) (و چون به یکی از آنها مژده‌ی تولد همان چیزی را بدهند که به خدای رحمان نسبت داده است، رویش سیاه گردد و خشم خود فرو خورد* آیا کسی که به آرایش پرورش یافته و در هنگام جدال آشکار نمی‌گردد، از آن خدا است؟!).

۸- در سوره‌ی احقاف آمده: ﴿وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّندِرِينَ* قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ* يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ* وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^(۲) (و گروهی از جن را نزد تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند، چون به حضرتش رسیدند گفتند: گوش فرا دهید، چون به پایان آمد همانند بیم‌دهندگانی نزد قوم خود بازگشتند* گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید* ای قوم ما، این دعوت‌کننده‌ی به خدا را پاسخ گوید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان‌تان را ببامزد و شما را از عذابی دردآور در امان دارد* و هر کس که به این دعوت‌کننده جواب نگوید، نمی‌تواند در روی زمین از خدای بگریزد و او را جز خدا هیچ یآوری نیست و در گمراهی آشکاری است). داستان این جنیان چه بوده؟ و چرا به دعوت حضرت عیسی (علیه السلام) نیز اشاره‌ای نکرده‌اند؟

۹- معنای این آیه چیست: ﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾^(۳) (بعضی به تو گوش می‌دهند، تا آن‌گاه که از نزد تو بیرون روند از دانشمندان می‌پرسند: این چه سخنانی بود که می‌گفت؟ خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده است و از پی هواهای خود رفته‌اند). آیا یعنی آنها بسیار فراموش کاراند؟

۱۰- داستان مهمان ابراهیم (علیه السلام) چه بود و چرا او از آنها بی‌مناک شد؟ ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ* إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ* فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ* فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ* فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحْزَنْ وَبَشِّرْهُ بِغُلَامٍ عَالِمٍ* فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ

۱- زخرف: ۱۸-۱۷.

۲- احقاف: ۲۹-۲۲.

۳- محمد: ۱۶.

فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ* قَالُوا كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ*^(۱) (آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟* آن گاه که نزد او آمدند و گفتند: سلام. گفت: سلام، شما مردمی ناشناخته‌اید!* در نهمان و شتابان نزد کسان خود رفت و گوساله‌ی فریخی آورد* طعام را به نزدشان گذاشت و گفت: چرا نمی‌خورید؟* و از آنها بیمناک شد، گفتند: مترس، و او را به فرزندى دانا مژده دادند* و زنش فریادزنان آمد و بر صورت خود زد و گفت: من پیرزنی نازلیم* گفتند: پروردگار تو این چنین گفته است و او حکیم و دانا است).

۱۱- معنای «باید» در این آیه چیست؟ ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾^(۲) (و آسمان را به نیرو برافراشتیم و حقا که ما تواناییم).

سرورم! خداوند به بهترین پاداش شما را جزا دهد! سلام مرا به پدرت علیه السلام و به انصاری که اطرافت هستند برسان و به آنها بگو: خوشا به حال تان، ما به شما غبطه می‌خوریم، شما را به آنها سفارش می‌کنیم.
فرستنده: امّ عیسی . امارات

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي هُوَ الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ هُمُ عَذَابُ مُّهِينٍ﴾^(۳) (بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده‌اند، تا با نادانی مردم را از راه خدا گمراه کنند، و قرآن را به مسخره می‌گیرند، نصیب اینان عذابی است خوارکننده). از جمله سخنان بیهوده، غنا و جدل اهل باطل با اهل حق و القای شبهه‌ها بر ضد دعوت‌های پیامبران و اوصیا است.
لقمان علیه السلام نه یکی از خلفای الهی بر زمینش است و نه پیامبری فرستاده شده از جانب خدا؛ او دارای مقام نبوت بوده و حکیمی بوده که حکمت بر او وحی می‌شده است.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند و بر حق استوار و ثابت قدم بدارد! و او یاور من است و او دوست شایستگان است.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱- ذاریات: ۳۰-۲۴.

۲- ذاریات: ۴۷.

۳- لقمان: ۶.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق. ۱.

پرسش ۵۲۸:

سرورم، احمد الحسن یمانی! السلام علیکم ورحمة الله و بركاته

و صلوات و سلام خدا بر پدران معصوم تو و بر مادرت زهرا و بر تو و بر مهدیین پس از تو باد. اما بعد....

سؤال اول: سؤال من در مورد آیه‌ای است که در پی می‌آید؛ آیا این آیه به همین صورت بر حضرت محمد ﷺ نازل شده است؟ تفسیر آن چیست؟ و منظور از اهل بیت در آن چه کسانی هستند؟

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا* وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا* وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾^(۲) (ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید، پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد، و سخن پسندیده بگویید* و در خانه‌های خود بمانید و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار نکنید و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد* آن چه از آیات خداوند و حکمت در خانه‌های شما خوانده می‌شود، یاد کنید. به درستی که خداوند لطیف و خبیر است).

سؤال دوم: در این آیه منظور از اهل بیت چه کسانی هستند: ﴿أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾^(۳) (آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات خدا بر شما اهل این خانه ارزانی باد، او ستودنی و بزرگوار است).

سؤال سوم: آیا حدیث کسا صحیح است؟ متن آن چیست؟
و السلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

فرستنده: احمد. امارات

پاسخ:

۱- آذر یا دی ماه ۱۳۸۹ هـ. ش.

۲- احزاب: ۳۴ - ۳۲.

۳- هود: ۷۳.

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

در خصوص ترتیب نزول سوره‌ها و آیات قرآن، هیچ کسی مدعی نیست که آنها به همان صورت که نازل شده مرتب گشته است؛ مگر جاهل! اختلاف ترتیب سوره‌های قرآن، برای همه‌ی مسلمانان ثابت شده است و طبق قرآن‌های صحابه، حداقل بیش از یک چنین برای آیات و سوره‌ها وجود دارد. در این خصوص می‌توانید به کتبی که در موضوع تاریخ قرآن نوشته و آن چه که در این باب روایت شده است، مراجعه نمایید. در خصوص چنین آیات و این که ترتیب آنها طبق نزول نیست، در این دو آیه تدبر نما. خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^(۱) (کسانی که از شما بمیرند و زانی بر جای گذارند، آن زنان باید که چهار ماه و ده روز انتظار بکشند، و چون مدت‌شان به سر آمد، اگر درباره‌ی خویش کاری شایسته و درخور کردند، بر شما گناهی نیست، که خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است).

و نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^(۲) (مردانی از شما که می‌میرند و زانی بر جای می‌گذارند، باید درباره‌ی زنان خود وصیت کنند که مخارج آنها را به مدت یک سال بدهند و از خانه اخراج‌شان نکنند، پس اگر خود خارج شوند، در مورد تصمیمی که به نحو شایسته‌ای برای خود می‌گیرند، گناهی بر شما نیست، و خدا غالب و حکیم است).

دو آیه‌ی مذکور ناسخ و منسوخ‌اند. این آیات مربوط به عده‌ی زنی است که شوهرش وفات کرده است. در ابتدا حکم این بود که عده، یک سال تمام باشد، همان‌طور که در دین حنیف ابراهیمی چنین مقرر بوده است. سپس این حکم نسخ شد و عده، چهار ماه و ده روز گشت. در نتیجه، آیه‌ی شماره ۲۳۴ ناسخ آیه‌ی ۲۴۰ است؛ یعنی آیه‌ی ناسخ در سوره‌ی بقره، پیش از آیه منسوخ قرار دارد در حالی که اگر شما در این خصوص دقت نظر به خرج دهی، درخواستی یافت که در باب نزول آیات، منسوخ باید بر ناسخ مقدم باشد. بنابراین برای شما آشکار می‌گردد که این دو آیه‌ی سوره‌ی بقره طبق نزول مرتب نشده‌اند. همین موضوع دلیلی کافی است که نمی‌توان به‌طور قطع مدعی شد قرآنی که امروزه در دسترس ما است، تمام آیات آن طبق

۱- بقره: ۲۳۴.

۲- بقره: ۲۴۰.

تنزیل چینش شده است.

این مقدمه را ارائه کردم تا مطلب بعدی روشن شود. آیه‌ی: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد) که شما در مورد آن سؤال کرده‌ای، در واقع طبق نزول مرتب نشده است و این مکان، مکان صحیح آن نیست. ضمناً پیامبر ﷺ این آیه را به خانه‌ی علی و فاطمه (علیهم‌السلام) تخصیص داده و حضرت، آیه را بر در خانه‌ی آنها قرائت می‌کرده است. لذا حال که پیامبر آن را تخصیص داده است، دلیلی بر تعمیم آن وجود ندارد، مگر از سر عناد و ستیزه‌جویی!

ولی این آیه که ﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾^(۱) (گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات خدا بر شما اهل این خانه ارزانی باد، او ستودنی و بزرگوار است)، ابراهیم و همسرش ساره (علیها‌السلام) هر دو از یک خانه بودند و ساره، دختر عموی ابراهیم (علیه‌السلام) بود.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۲۹:

تفسیر آیات ابتدایی سوره‌های «حم، یس، حم عسق» چیست؟ با تشکر.

فرستنده: شمس الصباح - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند: در کتاب متشابهات، معنای حروف مقطعه‌ای که در ابتدای سوره‌ها آمده است را بیان نموده‌ام. از شما خواهش می‌کنم آن چه در این کتاب نوشته شده است را مطالعه کنید. می‌توانید آنجا پرسش و پاسخ مربوط به آن را که در همین زمینه مطرح شده است، به دست آورید:

سوال: حروف مقطعه‌ای که در ابتدای سوره‌ها آمده به چه معنا است؟

پاسخ: خدای تعالی می‌فرماید: «الم، المر، حم، یس».

الف: یعنی فاطمه زهرا علیها السلام «الف» اصل و پایه‌ی حروف و نخستین آنها و اولین چیزی است که بعد از نقطه به وجود آمده است، و سایر حروف نیز از آن ترکیب می‌یابند؛ و این، حرف فاطمه زهرا (است که پیامبر (به نقل از خدای سبحان در مورد او فرموده است: «یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک، و لو لا علی لما خلقتک، و لو لا فاطمه لما خلقتکما»^(۱)) ای احمد! اگر تو نبود، آسمان‌ها را خلق نمی‌کردم، و اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم). بنابراین در این مقام، حرف زهرا علیها السلام یعنی «ا» بر حرف علی یعنی «ل» و بر حرف محمد صلی الله علیه و آله و سلم یعنی «م» برای بیان «لو لا فاطمه لما خلقتکما» (اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم) پیشی گرفته است؛ یعنی اگر آخرت که محل تجلی معرفت حقیقی است، وجود نداشت، و اگر معرفت وجود نداشت، مخلوقات آفریده نمی‌شدند؛ خداوند آنها را آفرید تا بدانند و بشناسند: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۲) (جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریدم).

لام: متعلق به علی علیه السلام است، هر چند علی علیه السلام در ظاهر، درب است و فاطمه علیها السلام باطن آن. به «ا» و «ل» دقت کن؛ اگر این دو با هم ترکیب شوند، شکل آنها این گونه می‌شود: «لا» یعنی «ا» در باطن «ل» نوشته می‌شود؛ پس «ل» ظاهر و آشکار است و بر «ا» احاطه دارد. این «لا» به معنی رد و نپذیرفتن حاکمیت مردم می‌باشد و همان است که کلمه‌ی توحید یعنی «لا اله الا الله» نیز با آن آغاز می‌شود. این «لا» همان انقلاب حسینی است که بر پایه‌ی نپذیرفتن حاکمیت مردم و برپاداری حاکمیت خدا شکل گرفت. پس «لا اله الا الله» یا «لا» یعنی حسین علیه السلام که باطن آن فاطمه (رحمت) و طلب هدایت برای ستمگران است و ظاهرش علی (قدرت) و نبرد با ظالمین می‌باشد؛ زیرا لام همان الف پیچیده شده با قدرت است، یعنی به قدرت خداوند سبحان اشاره دارد: ﴿وَأَلْنَا لَهُ الْحُدَيْدَ﴾^(۳) (و آهن را برایش نرم کردیم). همچنین باطن آن «ا» رحمت برای مؤمنان و ظاهرش «ل» نعمت و عذاب برای کسانی است که به قائم کفر ورزیده‌اند. در برخی روایات چنین تعبیر شده که قائم، همان علی بن ابی طالب یا «دابة الارض» (جنبنده‌ی زمین) است و این لقب بین قائم و علی بن ابی طالب علیه السلام مشترک می‌باشد.

میم: محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۱۷ بار در قرآن تکرار شده است. «میم» قوس صعود است و به شکل واو برعکس (6) می‌باشد.

۱- مستدرک سفینه البحار: ج ۳ ص ۳۳۴.

۲- الذاریات: ۵۶.

۳- سبأ: ۱۰.

راء: حسن عليه السلام است.

حاء: حسین عليه السلام است.

و سین: حضرت مهدی عليه السلام می‌باشد.

یس: یعنی پایان امر «س»، زیرا یاء در اینجا به خاتمه کار اشاره دارد.

سین پنج بار تکرار شده، به تعداد اصحاب کساء چرا که مهدی عليه السلام بهترین نماینده‌ی پنج تن آل کساء است.

به کلمه‌ی توحید (لا اله الا الله) که در آن سه حرف وجود دارد، بنگر این حروف عبارتند از: «الف، لام و ه». «الف» و «لام» را شناختی؛ و اما «ه» به معنای اثبات ثابت است زیرا اولین حرف از «هو» اسم اعظم می‌باشد. پس «ه» برای اثبات ثابت و بیان وجود و معرفت و شهود آن می‌باشد. «واو» نیز بیانگر غیبت او و عدم ادراک او می‌باشد چرا که خدای سبحان شاهد غایب است.

بنابراین «ه» دلیل شهود و معرفت است. به وسیله‌ی محمد صلی الله علیه و آله، خدا شناخته شده، پس محمد صاحب فتح المبین است: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ (ما برای تو پیروزی نمایانی را مقرر کرده‌ایم). پس او «ه» است زیرا به وسیله‌ی او خدای سبحان شناخته شده و او شهر کمالات الهی است. توحید هم مبتنی بر این حروف سه گانه یعنی «ا»، «ل» و «ه» است که عبارتند از: «فاطمه، علی و محمد»

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۳۰:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

و الصلاة و السلام على اشرف الخلق محمد و آله الطاهرين الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولای من! ای قائم آل محمد و یمانی آنها! سلام و رحمت و برکات الهی بر شما و بر اهل بیت شما باد!

عذر مرا پذیرا باش سرورم. معنای این آیه چیست: ﴿ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ

إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ﴿١﴾ (یکی از آن دو هنگامی که در غار بودند به همراهش می گفت: اندوهگین مباش، خدا با ما است!) و آیا این درست که ابن ابی قحافه در غار همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است؟

خداوند از آل محمد برترین جزا را به شما عنایت فرماید. از شما خواهشمندیم بابت کوتاهی در کار خدا، ما را معذور بداری و برای ما دعا نمایی که خداوند گام‌هایمان را استوار بدارد و از گناهان ما درگذرد که او بر هر چیزی توانا است.

﴿وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ (۲) (سپاس خدایی را که ما را به این راه رهبری کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود راه خویش را نمی یافتیم).
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: حیدر الموسوی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (۳) (اگر شما یاریش نکنید، آن گاه که کافران بیرونش کردند خدا یاریش کرد، یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همراهش می گفت: اندوهگین مباش، خدا با ما است. خدا به دلش آرامش بخشید و با لشکرهایی که شما آن را نمی دیدید تاییدش کرد، و کلام کافران را پست گردانید، زیرا کلام خدا بالا و خداوند پیروزمند و حکیم است).

این آیه نه تنها برای کسی که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در غار بود، مدح و ثنایی به همراه ندارد، بلکه متضمن مذمت و نکوهشی آشکار برای او است. در این رویداد، آرامش فقط بر پیامبر نازل شد ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ﴾ (خدا به دلش آرامش بخشید) و فرشتگان که لشکریان خدایند، فقط برای تایید پیامبر نازل گشتند ﴿وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا﴾ (و با لشکرهایی که شما آن را نمی دیدید تاییدش کرد) و این به معنای خارج شدن فرد همراه پیامبر از دایره ایمان است؛ زیرا در جاهای دیگر که مسلمانان بسیاری همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند،

۱- توبه: ۴۰.

۲- اشاره به قسمتی از آیهی ۴۳ سورهی اعراف (مترجم).

۳- توبه: ۴۰.

آرامش بر گروهی از مسلمانان یا مؤمنان نازل شده و این آرامش فقط به پیامبر ﷺ اختصاص نیافته است. بر این اساس دانستیم که در غار، کسی جز پیامبر ﷺ شایسته‌ی تایید به وسیله‌ی آرامش و لشکریان نبوده است. این متون قرآنی به شما نشان می‌دهد که چگونه آرامش بر پیامبر و مؤمنانی که با آن حضرت بوده‌اند فرود آمده است و چگونه لشکریانی برای تایید پیامبر و مؤمنان همراهش نازل می‌گشته‌اند بدون این که به‌طور انحصاری به پیامبر ﷺ اختصاص داشته باشد.

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾^(۱) (آن‌گاه خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدند فرو فرستاد و کافران را عذاب کرد، و این است کیفر کافران).

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحُمِيَّةَ حُمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^(۲) (آن‌گاه که کافران تصمیم گرفتند که دل به تعصب - تعصب جاهلی - بسپارند، خدا نیز آرامش خود را بر دل پیامبرش و مؤمنان فرو فرستاد و به تقوی الزامشان کرد که آنان به تقوی سزاوارتر و شایسته‌تر بودند و خدا بر هر چیزی دانا است).

در این موضوع به دقت تدبیر کنید: در این موقعیت‌ها، به همراه پیامبر ﷺ مؤمنانی بودند، و این مؤمنان قسمتی از همراهان آن حضرت را تشکیل می‌دادند (برخی از افرادی که همراه حضرت بودند و نه همه‌ی آنها)، زیرا آنها سزاوار چنین چیزی بوده‌اند؛ بنابراین اگر کسی که در غار بود، مؤمن می‌بود، می‌بایست الزاماً آرامش بر او نیز فرود می‌آمد؛ همان‌طور که در سایر موقعیت‌ها بر مؤمنین همراه پیامبر خدا فرود آمده بود.

اگر کسی گمان برد سخن رسول خدا به همراهش ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (نترس! قطعاً خداوند با ما است) مدحی برای این همراه به شمار می‌رود، در واقع سخنی یاوه بر زبان رانده است. به این فرموده‌ی خدای متعال بنگر: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^(۳) (آیا نمی‌بینی که خدا هر چه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؟ هیچ سه نفر با هم نجوا نکنند مگر آن که خداوند چهارمین آنها و هیچ پنج نفر نباشند مگر آن که خداوند ششمین آنها است و نه کمتر از این هر جا که باشند مگر خدا با آنها است و نه بیشتر از این مگر آن که

۱- توبه: ۲۶.

۲- فتح: ۲۶.

۳- مجادله: ۷.

خدا با آنها است، سپس همه را در روز قیامت به کارهایی که کرده‌اند، آگاه می‌کند زیرا خدا بر همه چیز آگاه است). این برای شما روشن می‌سازد که خدا با همگان است، چه آنها متوجه بشوند و چه متوجه نشوند: ﴿وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ﴾. این، حقیقت ثابت شده‌ای است که مؤمنان یقین‌دار، آن را می‌دانند؛ بنابراین روشن شد که آن شخص موجود در غار، غافل و ناآگاه بود و پیامبر این حقیقت را برای او گوشزد کرد تا شاید آن را دریابد، ولی باقی‌مانده‌ی آیه آشکار می‌سازد که او این حقیقت را فرا نگرفته و از غفلت خود بیدار نشده است؛ پس آرامش بر او نازل نشد بلکه فقط بر پیامبر نازل گشته است. همچنین تایید به وسیله‌ی لشکریان، فقط مختص پیامبر بوده است. به بیان روشن‌تر در غار، به جز پیامبر صلی الله علیه و آله مؤمن دیگری وجود نداشته است. اما این توصیف که وی یار و صاحب پیامبر بوده، با توجه به مطالبی که پیشتر گذشت گمان نمی‌کنم هیچ فرد عاقلی آن را مدح و ثنایی به شمار آورد. پیامبر با قوم خود که به او کافر بودند نیز مصاحبت داشته است: ﴿أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ حِنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾^(۱) (آیا فکر نکرده‌اند که در یارشان نشانی از دیوانگی نیست و او آشکارا بیم دهنده‌ی آنها است؟).

قرآن در بیش از یک موقعیت، به کافری اشاره کرده که یار و همدم فردی مؤمن بوده که او را نصیحت می‌کرده است:

﴿وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا﴾^(۲) (حاصل از آن بود، به دوستش که با او گفت‌وگو می‌کرد گفت: من به مال، از تو بیشتر و به افراد، پیروزترم).

﴿قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا﴾^(۳) (دوستش که با او گفت‌وگو می‌کرد گفت: آیا بر آن کس که تو را از خاک و سپس از نطفه بیافرید و به صورت مردی، استوار کرد، کافر شده‌ای؟).

در بهترین حالت، اگر آن نصیحتی که در غار بوده است یعنی: ﴿إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَخْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همراهش می‌گفت: اندوهگین مباش! خدا با ما است!) مانند نصیحتی باشد که در آیات فوق‌الذکر گذشت، به این معنی که هر دو نصیحتی برای همراهش و یادآوری خدا به او و تلاشی برای جدا کردن او از غفلتی که در آن فرو رفته است، باشد، به هر حال هیچ دلیلی بر مدح این همراه نیست، چه برسد به این که بخواهد منقبت و مایه‌ی فخر و مباهاتی برای او

۱- اعراف: ۱۸۴.

۲- کهف: ۳۴.

۳- کهف: ۳۷.

باشد (همان‌طور که عده‌ای چنین گمان کرده‌اند).

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۳۱:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الائمة و المهديین و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم! السلام علیکم. به مناسب عید فطر، سال نو بر شما مبارک باد!

سرورم، سؤال من درباره‌ی آیاتی از سوره‌ی مرسلات است: ﴿... فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ * وَإِذَا السَّمَاءُ

فَرِحَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ * وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ * لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ * لِيَوْمِ الْفَصْلِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ *

وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ...﴾^(۱) (... پس آن‌گاه که ستارگان خاموش شوند* و آن‌گاه که آسمان بشکافد* و

آن‌گاه که کوه‌ها پراکنده گردند* و آن‌گاه که فرستاده‌شدگان را وقتی معین شود* برای چه روزی معین شود؟*

برای روز فصل* و چه دانی که روز فصل چیست؟* در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان....).

سؤال من درباره‌ی روز فصل است.... آیا این عبارت اشاره‌ای به خروج مبارک است؟ و آیا یکی از

علامت‌ها می‌باشد؟ و آیا منظور از «المکذبین» (تکذیب‌کنندگان) کسانی هستند که شما را تکذیب

می‌کنند؟ با اجازه‌تان، خواهش می‌کنم مطلب را توضیح دهید.

معذرت می‌خواهم.... به امید دیدار، که من در آروزی دیدار شما هستم.

فرستنده: محمد الصفار

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.

پیامبران و خلفای الهی در زمینش پیام‌های خود را رساندند، اقوام خویش را انداز نمودند و با مواردی رو

به رو شدند و از جمله تکذیب و بی‌خانمانی و کشته شدن نصیب آنها شد؛ ولی خدای سبحان به آنها وعده

نصرت برای آنها و رسالت‌شان را و حق ناکام مانده آنها را بشارت داد. این پیروزی آنها در سه موقعیت

خواهد بود: قیامت صغری، رجعت و قیامت کبری؛ یا رویدادهای سه‌گانه‌ی الهی که اولین آنها قیامت صغری

است که همان قیام قائم آل محمد و فرستادن او به سوی مردم می باشد.

خدای متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ * فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ * وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوَّفَ يُبْصِرُونَ * أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ * فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ﴾^(۱) (ما درباره‌ی بندگانتان که به رسالت می فرستیم، از پیش تصمیم گرفته ایم* که هر آینه آنان خود پیروزند* و لشکر ما خود غالبند* پس تا مدتی از آنها روی بگردان* عاقبتشان را ببین، آنها نیز خواهند دید* آیا عذاب ما را به شتاب می طلبند؟* چون عذاب به ساحتشان فراز آید، این بیم داده شدگان چه بامداد بدی خواهند داشت!).

و نیز می فرماید: ﴿لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾^(۲) (به موسی کتاب دادیم. در آن کتاب اختلاف شد؛ اگر نه حکمی بود که از پیش، از جانب پروردگارت صادر شده بود، میانشان داوری شده بود، و ایشان در آن کتاب سخت در تردیدند).

﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى﴾^(۳) (اگر نه سخنی بود که پروردگارت پیش از این گفته و زمان را معین کرده بود، عذابشان در این جهان حتمی می بود).

﴿لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾^(۴) (به موسی کتاب دادیم. در آن کتاب اختلاف شد؛ اگر نه حکمی بود که از پیش از جانب پروردگارت صادر شده بود، میانشان داوری شده بود، و ایشان در آن کتاب سخت در تردیدند).

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾^(۵) (از روی حسد و عداوت فرقه فرقه نشدند، مگر از آن پس که به دانش دست یافتند و اگر پروردگار تو از پیش مقرر نکرده بود که آنها را تا زمانی معین مهلت است، بر آنها حکم عذاب می رفت، و کسانی که بعد از ایشان وارث کتاب خدا شده اند درباره‌ی آن سخت به تردید افتاده اند).

اگر در این آیات بیان دیشی، به وضوح درمی یابی که منظور از پیروزی خدا برای فرستاده شدگان علیهم السلام و

۱- صافات: ۱۷۷-۱۷۱.

۲- هود: ۱۱۰.

۳- طه: ۱۲۹.

۴- فصلت: ۴۵.

۵- شوری: ۱۴.

برای راه و رسم الهی آنها که دعوت‌کننده به آن هستند، همان حاکمیت خدا است که تا زمانی که قائم قیام کند به تأخیر می‌افتد؛ او همان کلمه‌ای است که پروردگار تو از پیش مقرر کرده است؛ او همان فرمانده لشکریان پیروز الهی است؛ او همان «یوم الفصل اول» یعنی «قیامت صغری» است.

این به اختصار بود؛ اگر به شرح و تفصیل بیشتری نیاز دارید، می‌توانید پرسید و ان شاء الله تعالی در خدمت شما خواهم بود.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۳۲:

السلام علیکم و رحمة الله... اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
سرور، امام و مولای من، ای قائم آل محمد، سلام خدا بر تو باد! خواهشمندیم این آیات را هرچند به اختصار تفسیر فرمایید.

تفسیر این آیه چیست: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^(۱) (علم زمان «ساعت» تنها نزد خدا است و او است که باران را می‌باراند و از آن چه در رحم‌ها است آگاه است و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی‌داند که در کدام زمین خواهد مرد. خداوند دانا و آگاه است).

فرستنده: حسین التمیمی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (علم زمان «ساعت» تنها نزد خدا است و او است که باران را می‌باراند و از آن چه در رحم‌ها است آگاه است و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه چیز به دست

خواهد آورد و کسی نمی‌داند که در کدام زمین خواهد مرد. خداوند دانا و آگاه است). این آیه بیان می‌دارد که خدای سبحان دارنده‌ی علم غیب و رزق بندگان و زندگی آنها بر روی این زمین به دست او است و حضرتش هر گونه که بخواهد آنها را جاری می‌سازد؛ زیرا وی به صلاح زندگی دنیوی مردم و آن چه که خیر آخرت‌شان در آن است، دانا و آگاه می‌باشد. البته چنین نیست که این امور فقط منحصر به خدای سبحان باشد، و این امکان منتفی نیست که خداوند، برخی بندگان را بر قسمتی از اینها مطلع گرداند؛ بلکه ممکن است حق تعالی برخی بندگان را بر آن چه که خود اراده می‌فرماید، از غیب باخبر سازد، چه از طریق اسباب مادی و چه به وسیله‌ی عوامل غیبی. حتی این امکان وجود دارد که خداوند آن چه که از مصالح دنیوی و اخروی اراده می‌فرماید، در اختیار آنها قرار دهد تا این بندگان با حول و قوه‌ی الهی در آن مصالح دخل و تصرف نمایند، چه از طریق اسباب مادی و چه به وسیله‌ی عوامل غیبی. در نتیجه این آیه بیانگر آن است که هیچ کس از خلاق نمی‌تواند به‌طور مستقل از خدای سبحان چیزی بداند و کاری انجام دهد، ولی می‌تواند با حول و قوه‌ی الهی، دانشی کسب کند و کاری صورت دهد؛ که او ارحم الراحمین است. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۳۳:

بسم الله و صلوات بر سید ما محمد و خاندان آن حضرت.

من پس از مطالعه‌ی اغلب تفاسیر معتبر، نتوانسته‌ام تفسیر کافی و قانع‌کننده‌ای که شک و گمان و حدس در آن راه نداشته باشد درباره‌ی تفسیر سوره «عبس» بیابم؛ لذا آن را از شما تقاضا می‌کنم. فرستنده: الشراذی یاسر - مراکش

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق گرداند! شاید می‌خواهی بدانی در این آیات چه کسی روی ترش کرده است: ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى * أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى * فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى * وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى * وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى * وَهُوَ يَخْشَى * فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى﴾^(۱) (روی ترش کرد و سر برگردانید* چون آن نابینا به نزدش آمد* و تو چه دانی، شاید که او پاکیزه شود* یا پند

گیرد و پند تو سودمندش افتد* اما آن که او توانگر است* تو روی خود به سوی او می‌کنی* و اگر هم پاک نگردد چیزی بر عهده‌ی تو نیست* و اما آن که دوان‌دوان به نزد تو می‌آید* و می‌ترسد* تو از او به دیگری می‌پردازی).

«عبس» (روی ترش کرد): کسی که روی ترش کرد عثمان بن عفان بود. وی نزد رسول خدا ﷺ حضور داشت که ابن‌ام‌مکتوم نابینا آمد؛ حضرت او را بر عثمان مقدم داشت، نزدیک خود جای داد و با او سخن گفتن آغاز کرد. عثمان روی درهم کشید و متکبرانه به آن نابینا پشت کرد، همان‌طور که خدای متعال خبر داده است: «عَبَسَ وَتَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزْكَى * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى *».

سپس خداوند عمل ناپسند عثمان و تکبری که درونش لانه کرده بود را بیان فرمود؛ به این ترتیب که وقتی کسی می‌آید که در گذشته جاه و مقامی داشته بود، عثمان روی به سوی او می‌کند حتی اگر وی از کسانی باشد که از دعوت پیامبر خدا روی گردانده و بر رسول خدا ﷺ تکبر پیشه نموده باشد، بدون این که کسی از او چنین چیزی خواسته باشد: ﴿أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى * فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى * وَمَا عَلَيْكَ أَلَا يَزْكَى *».

خداوند برای عثمان بن عفان و کسانی که همانند او هستند و مثل او رفتار می‌کنند، روشن ساخته است که سزاوار است انسان را براساس حق جویی‌اش و براساس میزان ترسش از خدا ارزشیابی کنند، نه براساس مقام و منزلتش و آن چه که مالک آن است: ﴿وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى * وَهُوَ يَخْشَى * فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى *».

ابن‌ام‌مکتوم با آن که نابینا بود، دوان‌دوان به سوی این مجلس مبارک یعنی مجلس رسول خدا ﷺ و مجلس مسلمین شتافت، پس تو ای عثمان می‌بایست خوشحال می‌شدی و او را بر خویشتن مقدم می‌داشتی، چرا که وی نابینا بود، نه این که چون پیامبر خدا ﷺ او را مقدم داشته بود، در چهره‌اش اخم کنی و از او روی برگردانی. این معنای مختصری از این آیات بود.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ هـ.ق.

پرسش ۵۳۴:

بسم الله الرحمن الرحيم....

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ﴾^(۱) (ما مسخره‌کنندگان را از تو باز می‌داریم). «کفایت» در اینجا چه صورتی دارد؟ با توجه به این که پیامبر خدا ﷺ و ائمه تا به امروز از

دست مسخره‌کنندگان بسیار رنج کشیده‌اند. همان‌طور که استهزاء مردم به حضرت حجت و وصی او علیه السلام، آشکار است. آیا این آیات عملی شده یا این که زمان تاویل آنها هنوز فرا نرسیده است؟

فرستنده: ابویوسف - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند تاثیر آنها و تاثیر استهزای آنها بر رسالت، رسیدن رسالت به مردم و گرویدن مردم به آن را کفایت کرده است. حق تعالی می‌فرماید: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ* إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ﴾ (۱) (به هر چه مأمور شده‌ای صریح و بلند بگو و از مشرکان رویگردان باش* ما مسخره‌کنندگان را از تو باز می‌داریم). یعنی تو ابلاغ کن و به این معاندین مسخره‌گر توجهی نداشته باش، که کارها و ایرادهای نابخردانه‌ی آنها نمی‌تواند بر رسیدن رسالت الهی به آنجا که خدای سبحان اراده فرموده است، تاثیرگذار باشد. خداوند سبحان فرشتگان خود را گسیل می‌دارد و آنها مؤمنان را ثبات و استقامت می‌بخشد و وسوسه‌ی ابلیس و ریشخند و ایرادگیری کم‌خردان را از آنها دور می‌گرداند. چه بسا خداوند برخی از این سفیهان را به هلاکت برساند یا آنها را به چیزی مبتلا سازد که از مسخره کردن دعوت الهی، مشغول و سرگرم‌شان سازد، و چه بسا آنها را عبرتی برای سایرین قرار دهد.

و الحمد لله. و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۳۵:

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

از شما خواهش می‌کنم این آیه را تفسیر فرمایید: بسم الله الرحمن الرحيم ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (۲) (خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پاداش‌شان داد). منظور از مؤمنین در این آیه چه کسانی است؟

فرستنده: احمد الواسطی - عراق

۱- حجر: ۹۵-۹۴.

۲- فتح: ۱۸.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم ...

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾^(۱) (خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و

دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحن نزدیک پاداش‌شان داد).

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۲) (از آن گروه نخستین از مهاجران و انصار که پیش‌قدم شدند و آنانی که به نیکی از آنها تبعیت کردند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برای آنها بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود، آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ).

آیات فوق، هر دو درباره‌ی حاکمیت الهی و بیان خوشنودی خدا از کسانی است که با خلیفه‌ی خدا بر زمینش در زمان خودشان بیعت می‌کنند. این آیات آنها را به دلیل این کار مبارک، مدح و ثنا گفته است، و این گونه نیست که برخی اهل سنت آنها را وارونه فهمیده‌اند و معتقدند این دو آیه، تزکیه‌ای برای تمام کسانی است که در بیعت حاضر شدند، حتی اگر پس از آن، هر کاری انجام دهند، مشابه آن چه که بعد از آن انجام دادند!

این سخن خداوند متعال: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحن نزدیک پاداش‌شان داد)، مدح و ستایش بیعت‌کنندگان در هنگام بیعت است و این که خداوند به خاطر بیعت آنها با خلیفه‌اش در زمینش در زمان خودشان، از ایشان راضی و خوشنود است. این رضایت مشروط به بیعت با خلیفه‌ی خدا در زمینش در زمان آنها (حضرت محمد ﷺ) می‌باشد؛ زیرا آنها با خلیفه‌ی خداوند در زمان خودشان بیعت کردند و اگر آنها از این قانون الهی، یعنی بیعت با خلیفه‌ی خدا در زمان‌شان روی برتابند نه تنها خدا از آنها راضی نیست بلکه قضیه دگرگون و به خشم و غضب خدای سبحان منجر می‌شود. بنابراین

۱- فتح: ۱۸.

۲- توبه: ۱۰۰.

کسانی که پس از محمد صلی الله علیه و آله زنده ماندند، وظیفه داشتند که به جست و جوی خلیفه‌ی الهی درآیند و با او بیعت کنند، تا ایمان آنها و نیز وفایشان به عهد و پیمان استمرار یابد و جزو کسانی نباشند که بر قانون تعیین حاکم از سوی خدا که در قرآن به روشنی تمام ذکر شده است پشت پا بزنند و آن را واژگونه سازند: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^(۱) (و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم) و همچنین برای آن که این آیه‌ی قرآن پس از وفات حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز بر آنها منطبق باشد: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ﴾ (خدا از مؤمنان آن هنگام که با تو بیعت کردند خوشنود گشت).

حق تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^(۲) (آنان که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌هایشان است و هر که بیعت بشکند، به زیان خود شکسته است و هر که به آن بیعت که با خدا بسته است وفا کند، او را پاداشی عظیم دهد). حداقل چیزی که از این آیه به وضوح فهمیده می‌شود این است که خوشنودی در آیه‌ی مزبور، مشروط به بیعت و استمرار بخشیدن به آن و نیز وفا به عهد الهی است، و نه فقط به بیعت صرف: ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ و به تبع، هیچ خوشنودی مطلق، ابدی و دائمی در کار نیست بلکه خوشنودی، متعلق به رویدادی معین و مشروط می‌باشد، و الزاماً باید به وفای به عهد متصل شود، و حتماً باید به عدم نقض پیمان اتصال یابد و پس از وفات خلیفه‌ی پیشین خدا، این خوشنودی محقق نمی‌شود مگر از طریق بیعت با خلیفه‌ی بعدی، تا به این ترتیب، بیعت کننده به عهد خود وفا کرده و میثاق حقیقی را نقض ننموده باشد.

خدای متعال می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۚ إِنَّمَا يَنْتَظِرُ أَوْلُو الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ * وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ * وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ اللَّعَنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾^(۳) (آیا کسی که می‌داند آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابینا است؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند*

۱- بقره: ۳۰.

۲- فتح: ۱۰.

۳- رعد: ۲۵-۱۹.

کسانی که به عهد خود وفا می‌کنند و خود پیمان را نمی‌شکنند* آنان که آن چه را خدا به پیوستن آن فرمان داده است، پیوند می‌دهند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی بازخواست خدا بیمناک‌اند*... و آنان که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می‌شکنند و آن چه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده است، می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، لعنت بر آنها است و بدی‌های آن جهان نصیب‌شان باد!).

همچنین می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۱) (از آن گروه نخستین از مهاجرین و انصار که پیش‌قدم شدند و آنان که به نیکی از پی آنان رفتند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برایشان بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ). این آیه بر استمرار خلافت خدا بر زمینش پس از رسول الله ﷺ دلالت دارد. منظور از پیروی مهاجرین و انصار، خود شخص آنها نیست زیرا ایشان معصوم نیستند؛ همچنین مراد، همه‌ی کارهای آنها نیست زیرا به‌طور یقین، برخی از اعمال و کردارهای آنها بسیار بسیار مذموم و دوری جستن از آنها الزامی است؛ مثلاً برخی از آنها قبل از ایمان آوردن بت می‌پرستیدند و گروهی بعد از ایمان آوردن شرب خمر می‌کردند. لذا در اینجا مراد از پیروی از آنها، پیروی از مهم‌ترین چیزی است که ایشان را شایسته‌ی دریافت این اسامی. السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ. کرده است، که همان گرویدن‌شان به محمد ﷺ بوده، به این اعتبار که آن حضرت، حجت خدا در زمان آنها و خلیفه‌ی خدا در زمینش بوده است. آنها به خاطر کردارشان یعنی به جهت ایمان آوردن به حجت الهی در زمانشان و سبقت جستن در گرویدن به او مورد ستایش‌اند؛ این عده بر کسانی که پس از آنها آفریده می‌شوند فضل و برتری ندارند، زیرا پیشی گرفتن آنها بر اهل زمان خودشان مصداق دارد و لذا مدح شدن آنها به اعتبار پیش‌قدمی‌شان در قیاس با اهل زمان خودشان است؛ چرا که برتری دادن مطلق آنها بر کسانی که قرن‌ها پس از آنها خلق می‌شوند، ستمی است به متاخران نسبت به آنها. حتی این کلامی است که با عدل الهی و فطرت انسان که بر آن آفریده شده است سازگاری دارد و (به ناروا) این شایستگی را به آنها می‌دهد که به‌طور دائم و ابدی جزو برترین خلائق باشند و بر اسلاف خود، برتری یابند. طبیعی است که شما درباره‌ی دو نفر که در زمان حضرت محمد ﷺ بوده‌اند و یکی پس از دیگری ایمان آورده، بگویی فلانی در ایمان آوردن به محمد ﷺ بر آن یکی سبقت جسته است، ولی درست نیست که درباره‌ی دو نفر که در دو زمان مختلف به وجود آمده‌اند بگوئی فلانی در گرویدن به حضرت محمد ﷺ بر آن دیگری پیش افتاده است؛ زیرا

یکی از این دو، بر آن یکی در پدیدار شدن در این عالم سبقت گرفته است؛ چه یکی از این دو در زمان پیامبر بوده باشد و یا هر دو پس از زمان آن حضرت آمده باشند. پیشی گرفتن از آن دو مورد ستایش بوده است که براساس رقابت و پیشی گرفتن در عمل و اخلاص ورزیدن نسبت به دیگران بوده و نه این که صرفاً به خاطر تقدم زمانی باشد.

بنابراین منظور از آیهی: ﴿وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (و آنان که به نیکی از پی‌شان رفتند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برایشان بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ)، عبارت است از پیروی آنها در گرویدن به خلیفه‌ی الهی در هر زمان. کسانی که به نیکی از پی‌شان رفتند، تمام انسان‌هایی هستند که به خلیفه‌ی الهی در زمانشان ایمان می‌آورند و او را یاری می‌کنند، تا روز قیامت! و آنها نیز بر اساس پیشی گرفتن و کردار و اخلاصی که دارند از فضیلت برخوردارند. لذا این صفت «السابقون» (پیشی‌گرفتگان) انتهایی ندارد، حتی صفت «مهاجرت» و یاری رساندن نیز تا روز قیامت بی‌انتهاست. «تابعین» فقط به چند نفر در قرن اول، دوم یا سوم گفته نمی‌شود بلکه تابعین گروه نجات‌یافتگان (فرقه‌ی ناجیه) هستند، تا روز قیامت.

اما این ادعا که تابعین تنها به چند تن مشخص و محدود به قرن اول، دوم یا سوم اطلاق می‌شود، ظلم و اجحاف در حق مؤمنانِ زمان‌های متاخر است؛ کسانی که چه بسا به خاطر اخلاصی که دارند، از دسته‌های اول نیز برتر و بافضیلت‌تر باشند. گروه نخستین از مهاجرین و انصار که پیش‌قدم شدند، صفت کسانی است که مخلصانه به خلیفه‌ی الهی در هر زمان ایمان می‌آورند. لذا اینها همراه محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند؛ یعنی جزو همان کسانی که به آن حضرت گرویدند. برتری هر کس براساس میزان پیش‌قدمی، عمل و اخلاصش تعیین می‌شود. اینها با حضرت علی علیه السلام نیز هستند، و این موضوع هم‌چنان استمرار دارد، و هر زمانی دارای ﴿السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ﴾ است.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۳۶:

به سرورم و فرزند امامم، سید امام احمد الحسن علیه السلام که خداوند حفظش کند و گام‌هایش را استوار سازد!.... سلام بر شما ای خاندان پیامبر خدا و معدن علم و منبع رحمت! سرورم! با پرسشی به سوی شما آمده‌ام که مدت‌ها است اندیشه‌ام در آن سرگردان شده و وقت و تلاش بسیاری از من گرفته است ولی به پاسخی دست نیافته و به معنایش نرسیده‌ام. سرورم: چرا فقط چهار زن به

مراحل بالای کمال رسیده‌اند: سیده مریم، سیده آسیه، سیده خدیجه و سیده‌ی طاهره‌ی معظمه مولایم زهرا علیها السلام؟ سرورم! شما که پسر و حبیب او هستی، به گونه‌ای علمی و عقیدتی مرا مطلع گردان تا با پاسخی که از منبع علم و از پسر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمده است، خوشحال و شادمان نزد اصحابم برگردم.

منتظرت هستم، سرورم! و بسیار مشتاقم به ملاقات با شما و خدمت نمودن به شما و فائز شدن به شرف جهاد زیر پرچم شما.... رب الارباب و مسبب الاسباب شما را حفظ فرماید، توفیق دهد، محافظت نماید و تایید کند! و همواره با عنایت الرحمن الرحیم، پوشیده و در امان باشید.

فرستنده: سید امام - خلیج

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم....

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و المهتدین و سلم تسلیماً.

موضوع انحصار به کمال رسیدن زنان به چهار نفر درست نیست. صحیح آن است که هر انسان طبق علم و اخلاصش، جایگاهی نزد خدای سبحان دارد؛ چه این انسان مرد باشد، چه زن! اما این که برتر خواندن یک انسان معین و این که او از تمام انسان‌های پیش از خود برتر یا برترین اهل زمان خود است و یا حتی نسبت به تمام انسان‌ها برتری دارد، فقط و فقط از طریق نص خدای سبحان از سوی فرستادگانش ثابت می‌گردد. از طریق خبررسانی پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از خداوند سبحان و دانای غیب‌ها، ثابت شده است که فاطمه علیها السلام سرور زنان عالمیان (دو جهان) است. همچنین ثابت شده است که مریم، آسیه و خدیجه، فضل و مقامی نزد خداوند دارند ولی قضیه فقط به همین عده منحصر نمی‌شود بلکه زنان بسیاری وجود دارند که نزد خدا مقام و منزلت والایی دارند. حتی بانویی هست که از این عده برتر و بالاتر است: زینب علیها السلام دختر علی علیه السلام پس از مادرش فاطمه علیها السلام برترین زنان جهانیان است.

این سخن شما که زنان بافضیلت فقط همین چهار نفرند، چندان دقیق نیست، و شما بدان که باب به روی تمام زن‌ها تا روز قیامت گشوده است تا با عمل و اخلاص‌شان بتوانند جزو برترین زنان دو عالم شوند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۳۷:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته....

و درود و سلام بر برترین خلق خدا محمد و بر خاندان او الائمه و المهتدین و سلم تسلیماً.

به امام احمد الحسن و انصار! خدا و فرشتگان شهادت می دهند و شما داناترید که چه کسی با خواندن کتابها، خطبهها و استدلالهای شما، اکنون بر یقین است، ولی موضوعی را مطرح می سازم تا دلم اطمینان یابد:

اولین سؤال دربارهی داستان آصف بن برخیا، وزیر سلیمان نبی علیه السلام است. از امام می خواهیم حجت بر ما را برایمان تبیین فرماید؛ زیرا وی عالم آل بیت و بقیة الله است؛ نه از روی شک بلکه فقط برای اطمینان یافتن!

سؤال ۱. داستان آصف بن برخیا، وزیر سلیمان نبی علیه السلام هنگامی که تحت بلقیس را آورد چیست؟

سؤال ۲. نام صحیحی که برای وزیر سلیمان نبی علیه السلام می شناسید چیست؟

سؤال ۳. نام کتابی که وی از آن علم آموخت - همان طور که در قرآن آمده است. چیست؟

سؤال ۴. علمی که او از کتاب اخذ کرد چه بود؟

سؤال ۵. آیا آصف، تحت بلقیس را به وسیلهی دعا آورد یا از طریق دیگری این کار را انجام داد؟ به آن اشاره نمایید. اگر دعا یا جملهی دیگری بوده است، خواهش می کنم آن را بیان دارید.

سؤال ۶. چگونگی انتقال تحت از جایی به جای دیگر را شرح دهید.

خداوند از علم لدنی، شما را فزونی دهد و نور شما و انصارتان را که خاموش نمی شود، بتاباند؛ حتی اگر مشرکان را خوش نیاید!

از انصار تقاضا می کنم سؤالهایم را به امام معصوم برسانند و از او خواهش کنند که از صمیم قلب مرا دعا کند به این که توفیق یابم و از خلفای الهی پیروی نمایم و به بیعت و دیدن طلعت زیبا موفق گردم.

فرستنده: ابورضا. عمان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ

هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾^(۱) (و

آن کس که از علم کتاب بهره ای داشت گفت: من پیش از آن که چشم بر هم زنی آن را نزد تو می آورم.

چون آن را نزد خود دید گفت: این بخشش پروردگار من است، تا مرا بیازماید که سپاسگزارم یا کافر نعمت،

پس هر که سپاس گوید برای خود گفته و هر که کفران ورزد پروردگار من بی نیاز و کریم است).

خدا شما را بر هر خیری موفق بدارد! او آصف (علیه السلام)، وصی سلیمان (علیه السلام) بوده است. نحوه‌ی آوردن تخت به وسیله‌ی رفع بوده است که بنده قبلاً آن را شرح داده‌ام و این مطلب در کتاب‌ها منتشر شده است و شما می‌توانی آن را مطالعه کنی. بنابراین زمان یا مکان بر فرآیند جابه‌جایی اثرگذار نبوده است زیرا همه‌ی ماجرا عبارت است از تعیین دو نقطه‌ی انتقال و سپس برداشتن (رفع نمودن) تخت از یک مکان و بازگرداندن آن از حالت رفع در مکان دوم، در همان لحظه می‌باشد. در رفع، نه زمان در کار است و نه مکان؛ بنابراین در اینجا حرکتی که به بروز تأخیر در فرآیند جابه‌جایی منجر شود، وجود ندارد.

و اما این که علم کتاب چه بوده است، این علم صرفاً لفظ و معنی نبوده بلکه حقایقی بوده است که در صفحه‌ی وجود انسانی که برای خدای سبحان اخلاص پیشه کرده است، ظهور و تجلی می‌یابد؛ هر انسانی بر حسب حال خودش! همان‌طور که شما خود ملاحظه می‌کنی، آن چه که برای آصف تجلی یافت، چیزی از کتاب بود: ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ﴾ (و آن کس که از علم کتاب بهره‌ای داشت گفت)؛ اما آن چه که برای محمد و آل محمد (علیهم السلام) تجلی یافته، تمامی کتاب است به گونه‌ای که اینها خود، کتاب خداوند سبحان گشته‌اند.

خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^(۱) (کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی. بگو: خدا و هر کس که از کتاب، آگاهی داشته باشد، برای شهادت دادن میان من و شما کافی است). این شاهد، علی (علیه السلام) است و خداوند به وضوح بیان فرموده که علی (علیه السلام) همان کتاب خدا است و همه چیز در او به شماره آمده است. حق تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾^(۲) (ما مردگان را زنده می‌کنیم و هر کاری را که پیش از این کرده‌اند و هر اثری را که پدید آورده‌اند، می‌نویسیم و هر چیزی را در امامی مبین شماره کرده‌ایم).

خداوند توفیقت دهد! بدان، این کتاب از جهتی، تجلی خدا در خلق و همان صورت خدا و همان انسان کامل و همان محمد و آل محمد (علیهم السلام) است. اگر آن چه که در کتاب‌ها نوشته‌ام را بخوانید به خواست خدا می‌توانید پاسخ این سؤالات و پرسش‌های فراوان دیگری را بیابید و دریابید. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را در شناخت حق استوار گرداند!
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱- رعد: ۴۳.

۲- یس: ۱۲.

مطلب زیر، برخی از مطالب موجود در کتاب «در محضر عبد صالح علیه السلام» در مورد رفع می باشد که در سایت انصار امام مهدی علیه السلام منتشر شده است و می توانی آن را بخوانی:

اما رفع و بیان معنای آن، دومین موضوعی بود که من در سؤال پیشین از عبد صالح علیه السلام پرسیده بودم و عرض کردم: ما در شرح موضوع رفع، موفق نیستیم و یا حداقل این قضیه برای برخی از ما کاملاً روشن نیست.

ایشان علیه السلام پاسخ دادند: «در خصوص رفع، مثالی برایتان می زنم، آیا با حساب دیفرانسیل و انتگرال در ریاضیات آشنایی و از آن سر در می آوری؟ این مثال به نوعی با این موضوع، ارتباط دارد». عرض کردم: چیزی در این خصوص نمی دانم.

فرمودند: «الحمد لله. آیا می دانی مفهوم «خط» و «نامتناهی» در ریاضیات به چه معناست؟ به هر حال من سعی می کنم این موضوع را به ساده ترین صورت ممکن بیان نمایم. فرض می کنم شما عصبایی داری. این عصارا به صورت عمودی قرار بده بالاترین جای عصارا، نفس یک انسان یا بالاترین مقام او است و پایین ترین جای آن نیز معادل جسم است. البته امیدوارم دقت داشته باشی که این، یک مثال است و واقعیت چیزی غیر از آن است.

اکنون در ذهنت این عصارا را به بخش هایی تقسیم کن ولی برای این که وضعیت به بهترین وجه ممکن باشد، باید این بخش ها تا جایی که امکان دارد، کوچک باشد.

حال ببین چه تعداد از این بخش های کوچک وجود دارد؟ برای دانستن این مطلب باید طول عصارا را بر طول هر بخش تقسیم کنی؛ مثلاً اگر طول عصارا را ۱ و طول هر قسمت را کوچک ترین مقدار ممکن در نظر بگیریم، آیا می توانی کوچک ترین عدد ممکن را تصور کنی؟ کوچک ترین عدد بیانگر «موجودیت» است. این عدد صفر نیست ولی نزدیک ترین عدد به صفر می باشد. از آنجا که اعداد، نامتناهی اند (محدود نیست)، لذا نمی توان آنها را شمرد ولی تصور نمودن آنها، شدنی است. این عدد (مورد بحث ما) یک دهم نیست زیرا یک صدم از آن کوچک تر است؛ یک هزارم از آن هم کوچک تر است. به این ترتیب می توانی تا بی نهایت صفر اضافه کنی چرا که اعداد نامتناهی اند. بنابراین تصور ما از نتیجه ای که به دست می آید برابر است با نتیجه تقسیم عدد یک بر صفر.

بر این اساس تقسیم طول عصارا بر صفر برابر است با بی نهایت و نامتناهی، و از آنجا که این عدد صفر نیست بلکه مقداری نزدیک به آن است، نتیجه همان است که خدای متعال فرموده: ﴿وَإِنْ

تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»^(۱) (و اگر بخواهید که نعمت‌های خدا را شمارش کنید، نمی‌توانید)؛ یعنی قابل شمارش است؛ به دیگر سخن از لحاظ امکان پذیری، قابل شمارش است ولی در واقع آیا می‌توان آن را به شماره آورد؟ خیر! ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾ (و اگر بخواهید که نعمت‌های خدا را شمارش کنید، نمی‌توانید).

اکنون معنای این آیه نیز برای شما روشن شد. شاید قبلاً از خودت می‌پرسیدی: چه طور ممکن است نعمت‌های خدا بر من قابل شمارش نباشد و من نتوانم آنها را به شماره آورم؟ در حالی که به حسب ظاهر، این نعمت‌ها معدودند. آیا این طور نیست؟ تعداد نعمت‌ها چه قدر است؟ هر تعداد که باشد به هر حال قابل شمارش است ولی اکنون برای شما واضح شد که چرا آنها غیرقابل شمارش می‌باشند یا در واقع شمارش آنها ناممکن است. زیرا در حقیقت نعمت‌های الهی بر تمام وجود انسان و همه‌ی تجلیات او افاضه شده است. آیا اگر بخواهی، می‌توانی تجلیات انسان را به شماره آوری؟ در مثال، برایت توضیح دادم که این کار ناشدنی است. آیا اکنون موضوع روشن شد؟»

عرض کردم: بله.

ایشان (علیه السلام) فرمود: «اگر چیزی مبهم است، نگو بله!».

البته یک موضوع مبهم و غیرواضح وجود داشت که من آن را در سؤال بیان کردم و عرض کردم: آیا منظور از تجلیات انسان، حالات مختلف او از قبیل ایستادن، نشستن و غیره است؟

ایشان (علیه السلام) فرمود: «خیر! برای شما مثال دیگری می‌زنم: فرض کنیم که انسان عبارت است از یک نور که من می‌خواهم این نور به جایی برسد. شما منبع نور را در یک جایی روشن کرده‌ای. انتقال نور از منبع و جایگاه خودش، به مکانی دیگر چگونه انجام می‌شود؟ از طریق تجلی و تابش گام به گام نور به سمت هدف. این گام‌ها (گام‌های حرکت) همان تجلیات انسان است. در حقیقت این تجلیات مانند گام‌ها، همیشه هستند و دائماً در حال تجدید و نو شدن می‌باشند، زیرا منبع، همواره در حال انتشار است. اگر این انتشار قطع شود، انسان به فنا رفته و به عدم باز می‌گردد.

اکنون اگر شما را چند گام به عقب برگردانم، چیزی در شما تغییر نمی‌کند، فقط شما در عالم جسمانی، نامرئی می‌شوی و از بدنی نورانی‌تر که با تاریکی، سنگین نشده است، برخوردار خواهی شد. این همان «رفع و درجات آن» است. اگر از شما بخواهم که چند گام به جلو بروی، مرئی خواهی شد و به آنچه اهل این عالم جسمانی برای بقا نیاز دارند، شما هم نیاز پیدا خواهی کرد. «رفع شده» بین مردم است

ولی در آنها نیست. (۱)

از آنجا که انسان عبارت است از وجود تجلیات او که تعداد آن نزدیک به نامتناهی است و از آنجا که نعمت‌های الهی که بر انسان داده شده، غیر قابل شمارش است، لذا انسان (فطرت انسان) نزدیک به نامتناهی که همان خدای سبحان و صورت لاهوت می‌باشد، است. از همین روست که علی علیه السلام در توصیف وضعیت انسان فرموده: «تَحْسَبُ نَفْسَكَ جَرْمًا صَغِيرًا وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ» (آیا گمان می‌کنی تو جرمی خرد و کوچکی؟ و حال آن که جهانی بزرگ‌تر در وجود تو نهفته است) (۲) شاید شما را خسته یا اذیت کردم، مرا ببخش».

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۳۸:

بسم الله الرحمن الرحيم....

دروود و سلام بر سرورمان محمد و بر خاندان طیب و طاهر او.

اما بعد.... سید امام احمد الحسن یمانی، چند سؤال دارم و از شما خواهش می‌کنم آنها را پاسخ دهید.

اولاً: لطف کنید تعریف روشنی از سید ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام و جناب سلمان فارسی در آسمان و زمین بیان دارید و بفرمایید ارتباط حقیقی آنها با خدای متعال چیست؟ آیا اینها مرده‌اند، غایب شده‌اند یا چیز دیگری؟

ثانیاً: سیده فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در حقیقت کیست؟ راز مقام رفیع او چیست؟ سرّ نهاده شده در او چیست؟ و ارتباط او با سیده مریم عذراء، اگر ارتباطی وجود داشته باشد، کدام است؟

ثالثاً: این بزرگواران در حقیقت چه کسانی هستند: مقداد بن اسود، ابوذر غفاری، عبدالرحمن بن رواحه، عثمان بن مظعون، قنبر بن کادان، و اینها همان‌طور که خود می‌دانید، یاران حضرت علی علیه السلام هستند؟

و سؤالی که برایم بسیار مهم است این است که آیا سید مسیح علیه السلام از مولای ما حسین علیه السلام به خدا مقرب‌تر و نزد او از جایگاه برتری برخوردار است؟! چرا که خداوند مسیح را از صلیب رهایی بخشید ولی

۱- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از آن که ضربت خورد فرمود: «.... من دیروز همراه شما بودم و امروز مایه‌ی پند و عبرت شما هستم و فردا از شما جدا خواهم شد.... چند روزی با بدنم در کنار شما زیستم، و به زودی از من جز جسدی بی‌روح، ساکن پس از آن همه تلاش و خاموش پس از آن همه گفتار، باقی نخواهد ماند. پس باید سکوت من، و بی‌حرکتی دست و پا و چشم‌ها و اندام من، مایه‌ی پند و اندرز شما گردد، که از هر منطق رسایی و از هر سخن موثری عبرت انگیزتر است....» کافی: جلد ۱ صفحه ۲۹۹ حدیث ۶.

۲- مراجعه نمایید به اعیان الشیعه: جلد ۱ صفحه ۵۵۲

اجازه داد حسین (علیه السلام) به شیوه‌ای که در داستان‌ها نقل می‌شود، زجر بکشد و کشته شود. خصوصاً با توجه به این که من کلامی از امام علی (علیه السلام) شنیده‌ام که می‌فرماید: «أنا والهداة من بيتي سر الله المكنون و أولياؤه المقربون كلنا واحد فلا تفرقوا فينا فتهلكوا، ونحن الآيات والحجب و وجه الله» (من و راهنمایان از اهل بیت من، سر پنهان خداوند و اولیای مقرب او هستیم. ما همگی یکی هستیم پس بین ما فرق نگذارید که هلاک خواهید شد، و ما نشانه‌ها، حجاب‌ها و وجه الله هستیم). لطفاً بفرمایید سر پاسخ چیست؟

رابعاً: اگر همان‌طور که از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است، پیامبر و ائمه -روح فدایشان باد- وجه الله باشند یعنی آنها جنبه‌ی ظاهری خدا و نور او در زمین هستند و مردم آنها را دیده‌اند، پس چرا سید ما موسی (علیه السلام) وقتی گفت پروردگرم خود را بنمای تا در وجه تو نظر کنم، بیهوش افتاد؟

و سؤال آخر این که اگر پیامبر و ائمه (علیهم السلام) ظاهر خدا هستند، باطن حقیقی خدا چیست؟ سرورم! از این که مطلب به درازا کشید عذر می‌خواهم ولی این سؤالات واقعاً مرا متحیر و سرگردان کرده است و من کسی نجیب‌تر (گرامی‌تر) و تواناتر از شما که بتواند پاسخی روشن به آنها بدهد نیافته‌ام؛ زیرا شما همان‌طور که خود فرموده‌اید جانشین خدا در زمین هستید و راه‌های آسمان و زمین را می‌شناسید.... از خداوند درخواست دارم که مرا به وسیله‌ی شما هدایت کند و مرا جزء پیروان مخلص شما گرداند، اگر حقی از جانب خدا باشید!

با تشکر.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: ایهم مخیر - سوریه

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم....

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و گام‌هایتان را بر شناخت حق و پیروی از آن استوار سازد! از شما تقاضا می‌کنم کتاب‌هایی را که در زمینه‌ی معرفت حق نگاشته‌ام بخوانی تا با پاسخ برخی از سؤالاتی که پرسیده‌ای آشنا گردی. پس از آن که آنها را با تدبر و تأمل خواندی، می‌توانی پرسش‌هایت را مطرح کنی و من به خواست خدا برای پاسخ‌گویی به هر سؤالی آماده‌ی خدمت به شما خواهم بود.

برخی از سؤال‌هایت درست نیست که بررسی؛ مثل این سخنت که «خدای متعال را باطنی است»؛ خدای سبحان برتر و والاتر است (وَتَعَالَى اللَّهُ عُلُوًّا كَبِيرًا) از این که باطن یا ظاهر داشته باشد بلکه او ظاهر و باطن و اول و آخر است، در خلق تجلی یافته است و خلق به او قائم‌اند. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ١٤٣٢ هـ.ق.

محور دوم:

پرسش‌های فقهی

پرسش ۵۳۹:

آیا در روابط جنسی میان زن و شوهر، حدود مشخصی وجود دارد، یعنی آیا موارد حرامی وجود دارد که زوجین نمی‌توانند آنها را انجام دهند؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

هر یک از زن و شوهر می‌توانند در هر زمان و هر مکان با هر بخش متناظر از بدن طرف مقابل خود کام‌جویی کنند و لذت ببرند، اگر هر دو بر این امر راضی باشند؛ به جز مواردی که بیشتر حرمت آنها را بیان نمودیم که عبارت است از حرام بودن ارتباط جنسی در ایام حیض و این که شوهر بخواهد بدون رضایت همسرش در دُبُر دخول کند. من از شما خواهش می‌کنم در روابط جنسی بین زوجین، به دنبال قید و بندهایی که براساس اهواء و آراء بنا شده است و تلاش‌هایی که از سوی مدعیان فقه از آن چه که براساس بینش خود در مورد امیال جنسی بنا نموده‌اند، نروید.

ارضای غریزه‌ی جنسی همسران (زن و شوهر) با نیت نزدیک شدن به خدا و برای حفظ نمودن فرج، از بزرگترین مستحباتی است که می‌توان با آن به خدای سبحان تقرب جست. پاداش این کار کمتر از ثواب عبادات مانند نماز و روزه نیست، فقط به نیت زوجین نیاز دارد. به جای این که هر یک با هدف اِشباع میل و هوس خود، با شریک‌ش ارتباط جنسی داشته باشد، فقط چنین نیت کند که نیاز شریکش را برآورده سازد و فرج او را با نیت «قربة الى الله» (نزدیکی به خداوند) حفظ نماید. به این ترتیب زن و شوهر به فضل و گرمی که خداوند بر این دو دارد، پاداش و ثواب می‌گیرند.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن

پرسش ۵۴۰:

امام مفدی احمد الحسن خداوند شما را توفیق دهد!....

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

من در مورد برخی موضوعاتی که در کشور آمریکا به آن مبتلا هستیم چند سؤال فقهی دارم، و از شما خواهش می‌کنم به آنها پاسخ دهید، با تشکر بسیار از شما:

۱- در اینجا دولت به‌طور سمبلیک، برای کسانی که کار پیدا نکرده‌اند، مساعدت‌های مالی و کمک هزینه‌های مسکن ارائه می‌کند. آیا بر ما جایز است بدون اطلاع دولت و بدون این که آنها را در جریان اشتغال‌مان قرار دهیم، کار کنیم و به این ترتیب هم کارکنیم و هم از کمک‌ها استفاده نماییم؟ زیرا در غیر این صورت، این کمک‌ها را از ما قطع می‌کنند.

۲- آیا ما می‌توانیم با فریفتن برخی سازمان‌های این دولت و با به کارگیری شیوه‌های مختلف، امتیازاتی به دست آوریم؟

۳- آیا ما می‌توانیم با برگه‌های قرعه‌کشی که در اینجا فروخته می‌شود کار کنیم و آنها را به فروش برسانیم؟

۴- در اینجا یک سری کالاهایی وجود دارد که دولت فروش آنها را فقط به گروه مشخصی از مردم و یا برای مناطقی معین، منحصر کرده زیرا این کالاها از مالیات معاف است. اگر ما این کالاها را به دست بیاوریم، آیا این حق را داریم که آنها را بفروشیم؟ با توجه به این که دولت، این کار را با جریمه‌های مالی و بعضاً با زندان مجازات می‌کند.

۵- ما از طریق پاسخ‌های شما در این سایت دریافته‌ایم که این پاسخ‌ها درست و استوار است و با واقعیت همخوانی دارد، با این دیدگاه می‌خواهم از شما به عنوان کسی که توجهم را جلب نموده است، تقاضا کنم تا معرفت حق‌تان (برایم) زیاد گردد.

از این که وقت‌تان را در اختیار من گذاشته‌اید بسیار متشکرم، خداوند شما را جزای خیر دهد!

فرستنده: امل - آمریکا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

التزام به قوانین وضع شده واجب نیست و این قوانین از نظر شرعی ارزش و احترامی ندارد، بنابراین مخالفت با آن و عمل برخلاف آن جایز است. فقط مراعات قوانین دولت عدل الهی لازم است و مخالفت با آنها جایز نمی‌باشد زیرا اینها قوانین شرعی است که اگر انسان با آنها مخالفت کند، در آخرت مورد محاسبه و مواخذة قرار می‌گیرد.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۱:

از سرورانم خواهش می‌کنم به من مرحمت کنند:

۱- وظایف و تکالیف زن نسبت به همسرش.

۲- وظایف و تکالیف شوهر نسبت به همسرش.

لطفاً نکات مهم را بفرمایید و خواهش مندم پاسخ، واضح و فقط مبتنی بر شرع باشد.
و من از شما بسیار متشکر و ممنونم.

فرستنده: حسین لاری - امارات

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیري موفق بگرداند! در کتاب نکاح در شرایع الاسلام تفصیل حقوق زن و شوهر بیان شده است. به خواست خدا برادران انصار شما، این کتاب را در اینترنت منتشر خواهند کرد.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۲:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

من پرسش‌های فقهی و از جمله ازدواج موقت را مطالعه کرده‌ام ولی اطلاعات کافی در این خصوص وجود ندارد. آیا ازدواج موقت باید با عقد ازدواج باشد، یعنی لازم است دو شاهد عقد را امضا کنند؟ یا می‌شود آن را به‌طور شفاهی برگزار کرد؟

آیا ازدواج موقت از طریق اینترنت درست است؟ آیا (این نوع ازدواج) با شرط عدم نزدیکی صحیح می‌باشد؟

خواهش می‌کنم در اسرع وقت پاسخ دهید زیرا من به روش دیگری یعنی فقط در حضور خودمان دو نفر ازدواج کرده‌ام، و فقط خدا شاهد ازدواج ما بوده و دو شاهد در کار نبوده است و قصد بدی نسبت به دختر ندارم زیرا او باکره است.

خداوند ما را مشمول رحمت خویش قرار دهد.

فرستنده: س ی - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را توفيق دهد! شرح تفضیلی در کتاب نکاح در شرایع الاسلام که توسط برادران انصار شما که
 خداوند توفیقشان دهد، در اینترنت منتشر خواهد شد، خواهد آمد.
 و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۳:

السلام علیکم...

خواهش می‌کنم این نامه را به احمد الحسن برسانید. پرسش‌های من:

۱. راه درمان شک و ضعف یقین درباره‌ی موضوع ولایت حتی به هنگام فراوانی ادله‌ی آن چیست؟ یا به عبارت کامل‌تر، درباره‌ی موضوع پیروی از راه درست، زیرا موضوع به‌طور کامل بر پایه‌ی شک و ظن استوار است، پس چگونه می‌توان یقین به دست آورد؟
۲. حکم دختری که پدرش خمس نمی‌دهد و خود او کار نمی‌کند و مخارجش بر عهده‌ی پدرش می‌باشد چیست؟ این دختر وسایل زیادی دارد که مورد استفاده قرار گرفته و به حال خود رها شده و همچنین وسایلی دارد که هیچ‌گاه استفاده نشده است؛ آیا از این وسایل خمس ساقط است؟
۳. آیا در صورتی که صله‌ی رحم خطری به دنبال داشته باشد، ساقط می‌شود؟ به صورتی که اگر دختر با خویشاوندان پدرش رفت و آمد کند، مادرش که با این کار موافق نیست به شدت خشمگین می‌شود و در نتیجه مشکلاتی به وجود می‌آید و به پدر بیمارش آزار و اذیت می‌رسد و حتی ممکن است خطری برای زندگی او به دنبال داشته باشد زیرا پدر نمی‌تواند جار و جنجال و مشکلات را تحمل کند.
۴. آیا شما به اجتهاد خودتان فتوا می‌دهید یا براساس رأی گرفته شده از حضرت مهدی (علیه السلام) فتوا صادر می‌نمایید؟

۵. در گفت‌وگویی بین یک زن مسیحی با احمد الحسن، خواندم که از امام ابوجعفر محمد باقر (علیه السلام) نقل شده است که برای هر قرن و نسلی از این امت، رسولی از خاندان محمد در میان آن نسل وجود دارد که فرستاده شده به سوی آنها است و ظهور می‌کند. آیا برای تمام قرونی که پس از غیبت کبری قائم گذشته است، رسولانی فرستاده شده‌اند؟

فرستنده: زهرا. عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

پاسخ سؤال ۱ - یقین از طریق اخلاص برای خدای سبحان به دست می‌آید و طی آن بنده، حق و راه مستقیم را از طریق خدایی می‌شناسد که خود را شاهی برای کسی که شهادت او سبحان و تعالی را طلب می‌کند، قرار داده است. ﴿قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾^(۱) (بگو خدا میان من و شما برای شهادت کافی است، زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است).

پاسخ سؤال ۲ - در خصوص چنین موردی، این دختر باید روزی مشخص در طول سال تعیین کند و در آن روز آن چه که از درآمدهایش باقی مانده است را حساب و خمس آن را محاسبه نماید؛ مثلاً اگر در آن روز، مالی داشته باشد، خمس آن را بدهد و اگر چیز استفاده نشده‌ای دارد نیز خمس آن را محاسبه نماید.

پاسخ سؤال ۳ - نیکی به والدین واجب است و ساقط نمی‌گردد و حتی المقدور باید ادا شود.

انفاق بر زن، فرزندان و اجداد واجب است ولی صله‌ی رحم با دیگر ارحام چه با مال باشد و چه به وسیله‌ی گفتار، مستحب است و واجب نمی‌باشد.

پاسخ سؤال ۴ - خداوند شما را توفیق دهد! ما آل محمد، در امور دین اجتهاد نمی‌کنیم بلکه این علمی است که خداوند به ما تفضل فرموده و با آن، ما را از دیگر مردمان بی‌نیاز ساخته است. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۴:

بسم الله الرحمن الرحيم...

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

مولای من، احمد الحسن! در خصوص بسیاری از ارتباطات معمول و در جریان زندگی، برخی مسائل مبرم و ضروری برای من مطرح می‌باشد.

سؤال ۱ - مولای من! ما ایمان داریم به این که هر حاکم و سلطانی، جائز و کفر ورزیدن به او واجب است مگر آن حاکمی که خداوند او را نصب کرده باشد. ولی سرورم، ما بسیار نیاز داریم که حدود تعامل با حاکم جائز در تعاملات مختلف را بدانیم؛ نظیر دریافت اوراق رسمی که برای منعقد ساختن بسیاری از

قراردادها، ضروری می‌باشد از رجوع به محاکمی که به غیر از شرع خداوند اداره می‌شوند تا موافقت برای عضویت به عنوان یک سرباز دولت. سرورم! شایان ذکر است این گونه اوراق بسیار و متنوع و در زمینه‌های مختلف و در اغلب موارد وسیله‌ی رسیدن به منفعتی می‌باشد. به عنوان مثال شما با دریافت کارت ملی می‌توانید بلیط سفر تهیه کنید و کالابریگ (کوپن) به دست آورید. اگر شهروندی کارت ملی به همراه نداشته باشد، ممکن است در معرض زندانی شدن یا پرداخت جریمه‌ی مالی واقع شود یا حداقل مورد اهانت قرار گیرد. چیزهایی هست که منفعتی به دنبال دارند ولی فقدان آنها ضرری به اندازه‌ی فقدان کارت ملی به همراه ندارد، مثل کالابریگ که اگر نباشد، شما مجبورید کالاهای اساسی را به قیمت گران‌تری خریداری کنید؛ همچنین به عنوان مثال، می‌توان از قرارداد تلفن چشم پوشی کرد ولی انسان به آن نیاز پیدا می‌کند، هر چند می‌توان آن را با تلفن همراه عوض کرد ولی هزینه بالاتری در پی دارد. قرارداد برق نیز همین‌طور است. سرورم! قراردادهای زیادی هست که من باید در آخر کار پوالم را به خزانه‌ی حاکم جائر واریز کنم. سرور و مولایم! از شما خواهش می‌کنم به خادم جاهلت لطف کنی و با جواب مفصل ما را رهایی بخشی.

سؤال ۲. اگر نپیوستن به ارتش باعث منع سفر به کشورهای اروپایی یا دیگر کشورها شود چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان با زیرکی و طفره رفتن به ارتشی که احتمال می‌رود در آینده‌ی نزدیک وارد جنگ با هیچ دشمنی نشود، پیوست؟ انواع مختلفی از نهادها و مؤسسات دولتی وجود دارد که کار میدانی داخلی انجام می‌دهند. سرورم، از شما خواهش می‌کنم که این مسائل را با تفصیل برای ما شرح دهید.

سؤال ۳. زمینی که حاکم جائر بر آن سیطره دارد، زمینی است که از نظر علمی در حکم غصبی می‌باشد، سؤال این است: قراردادهایی است که حاکم جائر برای رسیدن به منفعت و هدفی وضع می‌کند که پول آن از طریق مصادره‌ی زمین غصبی تحت تملک حاکم به دست می‌آید، آیا این قراردادها را می‌توان قراردادهایی حقیقی که احکام قرارداد بر آن جاری است در نظر گرفت؟ یا این که شایستگی این را ندارد که آنها را قرارداد بخوانیم، زیرا او صاحب واقعی زمینی که مصادره شده است، نمی‌باشد؟

سؤال ۴. ای سرورم! به من کاری در مرکز خدمات‌رسانی به دانشجویان پیشنهاد شده و این مرکز کارش این است که هر چه که دانشجویان و دیگر مردم بخواهند را می‌پذیرد، با رایانه تایپ می‌کند و سپس آن را روی برگه‌ی کاغذ یا چیزهای دیگر خروجی می‌گیرد.

ممکن است تایپ چیزهای دلهره آوری خواسته شود؛ مانند موضوعاتی که درباره‌ی نظریات غربی بحث می‌کند، و همچنین موضوعاتی مانند تمجید از فراعنه‌ی باستان! آیا کار در چنین مرکزی امکان‌پذیر است یا خیر؟ و اگر امکان‌پذیر است با کدام شرایط و ضوابط؟

از خدا مسئلت دارم به حق جدّت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و به حق مادرت فاطمه علیها السلام و به حق تمام پدران علیهم السلام شما

را فرج عطا فرماید و پیروزی را قرین شما گرداند و ما را از انصار شایسته‌ی تو و پدرت قرار دهد. علیکم السلام و رحمة الله و برکاته تا انتهای روزگار!

فرستنده: عبدالله - مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

پاسخ سؤال ۱. دریافت اوراقی که برای انجام برخی امور و یا دریافت منافع دولتی لازم است، اشکالی ندارد حتی اگر دولت غیرشرعی باشد. همچنین منتفع شدن از آنها نیز فاقد اشکال است اما قوانین وضع شده که دولت آنها را وضع می کند واجب الاحترام نیست.

پاسخ سؤال ۲. اگر ثبت نام نکردن و نپیوستن شما به ارتش، اذیت و زیانی برای شما به بار آورد پیوستن به ارتش بی اشکال است، به شرطی که ارتش عامل عملی ستمکارانه بر مردم نباشد و یا از ستمکاران حمایت و اعمال ظالمانه‌ی آنها را تسهیل نکند.

پاسخ سؤال ۳. فرد مؤمن می تواند از این قراردادها استفاده کند ولی احترام به آنها و التزام به اجرای آنچه در قرارداد آمده است بر او واجب نیست.

پاسخ سؤال ۴. این کار اشکالی ندارد. همچنین چاپ پژوهش‌هایی که دانشجویان انجام می دهند بی اشکال است، مگر این که پژوهش‌ها با هدف تخریب و یا مسخره کردن مقدسات دینی و شریعت صورت گرفته باشد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۵:

جناب سید السلام علیکم.

من کارم سفر است یعنی راننده‌ی قطار هستم و بین شهرهای مختلف رفت و آمد می کنم. در یک هفته حدود ۲۷۰۰ کیلومتر مسافت می پیمایم. اگر برای دیدار و بازدید به این شهرها بروم، نماز را تمام بخوانم یا شکسته؟ با تشکر از شما.

فرستنده: عدنان الفرحان - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
در کتاب شرایع بیان داشتم که هر کس که مدت سفرش بیش از حضور در وطنش باشد، باید در سفر، نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد، چه سفر او برای کار باشد و یا برای غیر آن.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۶:

بسم الله الرحمن الرحيم...

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

سلام بر یمانی آل محمد و رحمة الله و برکاته.

سرور و مولایم! من برای اولین بار به عمره رفتم و قبل از آن حج نرفته بودم. احرام، قبل از رسیدن به عربستان و در داخل هواپیما انجام شد، به نیت نذر احرام عمره‌ی مفرده‌ی واجبه. هواپیما در جده به زمین نشست و از آنجا با ماشین به مکه رفتم.

سؤال من: ماشین مسقف بود و من در آن هنگام محرم بودم؛ آیا دیه واجب می‌شود؟

در هواپیما غذایی که شامل برنج با مرغ بود آوردند و من نمی‌دانستم که آیا این مرغ ذبح اسلامی شده است یا خیر. ضمناً خوردن مرغی که در رستوران‌های مکه و مدینه‌ی منوره موجود است چه حکمی دارد؟
با توجه به این که اغلب ذبح‌شده‌ها از خارج وارد می‌شود و بر آن می‌نویسند ذبح اسلامی. حتی اگر از فروشنده در رستوران بپرسم می‌گوید این ذبح اسلامی شده است. حکم آن چیست؟

پس از عمره برای زیارت پیامبر خدا ﷺ و ائمه‌ی بقیع و فاطمه (علیها السلام) به مدینه رفتم. وقتی آنجا رسیدم، پس از رزو هتل و غسل کردن، مستقیم به زیارت پیامبر خدا ﷺ رفتم. آن موقع کمی قبل از وقت نماز مغرب بود. برای افراد حاضر در مسجد افطاری آوردند که عبارت بود از هفت خرما و آب میوه. من به نیت این که اینها پذیرایی از طرف پیامبر خدا ﷺ است از آنها خوردم و نمی‌توانستم آنها را رد کنم. ولی پس از آن به ذهنم آمد که این سفره متعلق ناصبی‌ها و وهابی‌ها است. حکم شرعی آن چیست؟
و السلام علیکم و رحمة الله.

اللهم صل على فاطمه و ايها و بعلمها و بنيتها و السر المستودع فيها

خداوندا! بر فاطمه، پدرش، شوهرش، فرزندانش و سرّی که در آن نهاده شده، صلوات بفرست!

فرستنده: ابوعلی. کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 زیر سایه رفتن، اگر از روی اضطرار باشد مثلاً به این دلیل که وسیله‌ی نقلیه‌ی موجود فقط خودروی مسقف باشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر این کار از روی اختیار صورت بگیرد، مثلاً در آنجا دو خودرو باشد که با آن دو می‌توان نقل مکان نمود و یکی از آنها مسقف و دیگری بدون سقف باشد و فرد با اختیار خودش ماشین مسقف را انتخاب کند، وی مرتکب حرام شده و اگر «معتمر» (عمره‌گزار) است، باید یک گوسفند در مکه قربانی کند و کفاره بدهد.

در خصوص گوشت مرغ، حتماً باید مطمئن شد که به دست فرد مسلمان ذبح شده باشد زیرا آنها اکنون ذبح با ماشین را هم مجاز می‌دانند.

در هواپیما و رستوران‌ها اگر پرس و جو کردی و سؤال نمودی و فهمیدی که مرغ به دست مسلمان ذبح شده است، می‌توانی آن را میل کنی، و گرنه از آن اجتناب کن. خداوند توفیقت دهد!

و اما در خصوص سفره‌ی خرما و نوشیدنی که در مسجد نبوی عرضه شد، با طیب خاطر آن را میل کن؛ اشکالی بر آن نیست. خداوند شما را توفیق دهد!
 و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۷:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

سلام بر شما، ای مولای من، احمد الحسن یمان!

سرورم! من زنی از انصار هستم ولی خانواده‌ام جزو انصار نیستند و آنها در مورد انتخابات بر من فشار آوردند. من هم رفتم و برگه‌ی (رای‌گیری) را خراب کردم و نام بیش از یک حزب را نوشتم و نمی‌دانستم اینها چه کسانی‌اند.... آیا این که در برگه نام بیش از یک حزب را نوشته‌ام، کاری حرام به شمار می‌رود یا خیر؟ لطفاً پاسخ بدهید. آیا این کار گناهی بر گردن من محسوب می‌شود یا خیر؟

فرستنده: مهندس عمران - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
 خداوند شما را توفيق دهد! اگر بر این کار مجبور بوده‌ای خداوند شما را می‌بخشد که او بهترین آمرزندگان
 است. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را درخواست می‌نمایم!
 و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۸:

سرور، مولا و امام من در دنیا و آخرت، سلام عليكم! ان شاء الله سرورم، از شما مسئلت دارم که مرا بر
 ثبات و نصرت‌تان دعا کنی.
 و اما بعد... سرور و مولایم! من به فضل خدا به شما ایمان دارم، و به حق مظلومیت زهرا (علیها السلام) ثبات و
 پایداری را از خدا خواهانم.
 مشکل من این است که من در مقابل جنس مخالف ضعیف‌ام. آیا امکان دارد نصیحتی به من بفرمایی که
 مرا خلاص کند؟ در ضمن دلیل حرام بودن نگرستن به تصاویر زنان برهنه در تلویزیون و اینترنت چیست؟
 با تشکر فراوان از حضرت‌عالی. سؤال کننده بسیار مایل است پاسخ را از امام (علیه السلام) دریافت کند.
 فرستنده: ا.د. کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
 خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد! یک سری گناهان، کبیره هستند و برخی گناهان صغیره‌اند که
 معمولاً زمینه‌ساز ارتکاب کبیره‌ها می‌شوند. از گناهان پرهیزید، از کوچک و بزرگ آنها. بر شما باد دائماً به
 قرائت قرآن و نماز شب و روزه و این که بهره‌ی خود را از رضایت خدای سبحان و تعالی از دست ندهید.
 از خداوند تقاضا دارم که به رحمت خویش بر تو رحم آورد و از گناهان کوچک و بزرگ پاک‌گرداند و تو را
 از سربازان و حزب و اولیایش قرار دهد! او یاور من است و او دوست شایستگان است.
 و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۹:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پس از تحیت و سلام، من امّ علی خادم حسین علیه السلام از طرف سید تقی هستم. سرور ارجمندم، خواسته‌ای قدیمی دارم که مایلم استدلال و حکم شرعی آن را از شما دریافت کنم. خداوند عمر شما را طولانی فرماید! پدر من مقدرای پول از یکی از دوستانش طلب دارد و بر این قضیه شاهدانی هم موجود است. مردی که از او طلب داشتیم فوت کرد و پدر من نیز فوت کرده است. آیا ما این حق را داریم که مبلغ مزبور را از اولاد آن فرد مطالبه کنیم؟ با توجه به این که پدرم وقتی حقیقت را طلب نمود و آن‌ها نپذیرفتند، مرد را جلوی پسرانش مشغول الذمه کرد [وی را حلالیت نداد] درضمن این مبلغ، پول زیادی است. سرور فاضل من! آیا ما این حق را داریم که مبلغ را مطالبه کنیم؟ متذکر می‌شوم شاهدانی هم وجود دارد.

لطفاً پاسخ دهید، خداوند عمر شما را طولانی گرداند! با تقدیم صمیمانه‌ترین احترامات من.

فرستنده: اشواق العبیدی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. اگر شخصی که فوت کرده و به پدر شما بدهکار بوده است، مال یا ملکی از خود بر جای گذاشته باشد که بتواند بدهی یا قسمتی از آن را پوشش دهد، باید از طریق وارثان او دینش پرداخت شود و ذمه‌اش بری گردد. شما نیز این حق را دارید که مال را از آنها مطالبه کنید زیرا شما پس از وفات پدرتان، وارثان این حق هستید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۰:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. ما گروهی از زنان هستیم که به سید احمد علیه السلام گرویده‌ایم ولی شوهران ما هنوز چنین اعتقادی پیدا نکرده‌اند. بر ما دشوار است که برویم و از روش ذبح مطمئن شویم، لذا ما برای خوردن گوشت و مرغ استخاره می‌کنیم. آیا این کار برای ما جایز است؟

و آیا جایز است که ما مردان انصار را که بیشتر از ما می‌توانند بروند و تحقیق کنند، از این موضوع

(استخاره برای گوشت) باخبر سازیم؟ منظورم این است که آیا این روش می‌تواند به صورت قانونی که بتوان به آن اعتماد کرد تلقی شود حتی اگر امکان تحقیق فراهم باشد و رنج و مشقتی برای آن وجود نداشته باشد؟
فرستنده: ز. خ - امارات

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را توفیق دهد! در خصوص مرغ باید حتماً اطمینان حاصل شود که به دست فرد مسلمان ذبح شده باشد زیرا آنها ذبح با دستگاه را مجاز شمرده‌اند و حال آن که غیرشرعی است.
اما در مورد گوشت‌های قرمز، در سرزمین‌های اسلامی می‌توان حیوانات ذبح شده را میل کرد و این کار اشکالی ندارد.
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۱:

با پرداخت مبلغی پول، دو کارت تلفن خریدم. قیمت کارت ۱۲۵۰۰ بود و من آن را به فرد دیگری به قیمت ۱۳۵۰۰ فروختم، به این شرط که پس از یک ماه پول را به من برگرداند؛ ولی او نتوانست این پول را به من پرداخت کند و این مبلغ به صورت دین بر عهده‌ی او مانده است. لکن او با مقداری پول نزد من آمد و گفت این هدیه است و سود نمی‌باشد، بدون این که من هیچ پولی از او طلب کرده باشم. گرفتن چنین پولی چه حکمی دارد؟
و برای شما پاداش و ثواب باشد ان شاء الله.

فرستنده: ابوجعفر - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را توفیق دهد! هدیه، موضوع دیگری است و ارتباطی با قرض ندارد. گرفتن هدیه اشکال ندارد ولی برای شما و او بهتر آن است که این مبلغی که به شما می‌دهد، بخشی از دینی که شما از او طلب داری حساب شود.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - شعبان الخیر و البركة / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۲:

السلام علیکم.

سرور و مولایم، تاج سرم، احمد الحسن، بر شما برترین درود و سلام باد سرورم، و رحمة الله و بركاته! خداوند در فرج شما تعجیل فرماید و انصارت را زیاد گرداند! و لعنت خدا بر تمام دشمنان تو از جن و انس باد! و مرا خادم حقیر و فقیر و کارزارکننده‌ای پیش روی تو و شهیدی زیر پای شما قرار دهد.

سرورم! سؤال من درباره‌ی مشروب است - اجلکم الله - آیا شراب قبل از اسلام و در زمان اسلام حلال بوده و پس از آن حرام شده است، طبق گفته این آیه‌ی شریفه: **اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾**^(۱) (آن‌گاه که مست هستید گرد نماز مگردید) صدق الله العلی العظیم.

و صلوات و درود خدا بر محمد و آل محمد، و بر احمد الحسن و بر مهدیین و سلم تسلیماً کثیراً. در امان و پشتیبانی و نگهداری خدا باشید ای مولای من، احمد! برترین درود و سلام بر تو باد سرورم! خادم تو، بنده‌ی حقیر.

فرستنده: میثم تمار - اسپانیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسلیماً. از زمانی که خدا آدم علیه السلام را آفرید، شراب مست کننده در دین خدا حلال نبوده است. این آیه ارتباطی با حلال بودن شراب مستی‌آور ندارد بلکه این آیه در مقام اجتناب از نماز است تا انسان، آگاه و هوشیار باشد و بداند چه می‌گوید؛ و کسی که چرت بر او غلبه کرده، مشمول این آیه است. و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. السلام عليكم و رحمة الله و بركاته، خداوند پاداش شما را در شهادت صدیقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) عظیم گرداند.

به سرور و مولا و پدرم، یمانی آل محمد... احساسات، پیوسته مرا به حزن و دل‌واپسی و پریشانی و در نتیجه به یأس و ناامیدی سوق می‌دهد. سرور و مولایم! هر چیزی که مرا کمک کند تا از این احساس رهایی یابم را از شما درخواست دارم، و این که برای نصرت محمد و آل او با لسان و سنان شایستگی داشته باشم. ای آقایان من و سرورانم! خداوند شما را در زمین تکمین عطا فرماید!

نامه‌ای دیگر:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

خداوند پاداش شما را در شهادت صدیقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) عظیم گرداند؛ درود خداوند بر او و بر پدرش پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سید البشر، و بر همسرش امیرالمؤمنین (علیه السلام) سید الاوصیا، و بر دو پسرش حسن و حسین و زینب و ائمه و مهدیین (علیهم السلام)، و به خصوص بر فرزندش بقیة الله در زمین و وصی او (که خداوند ایشان را در زمین تمکین عنایت فرماید).

خداوند! کسانی که بر حضرت زهرا (علیها السلام) ستم کردند و حق او و فرزندان و انصار فرزندان او را غصب نمودند لعنت کن. خداوند! در نصرت ایشان ما را شرافت عطا فرما! به نام نامی ات «واحد قهار» و با صلوات بر محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. و الحمد لله رب العالمين.

خطاب به سرور و مولایم، یمانی آل محمد (علیهم السلام)، من چند سؤال دارم، از جمله:

خدای متعال فرموده است: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱) (مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی‌گیرد، و این بر مؤمنان حرام شده است). وقتی این آیه را می‌خوانم، افکار زیادی در سرم می‌چرخد و شما ای سرورم، می‌دانی که انسان، کُفته‌های زیادی دارد که گناهان آدمی از آن جمله است و چیزهایی که ما نمی‌دانیم و خدا می‌داند. من منظور این آیه را که می‌فرماید: ﴿وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (و این بر مؤمنان حرام شده است) متوجه نمی‌شوم؛ آیا از طرف خدا حرام است یا از طرف انسان مؤمن؟

سرورم! عذر مرا بر کم فهمی ام در نحوه‌ی سؤال کردن پذیر و من می‌دانم تو ای سرورم، منظورم را متوجه هستی.

در ابتدای سوره‌ی واقعه، چرا خدای سبحان با «اصحاب میمنه» شروع کرده است، نه با «السابقین» یا «اصحاب المشامة» (اهل شقاوت) برحسب ترتیب صفات؛ همان‌طور که در انتهای سوره با «مقرین» یا «ضالین» آمده است؟

سرورم! در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام سخنی درباره‌ی زن هست، و سؤال من این است: آن کدام مشورت است که مرد باید با آن مخالفت کند؟ زیرا همیشه وقتی موضوعی پیش می‌آید و زن‌ها با مردها در مورد آن صحبت می‌کنند و نظرشان را بیان می‌دارند، آقایان می‌گویند «شاوروهن و اخلفوهن» (با زنان مشورت کنید و مخالف آن عمل نمایید). این باعث می‌شود که دل، سرگشته و شکسته شود زیرا آن‌ها با اهل بیت علیهم السلام با ما احتجاج می‌کنند.

سرورم! خواهش می‌کنم برای ما حدود سخن گفتن و تعامل داشتن زن با مرد بی‌گانه (نامحرم) را مشخص نمایید. همچنین برای مرد و این‌که یک مرد با زن بی‌گانه (چه از انصار و چه از غیر انصار) چه مقدار می‌تواند تعامل داشته باشد را بیان دارید. آیا این تعامل در همه‌ی ابعاد و جوانبش می‌تواند باشد؟

برخی برادران انصار رفتارهایی با زنانشان دارند که با فحش و دشنام زیادی همراه است و بعضی وقت‌ها کار به جاهایی می‌کشد که از بیان آن‌ها خجالت می‌کشیم. همچنین گاهی اوقات زنانشان را کتک می‌زنند؛ من این‌ها را از خودم نمی‌گویم بلکه چیزهایی است که اتفاق افتاده و دل‌های ما را به درد آورده است. از خداوند مسئلت می‌نمایم که برادرانم را بر هر خیری موفق بدارد و به جای این برخوردها، رفتاری پیشه‌کنند که خواهران انصار با آن به خدا برسند و با لسان و سنان محمد و آل محمد را یاری دهند!

ای سرور و مولایم! ای نور دیده‌ام! خوشحالی‌ام قابل توصیف نیست؛ زیرا در این زمان شما با ما هستید. ای آقایان من و سرورانم! به خدا سوگند من گاهی اوقات باور نمی‌کنم که صدای شما را که نزد ما بسیار ارجمند و عزیز است می‌شنوم. از خداوند تقاضا داریم که به حق صدیقه‌ی زهرا علیها السلام ما را به نصرت شما مشرف گرداند. علیکم السلام.

سرور و مولایم! اگر در کلمات از حد تجاوز کردم، مرا ببخش؛ زیرا من به سختی آن‌ها را مرتب نمودم؛ زیرا کلمات انبوه‌اند و من آشفته و سرگردان!

اللهم مکن لمحمد و آل محمد و قائم آل محمد عاجلاً غیر آجل بحق فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها و السر المستودع فیها.

خداوند! به حق فاطمه، پدرش، همسرش، فرزندانش و سر پنهانش، محمد و آل محمد و قائم آل محمد را در

اسرع وقت تمکین عنایت فرما!
و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

فرستنده: ام زینب - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسلیماً.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر ذکر خدای سبحان و تلاوت قرآن که در آن صیقل دل‌ها و طهارت نفس‌ها است، موفق بدارد! قرآن زیاد بخوان، مخصوصاً سوره‌ی یس، واقعه و آیه‌ی سخره را که به شرح زیر است: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ ادعوا ربكم تضرعاً وخفية إنه لا يحب المعتدين* وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۲﴾ (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان‌روایی سزاوار او است. خدا، پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است* پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد* در زمین آن‌گاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است) تا شیاطین انس و جن دور شوند که خداوند شر آن‌ها را از شما بازمی‌دارد.

پاسخ سؤال ۱. ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۳) (مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی‌گیرد، و این بر مؤمنان حرام شده است). زناکار، در حال زنا، مؤمن نیست بلکه جامه‌ی ایمان از او کنده می‌شود؛ اگر پشیمان شود و توبه کند، ایمانش بازمی‌گردد. تحریمی که در آیه آمده مربوط به مردان و زنان زناکاری است که به زنا مشهورند و توبه‌ی آن‌ها آشکار نشده است. ازدواج با این عده حرام است. خداوند شما را توفیق دهد! من این موضوع را در «شرایع الاسلام» توضیح داده‌ام و این متن از کتاب

۲- اعراف: ۵۴ تا ۵۶.

۳- نور: ۳.

شرایع است: «ازدواج با زنی که به زنا شهرت دارد جایز نیست، مگر این که توبه‌اش را آشکار نماید».

پاسخ سؤال ۲. احتمالاً شما درباره‌ی دو سؤالی که در آغاز سوره هست، دچار اشتباه شده‌ای: ﴿فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ (... یکی اهل سعادت، اهل سعادت چه حال دارند؟ دیگر اهل شقاوت، اهل شقاوت چه حال دارند؟) و گمان نموده‌ای که سوره‌ی واقعه با اصحاب اهل سعادت آغاز شده، حال آن که این سوره با مقربین شروع شده و وضعیت آن‌ها را توصیف کرده است: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ...﴾ (آن‌ها که سبقت جسته بودند و اینک پیش افتاده‌اند، اینان مقربانند، در بهشت‌های پر نعمت ...). سپس اصحاب یمین و وضعیت آن‌ها را بیان نموده است: ﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ...﴾ (اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟ در زیر درخت سدر بی‌خار....) آن‌گاه به توصیف اصحاب شمال و وضعیت آن‌ها پرداخته است: ﴿وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ فِي سُمُومٍ وَحَمِيمٍ...﴾ (اما اصحاب شقاوت، اصحاب شقاوت چه حال دارند؟ در باد سموم و آب جوشانند....) و همین‌طور در پایان سوره.

این که در ابتدای سوره، دو سؤال درباره «اصحاب المیمنه» و «اصحاب المشأمه» آمده و از مقربین سؤالی مطرح نشده است، برای بیان عظمت و شرافت مقربین و بلندی مقام و مرتبه‌ی آن‌ها است؛ و این که آن‌ها بی‌نیاز از آن هستند که درباره‌ی وضعیت‌شان سؤالی مطرح شود یا وضعیت ایشان تبیین و توصیف گردد. لذا خداوند سبحان به طور مستقیم و بدون این که در این مورد سؤالی مطرح نماید، به بیان وضعیت آن‌ها پرداخته است.

پاسخ سؤال ۳. الف: این از سفاهت است که بگوییم با کسی مشورت کن و بر خلافش عمل نما!؛ حتی این کار از کم‌ادبی است! این‌گونه نیست که تمام آن‌چه که از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، صحیح باشد. گاهی اوقات کسی در نقل مطلب از آن‌ها اشتباه کرده است و گاهی اوقات کسانی هستند با هدف اهانت نمودن به آن‌ها، نسبت دروغ به ایشان داده‌اند. هرچه را که دیدید با قرآن و حُلق قرآن مخالف است، قطعاً از اهل بیت علیهم السلام صادر نشده است؛ بلکه یا نقل اشتباه‌آمیز است یا تحریف شده و یا کلامی است که به دروغ به این بزرگواران منتسب گشته است.

ب: سخن گفتن بین زن و مرد جایز است ولی باید کلام برای غرضی درست و مقبول باشد مانند کار یا راهنمایی کردن و این گفت‌وگو نباید از روی بی‌هودگی و شوخی و صرفاً برای هم‌کلام شدن باشد.

ج: زن و شوهر دو نفر هستند که به وسیله‌ی عقد، همسر و مصاحب یکدیگر گشته‌اند؛ بنابراین تأکید می‌شود که اینان یک نفر نیستند بلکه دو نفرند و به طور طبیعی وجود اختلاف و تفاوت در بسیاری از

موارد، بین آنها حتمی است، و این به صبر نیاز دارد و این که هر یک دیگری را تحمل کند (و نسبت به او شکیبایی ورزد). بین زوجین باید مهر و محبت و مهربانی برقرار باشد تا زندگی مشترک آنها با هم استمرار یابد و گرنه اصطکاک و کشمکش بین این دو، نشانه‌ای از ناتوانی و شکست اجتماعی یک، یا هر دوی آنها است. بر همین اساس خدای سبحان برای حل مشکلاتی که به اختلاف و ناسازگاری بین زن و شوهر منجر می‌شود و نیز برای ارشاد و توجیه این دو، تشویق کرده است که برخی افراد جامعه که نسبت به ایشان قربت دارند، یعنی خانواده‌ی شوهر و خانواده‌ی زن، در موضوع مداخله و وساطت نمایند. خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^(۱) (اگر از اختلاف میان زن و شوی آگاه شدید، داوری از خانواده‌ی مرد و داوری از خانواده‌ی زن برگزینید اگر آن دو را قصد اصلاح باشد، خدا میان‌شان موافقت پدید می‌آورد که خدا دانا و آگاه است).

این که مرد بخواهد همسرش را کتک بزند، کاری است حرام و جز در «نشوز» جایز نمی‌باشد؛ این حالت خاصی است که به امتناع زن از هم‌خوابگی معنا می‌شود. ضربه هم نباید شدید باشد. خداوند برای زن نیز نظیر همین (حق) را قرار داده که عبارت است از حرام بودن امتناع شوهر از هم‌خوابگی با زن. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۵۴:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

من در یک واحد آپارتمانی که متعلق به دولت است زندگی می‌کنم. من با پرداخت مقداری پول به دولت به جای اجاره بها این خانه را خریداری کرده‌ام. متذکر می‌شوم این آپارتمان مربوط به سازمان محلی است و من آن را از خانمی که کارمند این سازمان بوده است، خریده‌ام. این خانه از طرف سازمان مزبور به این خانم اختصاص یافته بود. گفتمی است قبل از این که خانه به این خانم کارمند اختصاص یابد، افرادی در آن سکونت داشته‌اند یعنی آن را خالی دیدند و در آن سکنی گزیدند و هنگامی که خانه به خانم مزبور اختصاص یافت، این افراد بدون این که راضی باشند خانه را تخلیه کردند. سؤال من این است کاری که من شرعاً باید انجام بدهم چیست؟

خداوند ما را تسدید نماید و اطاعتش و راه صالحش را روزی مان نماید.

فرستنده: ابو نور - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 واحد مسكونی متعلق به شما است و شما می‌توانی در آن ساکن شوی و چیزی هم بر عهده‌ی شما نیست.
 خداوند شما را توفیق دهد!
 و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۵۵:

السلام عليكم....

مقداری پول دارم که برای انجام حج واجب مرا کفایت می‌کند ولی اگر خمس آن را بدهم، نمی‌توانم حج بگذارم. حکم چیست: خمس بدهم یا خیر؟
 با تشکر از شما.

فرستنده: عدنان - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 به حج برو، خداوند شما را توفیق دهد و عملت را قبول نماید! خمس عبارت است از حق حجت خدا بر خلقش، و او است که می‌تواند ذمه‌ات را از آن بری گرداند. از خداوند مسئلت می‌نمایم که حج و طاعت تو را بپذیرد، و از شما خواهش می‌کنم برای برادران‌تان به ویژه آنهایی که در زندان‌های ستم‌گران محبوس‌اند، دعا کنی. خداوند گام‌های‌تان را استوار سازد!
 و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۵۶:

اگر زنی به مدت بیست سال محجبه باشد و یک نوار ویدیویی از جشن ازدواجش داشته باشد، و ازدواج او قبل از محجبه شدنش صورت گرفته باشد، آیا یک مرد نامحرم یا هر مرد دیگری می‌تواند این نوار را تماشا

کند؟ یا آیا هر مرد نامحرمی می‌تواند عکس‌های قدیمی زن بی‌حجاب را که مربوط به بیست سال پیش است و وی اکنون محجبه شده، نگاه کند؟ ما را بهره‌مند سازید. خداوند اجرتان دهد و ما از شما متشکریم.
فرستنده: محمد حکیم - آلمان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
جایز نیست مرد نامحرم آن را ببیند، و برای آن خانم بهتر است این تصاویر و فیلم‌ها را از بین ببرد. خداوند شما را بر هر خیری موفق گرداند!
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۵۷:

اوقات نماز در شب با هدف استجاب دعا چه زمانی است؟

فرستنده: شوکت الزبیدی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
بهترین اوقات پس از نیمه شب است و برترین وقت، قسمت پایانی شب می‌باشد.
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۵۸:

السلام عليكم....

خواهشمندم پاسخ دهید.

اول: آیا نزدیکی با زن از دُبر جایز است؟

دوم: در مورد خمس است. من در بخش خصوصی کار می‌کنم و درآمدی که از این کار به دست می‌آورم به قدری است که تقریباً برای مخارج خانواده‌ام کفایت می‌کند. من قطعه زمینی داشتم که وقتی قیمت زمین خیلی ارزان بود آن را خریدم و این چند وقته آن را فروخته‌ام و مغازه‌ی کفش فروشی بازکرده‌ام تا وضعیت

مالی ام بهتر شود، ولی درآمد این جا نیز کم است. سؤال این است: آیا این مغازه خمس دارد؟ با توجه به این که من مستأجر هستم و درآمدم از کار آزاد است و فروشگاهی که دارم، تقریباً برای خرج و مخارج خانواده ام کفایت می کند؛ زیرا من در یکی از کشورهای خلیج زندگی می کنم و این جا همه چیز گران است، اجاره، تحصیل بچه هایم، ایاب و ذهابم، درمان و همه چیز.

فرستنده: ق س - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. تفصیل آن چه که پرسیده ای، در کتاب شرایع الاسلام موجود است که در سایت انصار الامام المهدی علیه السلام منتشر شده است. در خصوص روابط بین زن و شوهر، من در پرسش قبلی این موضوع را تشریح کردم و این جا نیز آن را می آورم تا چه بسا ان شاء الله برای شما سودمند باشد:

«پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

هر یک از زن و شوهر می توانند در هر زمان و هر مکان با هر بخش متناظر از بدن طرف مقابل خود کام جویی کنند و لذت ببرند، اگر هر دو بر این امر راضی باشند؛ به جز مواردی که بیشتر حرمت آن ها را بیان نمودیم که عبارت است از حرام بودن ارتباط جنسی در ایام حیض و این که شوهر بخواهد بدون رضایت همسرش در دُبُر دخول کند. من از شما خواهش می کنم در روابط جنسی بین زوجین، به دنبال قید و بندهایی که براساس هوای نفس و آراء بنا شده است و تلاش هایی که از سوی مدعیان فقه از آن چه که براساس بینش خود در مورد امیال جنسی بنا نموده اند، نروید.

ارضای غریزه ی جنسی همسران (زن و شوهر) با نیت نزدیک شدن به خدا و برای حفظ نمودن فرج، از بزرگترین مستحباتی است که می توان با آن به خدای سبحان تقرب جست. پاداش این کار کم تر از ثواب عبادات مانند نماز و روزه نیست، فقط به نیت زوجین نیاز دارد. به جای این که هریک با هدف اشباع میل و هوس خود، با شریکش ارتباط جنسی داشته باشد، فقط چنین نیت کند که نیاز شریکش را برآورده سازد و فرج او را با نیت «قریة الی الله» (نزدیکی به خداوند) حفظ نماید. به این ترتیب زن و شوهر به فضل و گرمی که خداوند بر این دو دارد، پاداش و ثواب می گیرند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

اما در خصوص وضعیت تان که آن را بیان کرده‌ای، و این که شما مازاد بر مخارجت نداری، در این صورت خمس بر شما واجب نیست. بهتر برای شما و نیز برای افزایش رزقت این است که در هر سال، روز ثابتی را در نظر بگیری و در آن روز هر مال اضافه‌ای که داری خمسش را بدهی. خداوند شما را موفق بدارد و گام‌هایت را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۵۹:

به امام حجت بن الحسن المهدي (علیه السلام) و بر پسرش امام احمدالحسن (علیه السلام) سلام می‌فرستم. السلام علیکم و بعد....

زمینی که ما روی آن زندگی می‌کنیم، شبهه‌ای دارد و تا وقتی که خواستیم برای منزل از دفترخانه سند ملکی بگیریم، از این موضوع باخبر نبودیم. به ما گفتند که این زمین به اسم یک نفر در دفترخانه ثبت شده است و بر این اساس خانه‌ی ما و خانه‌ی همسایه‌مان، یک زمین به حساب می‌رود. آن‌ها به ما گفتند در وزارت مسکن اشتباهی رخ داده است و آن‌ها مسئولیت این اشتباه را برعهده دارند و سند را صادر خواهند کرد. متذکر می‌شوم که ما نمی‌دانستیم این زمین قبلاً به نام کسی ثبت شده است ولی سند ندارد، و کسی این موضوع را به ما خبر نداده بود. ما در آن، خانه ساختیم و الآن در آن زندگی می‌کنیم. حکم آن چیست؟ خداوند هزار پاداش خیر به شما بدهد!

فرستنده: حسن - بحرین

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.

از آن جا که این اشتباه از طرف شما نبوده است و آن‌ها مسئولیت اشتباه‌شان را عهده‌دار خواهند شد، سکونت شما در این خانه فاقد اشکال است، ان شاء الله. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را بر آنچه که مورد رضایت او است، استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۶۰:

من در رژیم سابق، کارمند دولت بودم. در آن زمان به خاطر نیازی که داشتم مقداری پول از آن سازمان

متصرف شدم. آیا جایز است که مقداری از آن مبلغ را صدقه بدهم و خمس باقی مانده‌ی پول را نیز بدهم تا بتوانم در این پول برای کارهای خاصی تصرف کنم؟

فرستنده: المؤمن بالله - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

اگر پولی که در آن زمان گرفته‌ای به اندازه‌ی نیازت بود و شما، نیاز خود را با آن برطرف کرده‌ای، چیزی بر عهده‌ی شما نیست؛ چرا که اموال، در واقع متعلق به امام و مسلمین است و دولت طاغوت چیزی را مالک نیست بلکه آن‌ها از چیزی که نمی‌توانند در آن تصرف داشته باشند، استفاده می‌کنند.

ولی اگر این مبلغی که گرفته‌ای، پول زیادی است که بیش از نیازهای شما بوده و هنوز باقی مانده‌ی آن نزد شما است، چه به صورت مال باشد و چه به صورت اشیاء گران‌بها، در این صورت بر شما لازم است که باقی مانده‌ی آن را به فقرا بدهی زیرا مال، مال امام و مسلمین است و کسی حق ندارد آن را در اختیار خود بگیرد مگر به مقدار رفع نیازش.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۶۱:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

جناب سید احمدالحسن، من قبلاً نامه‌ای فرستاده ام ولی به گمانم مطلب واضح نبوده است. موضوع من از این قرار است که من دختری را می‌شناسم که وقتی دوازده ساله بود مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفت. این آزار از طرف دایی او صورت گرفت و چیزی جز تماس‌های ساده در کار نبود. خانواده‌ی دختر از ماجرا باخبر شدند و پدر دختر، دیدار او با دایی‌اش را ممنوع و حتی قدغن کرد که دختر با دایی‌اش در یک مکان باشند و این‌طور دستور داد که دختر نباید دایی‌اش را ببیند حتی اگر با همراهی مادر و خانواده و نزدیکان باشد. وی حتی گفته که کودکان نباید در جایی که دایی هست باشند، حتی اگر او کودکان را نبیند. آیا او چنین حقی دارد؟

تنها راه حلی که پدر به آن رضایت دارد این است که او را بکشد یا بسوزاند، و حال آن‌که دایی دختر عذرخواهی کرده و طلب بخشش نموده و گفته توبه‌ی نصح کرده است ولی پدر دختر قانع نشده و کماکان

خواستار قتل او است. این دختر اکنون بیست و یک ساله شده و گفته است که خدای سبحان را بین او و دایی‌اش حاکم قرار می‌دهد و دوست ندارد هیچ‌کس از والدین یا خانواده‌اش در این قضیه دخالت کنند. آیا دختر چنین حقی دارد؟ این تصمیم‌گیری بر اساس پناه آوردن به دعا و نماز گرفته شده است، و این دختر به واسطه‌ی خوابی که دید آرامش پیدا کرد ولی با خودش و با خدا عهد کرده است که این خواب را برای هیچ‌کس تعریف نکند، هر که می‌خواهد باشد! دختر می‌خواهد بین آن دو فقط خدا حاکم باشد، آیا او چنین حقی دارد؟ آیا کشتن دایی جایز است؟ با توجه به این که دایی توبه‌اش را اظهار نموده و پس از آن به ادای عمره و زیارت امام حسین (علیه السلام) و زیارت دیگر اماکن مقدسه توفیق پیدا کرده است.

جناب سید احمد الحسن، امیدوارم پاسخ را در سریع‌ترین زمان ممکن دریافت کنم و نیز امید دارم که پاسخ، تمام تفصیل سؤالات مذکور را در بر بگیرد. با تشکر.

موضوع دوم: دوست دارم پرسم آیا بر زن واجب است که در همه‌ی امور از شوهرش اطاعت کند، بدون این که از او مشورت بخواهد یا بدون این که مرد هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای به زنش بدهد، و حال آن که زن متقاعد نشده است و راضی نیست، و شوهر از شنیدن رأی و نظر او اجتناب می‌کند؟

سؤال پایانی: سنی که در آن یک دختر می‌تواند تصمیم‌هایش را به در نظر گرفتن شرایط دینی به تنهایی اتخاذ کند، چه سنی است؟

از این که مطلب به درازا کشید متاسفم. من به پاسخ سریع نیاز دارم. با تشکر.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: م . م

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

پس از آن که برای پدر روشن شد که این فرد به چنین کار شیطانی دست زده است، حق دارد او را از نزدیک شدن به خانواده‌اش باز بدارد؛ اما، پدر حق کشتن او را ندارد. این شخص اگر واقعاً و حقیقتاً توبه کرده باشد، خداوند توبه‌ی او را می‌پذیرد که خدا آمرزنده و بخشاینده است. اما این حق برای پدر باقی می‌ماند که از تنها شدن چنین فردی با دختران یا پسرانش جلوگیری کند.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های‌تان را استوار سازد!

می‌توانی کتاب شرایع را بخوانی. من در آن واجباتی که زن در قبال شوهر بر عهده دارد را بیان کرده‌ام؛ و

نیز این که دختر چه زمانی حق ولایت بر خودش را دارا می شود. این کتاب در سایت انصار امام مهدی علیه السلام منتشر شده است. اگر پس از خواندن کتاب چیزی برای تان مبهم ماند، می توانید سؤال کنید و من ان شاء الله در خدمت شما هستم.

خداوند شما را توفیق دهد و گام های تان را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۶۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

درود و سلام بر برترین خلائق، محمد و بر خاندان طیب و طاهر او، الائمه و المهديين و سلم تسليماً
کثیراً.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

یمانی آل محمد، مولای من و مولای هر مرد و زن مسلمان. سرور و مولایم! از خدای بلندمرتبه‌ی قادر
مسئلت می‌کنم که شما در بهترین حال باشید.

سرورم، سؤالی درباره‌ی شیر دادن به کودک دارم. آیا زن می‌تواند مزد شیر دادن به فرزند خودش را از
شوهرش مطالبه کند؟

سؤال دوم درباره‌ی خدمت زن به شوهرش در منزل است. آیا زن بر این کار مجبور است و خدمت به
شوهر بر او واجب می‌باشد؟

سؤال سوم درباره‌ی آرایش است که زن‌ها ابروهای خود را با آن می‌آریند. آرایشی هست که به نام
«خال کوبی». آیا برای زن جایز است که چنین کند؟ این خال کوبی، رنگی است که بر ابرو گذاشته
می‌شود، زیر پوست است ولی به ابرو رنگ می‌دهد. با توجه به این که خال کوبی مانع وضو نیست چون
رنگی در زیر پوست است، آیا به کار بردن آن جایز است یا خیر؟

از شما پوزش می‌خواهم و از خدا طلب آمرزش می‌کنم اگر با این سؤال‌ها مطلب را بر شما طولانی نمودم.
از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بدارد و شما و هر کس که با یمانی آل محمد کار می‌کند
را ثابت قدم گرداند، و ما را زره‌هایی قرار دهد که از حجت خدا بر زمینش محافظت و پاسداری می‌کنند! به
حق آن پهلوی شکسته شده!

در امان و حفظ خداوند، ای برادر ایمانی!

فرستنده: ن. ی. کنیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد! احکام ازدواج و آنچه که از حقوق و تکالیف زن به آن مربوط می‌شود، و نیز آنچه که به فرزندان و شیر دادن و غیر آن مربوط است را در کتاب شرایع بیان کرده‌ام و شما می‌توانید حکم را به وضوح (در آن) بخوانی و دریابی. این کتاب منتشر شده و برخی قسمت‌های مکتوب در شرایع درباره‌ی شیر دادن به صورت زیر است:

«و اما رضاع (شیر دادن): شیر دادن فرزند، بر مادر واجب نیست و او می‌تواند اجرت شیر دادن را مطالبه کند و اگر زن (طلاق) بائن گرفته باشد، شوهر می‌تواند او را اجاره کند. بر پدر واجب است که اجرت شیر دادن را بدهد، اگر فرزند مالی نداشته باشد؛ مادرش این حق را دارد که خودش یا زنی دیگر به فرزند شیر دهد، و برای او مزد این کار محفوظ است. مالک می‌تواند کنیزش را بر شیر دادن مجبور کند. پایان شیرخوارگی دو سال است و جایز است که بر بیست و یک ماه بسنده شود. بهتر آن است که از این مدت نکاهد. جایز است که بر دو سال، یک ماه یا دو ماه بیافزاید. بر پدر واجب نیست که اجرت آن چه که بیش از دو سال است را بپردازد.

اگر مادر همان اجرتی که دیگران درخواست می‌نمایند را طلب کند، به شیر دادن سزاوارتر است. اگر مادر اجرت بیشتری بطلبد، پدر این حق را دارد که او را برکنار کند و فرزند را به زن دیگری بسپارد. اگر یک زن بی‌گانه به رایگان و داوطلبانه فرزند را شیر دهد و مادر نیز راضی شود که رایگان به او شیر دهد، مادر به فرزند سزاوارتر است. اگر مادر راضی نشود، پدر این حق را دارد که فرزند را به زن داوطلب بسپارد. مستحب است که طفل، شیر مادرش را بخورد، که این برتر است».

جایز است زن ابروی خود را با خال کوبی آرایش کند.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های‌تان را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۶۳:

بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين.

السلام علیکم و رحمة الله....

من و شوهرم در روز بیست و یکم این ماه (نهم سپتامبر)، یعنی چهار روز قبل، بیعت خود را با وصی اول

و مهدی اول سید احمدالحسن (علیه السلام) اعلان کردیم، ولی غسل توبه را تا دیشب یعنی صبح روز ۲۵ انجام ندادیم زیرا نمی‌دانستیم که غسل توبه بر ما واجب است، تا این‌که بعضی از برادران در پالتاک این موضوع را به ما گفتند. آیا بر ما واجب است نمازهایی را که در این چهار روز به جا آورده‌ایم، اعاده کنیم؟ خداوند به شما جزای خیر دهد!

فرستنده: ام اردلان - سوئد

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم....

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد! و از خداوند دوام ایمان و ثبات بر حق را برای شما مسئلت می‌نمایم، و این‌که خیر آخرت و دنیا را روزی شما گرداند. نماز و عبادات شما قبل از غسل توبه بدون اشکال است و تکرار آن نیز بر شما واجب نیست. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد!
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۶۴:

سرورم و مولایم! سلام علیکم. به اذن خالق من و خالق خودت و به حق پدران و اجداد بلند مرتبه‌ات، برای شما توفیق آرزو می‌کنم.
اما بعد.... دو سؤال دارم:

سؤال اول: آیا دادن خمس به مراجع فعلی جایز است، و شما در این خصوص چه نظری دارید؟
سؤال دوم: نظر شما درباره‌ی صابئین یا مندائیان چیست؟ آیا آنها اهل کتاب یا بندگان خدای یگانه هستند، و علمی که شما از اجداد و پدران (علیهم السلام) در مورد آنها داری چیست؟

فرستنده: ابراهیم موسوی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! پرداخت خمس جایز نیست مگر به معصوم یا کسی که او برای دریافت خمس منصوب می‌کند. رساله‌ای درباره‌ی خمس هست که تفصیل هرچیزی در آن قید شده است.

می‌توانی آن را بخوانی تا حق برای شما روشن گردد. این کتاب در سایت اینترنتی منتشر شده است. اهل کتاب در زمان ما عبارتند از یهود و مسیحیان. در خصوص تعامل با این‌ها از نظر طهارت و ازدواج، یک‌سری احکام فقهی وجود دارد که در کتاب منتشر شده‌ی «شرایع اسلام» آن‌ها را می‌یابی. هم‌چنین در کتاب‌های «سؤالات فقهی» که آن‌ها نیز در سایت اینترنتی منتشر شده‌اند می‌توانی این مطلب را بیابی. توفیق در شناخت حق و نصرت آن را برای شما از خدا مسئلت دارم! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

مخبر سوم: مسائل متفرقه

پرسش ۵۶۵:

السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

سرور كريم و فاضل ما! اينجانب بنده‌اي فقير از قربانيان رژيم هستم كه قبل از سقوط رژيم به هلند فرار كردم و چيزي از دعوت شما نمي دانستم. اكنون دانستم و از خدا مسئلت دارم كه پيروي از حق را روزي ما گرداند. من دربارهي فتنه‌ها و آنچه از دعوت‌هاي فراوان مهديت كه در عراق جريان داشته است مطالبتي خوانده‌ام. از شما خواهش مي كنم آنچه را كه در هلند براي اتفاق افتاده توضيح دهيد. من دچار يك تصادف رانندگي شدم و تقريباً همهي اعضاي بدنم شكست ولي يك قطره خون روي لباس‌هايم يا روي خيابان نچكيد. راز آن چيست؟ وقتي بي هوش بودم، سرورم فاطمه (عليها السلام) و سيده‌ي طاهره مريم عذراء (عليها السلام) را ديدم. پس از چند روز روحم برگشت و من اكنون زنده هستم و روزي مي خورم. اسم من عماد است... اگر بر حق هستي، از خدا مسئلت داريم كه پيروي از حق را روزي ما گرداند. در غربت اسرار زيادي ديدم كه مرا از انحراف و از كشيده شدن به سمت شهوت‌ها و دنيا بازداشت. من قسمت‌هايي از كتاب خدا را حافظ هستم. و السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

خواهش مي كنم به نامه‌ام جواب دهيد.

فرستنده: السويعدى . هلند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خيري موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم كه عافيت را بر شما تمام گرداند و عافيت دنيا و آخرت را قسمت كند و شما را از آتشي كه هيضم آن مردمان و سنگ‌ها هستند برهاند، و حق را كاملاً به تو بنماياند و پيروي از آن را روزيات گرداند و باطل را به طور كامل به تو بنمايد و دوري از آن را روزيات نمايد.

و السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۶۶:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر کسی که پرچمش هدایت کننده‌ترین پرچم‌ها است، و سلام بر کسی که هر کس با او مخالفت ورزید سقوط کرد و هر کس از او پیروی نمود نجات یافت.

من با شما بیعت کردم و می‌دانم که شما آن‌چه را که در دلم است می‌دانید، و باطن من پیش روی شما آشکار است، همان‌طور که ظاهر من چنین است.

من در کشوری غریب هستم و برادرانی ندارم که با آن‌ها انس بگیرم. روزگار با تیر مصیبت‌هایش مرا گرفتار می‌سازد و من از مصیبتی نجات پیدا نمی‌کنم و خدا را بر هر حال شکر نمی‌گویم، مگر آن‌که مصیبتی بدتر و شدیدتر از آن به سراغم می‌آید. نه زنی که حامی‌ام باشد و نه فرزندی و نه مال و منالی دارم.

بر درگاه شما می‌ایستم، همان‌طور که چند ماه پیش به امید عفو و بخشش شما ایستادم، و نیز به امید دعا‌های شما برایم به این‌که زنی شایسته و فرزندی از صلب من که دوست‌دار شما باشد و چشمم به او روشن شود روزی‌ام گردد. به هر حال مرگ مرا ملاقات خواهد کرد، ولو پس از چندی.

از شما خواهش می‌کنم برایم دعا کنید که مسائل دینم را بیشتر بیاموزم و زبان و اعضا و عملی باشم که در این سرزمین دعوت کننده به سوی شما باشد. شما اهل جود و کرم هستید و روی برگرداندن از طبیعت شما نیست و رد سائل از خلق و خوی شما نیست و اگر تشهد نبود، «نه» شما همیشه «آری» بود.^(۱) با شکیبایی تمام منتظر پاسخ شما هستم.

برایم دعا کن که باطنم مانند ظاهر من باشد، و این‌که خدا نور علم را در قلبم بیندازد، چرا که علم با فراگیری حاصل نمی‌شود، و من علمی غیر از علم شما نمی‌خواهم زیرا طلب علم از غیر شما برابر است با انکار شما، و هرگز مباد که ستم‌گران و جاهلان را برگزینم، پس از آن‌که خداوند بصیرت مرا به نور حق گشوده است. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: رعد - آمریکا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسلیماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت می‌نمایم که به آن‌چه او اهل آن است بر شما منت گذارد.

«هو أهل التقوى و أهل المغفرة، و هو الجواد الواسع، و هو الکریم الذی لایزیده کثرة العطاء إلا کرمًا و جودًا» (اوست سزاوار تقوی و سزاوار آمرزش، و اوست بخشنده‌ی نعمت‌های بی‌کران و او کریمی است که بخشش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید).
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ.ق.

پرسش ۵۶۷:

بسم الله الرحمن الرحيم

من یک تونسسی هستم و قبلاً سنی مذهب مالکی و وهابی و از پیروان البانی و غیر او و هم‌چنین صوفی و قرآنیون و فرآنیین و سایرین بودم. در سال ۲۰۰۳ شیعه و بیدار شدم و الحمد لله رب العالمین، و در خواب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام را دیدم.

روز پنجشنبه ۲۴ دسامبر ۲۰۰۹ برای اولین بار در عمرم، از امامی به اسم احمدالحسن علیه السلام مطالبی به گوشم خورد، و روز جمعه ۲۵ دسامبر ۲۰۰۹ پس از نماز مغرب وارد دل و گوشت و خونم شد و جلوی مردم در تالار گفت‌وگویی انصار امام مهدی علیه السلام با او بیعت کردم، و الحمد لله.

اکنون به امام احمدالحسن علیه السلام می‌گویم:

بسم الله الرحمن الرحيم... «الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله» (سپاس خدایی را که ما را به این راه هدایت کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود هدایت نمی‌یافتیم)

خدای متعال می‌فرماید: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا»^(۱) (خدا از مؤمنان آن‌هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خشنود گشت، و دانست که در دل‌شان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آن‌ها نازل کرد و به فتحی نزدیک پاداششان داد).

سلام بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اهل بیت کرام آن حضرت علیهم السلام. سلام بر سرور و مولایم، امام احمدالحسن و فرزندان مهدیین او و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام.

بیعت من برای سرور و مولایم امام احمد بن الحسن علیه السلام است.

شهادت می‌دهم که امام مهدی احمدالحسن علیه السلام، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام است.

فرستنده: خالد _ تونس

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از هر شری دور بدارد و عاقبت‌تان را ختم به خیر کند.
 خداوند از سوی محمد و آل محمد جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاری‌گر، اندک است، حق را
 یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند!
 و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۶۸:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين الطاهرين و سلم تسليمًا كثيرًا.
 سلام بر شما ای نور خدا! سلام بر شما ای غار حصن الهی! سلام بر شما ای صراط مستقیم الهی! سلام
 بر شما ای سرور و مولایم! سلام بر پدر فاضل‌مان که فرزندانش را دوست می‌دارد و رحمة الله تعالی و برکاته.
 پدر عزیزم! از شما بسیار عذر می‌خواهم و از شما التماس دعا دارم، ای سرور و مولایم! ای قائم آل محمد و
 ای صراط مستقیم الهی!

یکی از انصار به نام خالد که خودش و خانواده‌اش، همسر و دخترش... و دو پسرش... در فرانسه
 زندگی می‌کنند، وقتی فهمید من در خواب شما را دیده‌ام، از من درخواست کرد این نامه را برای شما بفرستم
 و دخترش به خاطر شما مرا قبول کرد. او می‌گوید:

بسم الله الرحمن الرحيم

اسم من خالد است و من از اسمم بدم می‌آید، زیرا اسم خالد بن ولید است. من از اهل بیت جز علی و
 حسن و حسین (علیهم‌السلام) کس دیگری را نمی‌شناختم.

از وقتی که خداوند ائمه‌ی دوازده‌گانه از اهل بیت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به من شناساند، من از تمام صحابه متنفّر
 شدم و از همه‌ی آنها بیزارم مگر کسانی که علی (علیه‌السلام) را یاری دادند.

در روز ۲۴ از ماه دسامبر ۲۰۰۹ با امام احمدالحسن آشنا شدم و این ماجرا در روز پنجشنبه اتفاق افتاد،
 و الحمدلله.

روز جمعه بعد از نماز مغرب با تمام قلبم رو به خدا کردم و با امام احمد (علیه‌السلام) بیعت نمودم. او هم چنین
 می‌گوید: شما را بسیار دوست دارد، بیشتر از هر چیزی. بسیار به شما سلام می‌رساند و از شما می‌خواهد که

برای خود و خانواده‌اش دعا کنید، زیرا آن‌ها با مشکلاتی دست به‌گریبانند، و الحمد لله رب العالمین. خداوند شما را حفظ و پشتیبانی فرماید و توفیق دهد و پیروز گرداند، ای پدر عزیزم! از خداوند مسئلت دارم که ملاقات با سرورم را بر من منت گذارد.

درو و سلام بر سرورم و بر پدران طاهرین و اهل بیت شما باد.

فرستنده: سعدیه - مغرب

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم...

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از هر شری دور بدارد و عاقبت‌تان را ختم به خیر کند! خداوند از سوی محمد و آل محمد جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاری‌گر اندک است حق را یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند. و اما اسم خالد، نام یکی از پیامبران گذشته علیهم السلام است. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد! و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۶۹:

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيحِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ، دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ حمد و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است؛ مالک سلطنت، روان‌کننده‌ی کشتی (وجود)، مُسَخِّرِ كِنْدَه‌ی بادها، شكافنده‌ی سپیده‌ی صبح، حکم‌فرمای روز جزا و پروردگار جهانیان اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

از بنده‌ی گنه‌کار خطاکار مقصر که بر نفس خویش از هلاک شدن بیم‌ناک است به سرور و مولایم فرزند رسول خدا، احمدالحسن وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام که صلوات خداوند بر او و پدران‌ش باد). من به تو ایمان آورده‌ام؛ زیرا خداوند به وسیله‌ی خواب‌هایی بسیاری که آن را دیده‌اند بر تو شهادت داده است، که در آن‌ها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا یکی از ائمه علیهم السلام یا فاطمه‌ی زهرا علیها السلام گواهی می‌دهند. این نامه حامل آبرو و جان من است برای نصرت و خدمت به شما. امیدوارم مرا بپذیری؛ هرچند من این شایستگی را در خودم نمی‌بینم که در صفوف خادمان تو باشم، ای سرورم!

فرستنده: عبدالله - مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیرى موفق بگرداند، و از هر شری دور بدارد و عاقبت‌تان را ختم به خیر کند!
 خداوند از سوی محمد ﷺ و آل محمد ﷺ جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاری‌گر اندک است
 حق را یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند.
 و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۰:

بسم الله الرحمن الرحيم... اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

چند وقت پیش تقریباً یک هفته یا بیشتر، نامه‌ای به سرور و مولایم قائم آل محمد فرستادم و در آن از
 حال مادر بیمارم شکوه کردم. از خداوند امید دارم، مولایم قائم آل محمد بر او منت گذارد و برایش دعا کند.
 ای برادران گرامی‌ام در هیأت علمی، از این که تلاش می‌کنید تا نامه‌ها را به امام مظلوم آل محمد برسانید،
 خداوند شما را بر هر خیرى موفق بگرداند! از خدا مسئلت دارم که نامه به دستش رسیده باشد، و اگر هم تا
 الآن نرسیده، شما را به خدا، در رساندن نامه عجله کنید که حال مادرم روز به روز بدتر می‌شود. هم‌چنین از
 شما ای انصار پاک تقاضا دارم که برای شفای عاجل او دعا کنید. خداوند شما را بر هر خیرى موفق
 بگرداند!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: محمد الانصاری - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم...

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 از خداوند برای شما و مادرت عافیت و حسن عاقبت را مسئلت می‌نمایم. او یاور من است و او دوست
 شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۱:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته....

از کمی رزق و گشایش (فلان) زندگی شکایت دارم. از سرور و مولایم می خواهم مرا دعایی بیاموزد که اگر آن دعا را بخوانم، خداوند از جایی که گمان می برم و گمان نمی برم بر من درهای روزی را بگشاید.

فرستنده: یوسف - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
بر شما باد به نماز شب، که از جمله برکات آن این است که باعث وسعت رزق می شود ان شاء الله. هم چنین در رکعت وتر در حالی که ایستاده ای، قبل از سجده، هزار بار «یا رزاق یا کریم» را تکرار نما.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۲:

به من گفته شده که با من یک جنّ موّث یهودی همراه است که از ازدواج من جلوگیری می کند. او همیشه همراه من است و شب های زیادی، وقتی بین خواب و بیداری هستم، مرا ترسانده است؛ مثلاً یک بار دیدم بالش زیر سرم به راه افتاده است و هم چنین موارد دیگر. یادآور می شوم من هنوز مجرد و در آستانه ی ۴۰ سالگی هستم. مادرم.... نام دارد و پدرم.... من متولد ۱۹۷۱ هستم.

آیا می شود مرا کمک کنید؟

فرستنده: عماد - لبنان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

چهل روز سوره ی یس را هر شب قبل از خواب بخوان.

وقتی قبل از خواب سرت را بر بالش می گذاری، آیت الکرسی را بخوان.

هر روز هزار بار با این ذکر خدا را یاد کن: «سبحانه هو الله الواحد القهار».

هم‌چنین سوره‌ی فاتحه و آیت الکرسی و ده آیه‌ی اول سوره‌ی صافات را با زعفران بر روی کاغذ بنویس و سپس نوشته‌ها را با کمی آب حل کن و با آن غسل نما، ولی آب را در یک ظرف جمع کن و در زمین پاکی بریز و نگذار که با آب‌های ناپاک یک‌جا برود. به خواست خدا این کارها برای شما مفید خواهد بود، خداوند توفیق‌تان دهد!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۳:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

از خداوند سبحان و از احمدالحسن یمانی (علیه السلام) مسألت می‌نمایم که حجابی برای محبت و شفا برایم بفرستد؛ حجابی ضد ابلیس و لشکریانش، حجابی در کارم با یهود و نصارا و سنت‌ها و وهابی‌ها. و در پایان به شما می‌گویم: دخترم نیز یمانی احمدالحسن (علیه السلام) را می‌شناسد. او در ۱۶ آوریل ۲۰۱۰ ازدواج می‌کند. از خداوند سبحان و از یمانی احمدالحسن (علیه السلام) تقاضا دارم برای ما دعا کند که خیر و محبت بین دخترم و شوهرش برقرار باشد. خداوند به شما برکت دهد! به خدا سوگند من یمانی احمدالحسن (علیه السلام) را دوست دارم و او در قلب من جای دارد.

فرستنده: ابن علی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسلیماً.

خداوند شما را توفیق دهد، و خداوند امور شما را به خیر و عافیت ختم نماید! خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! بهترین حجاب، تلاوت قرآن است؛ شب قبل از این‌که بخوابی بر قرائت سوره‌ی «یس» مداومت نما. هم‌چنین پس از نماز واجب در حد توانایی‌ات سوره‌ی واقعه و سوره‌ی نور را قرائت کن. خداوند شما را توفیق دهد و ثابت قدم بدارد!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - شعبان خیر و برکت / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۴:

سرورم امام احمدالحسن علیه السلام....

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

من کمی زبان عربی می دانم و می خواهم از حقیقت، بیشتر سر در بیاورم.

۱- بهترین وسیله برای محافظت در برابر وسوسه های شیطان چیست؟

۲- بهترین دعا برای شفا یافتن از سردرد چیست؟

فرستنده: truthisfromallah

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را توفیق دهد! این دنیا، سرایی برای امتحان است و برای رهایی از شیطان، انسان باید در

همه حال بر ذکر خدا مداومت کند؛ از طریق تلاوت قرآن مثل سوره یس و سوره ی صافات.

برای شفا از سردرد، دست راست را بر مکان درد می گذاری و هفتاد بار سوره ی فاتحه را می خوانی.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - شعبان خیر و برکت / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۵:

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

سلام عليكم، سرور و مولایم، یمانى آل محمد!

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم! از این که لطف می کنی و به سؤالاتم پاسخ می دهی از شما متشکرم، و خواهش می کنم از

علم پربرکتات بر من بیافزایی، ای نور دیده ی زهرا علیها السلام.

۱- سرورم! آیا می توان در حالت تقیه دیگران را به سوی شما دعوت کرد؟، یعنی به این صورت که ما بین

مردم انکار کنیم که از پیروان شما هستیم و در قالب تذکر و اخبار، آنها را به امر شما دعوت کنیم؟

۲- سرورم! در خواب یوحنا آمده است که بیست و چهار شیخ، بر گوسفند سربریده سجده می کنند؛

حال چگونه مهدی اول برای گوسفند سجده می کند در حالی که او نیز مهدی اول است، و آنها شما

هستید؟ معنای این سجود چیست؟ این تناقض ظاهری اندک را چگونه برطرف کنیم؟

۳- سرورم! آیا وام گرفتن از بانک های بین المللی جایز است؟ و آیا اموال آنها با توجه به این که با مال

دولت و نواصب و دیگران مخلوط است، بر ما حلال می‌باشد؟

۴- سرورم! آیا مرا به امری که مرا به سوی شما و به سوی خدا نزدیک می‌کند، باخبر نمی‌کنی؟ و آیا من
و پناه می‌برم به خدا از کلمه من - جزو انصار شما یا مورد بشارت هستم؟
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سرورم اگر به حضرت عالی زحمت دادم، خواهش می‌کنم مرا ببخش، ای پسر رسول خدا!

فرستنده: مسلم انصاری

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پاسخ سؤال ۱. آری، کسی که به تقیه مجبور شده است، می‌تواند. خداوند شما را توفیق دهد!

پاسخ سؤال ۲. معنای سجده‌ی پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) بر مهدی را قبلاً بیان کرده‌ام و شما این مطلب را در
کتاب تفسیر سوره‌ی توحید می‌توانی بیابی. خداوند توفیقتان دهد!
اما آنچه در خصوص رویای یوحنا است، پس آن رویایی رمزگونه است.

پاسخ سؤال ۳. خداوند شما را توفیق دهد! قرض ربایی حرام است و گرفتن آن جایز نمی‌باشد، ولی اگر
قرض غیر ربایی باشد، اشکالی ندارد.

بین مؤمن و ناصبی ربا وجود ندارد. شما باید بانک و مالک بانک را بشناسی که آیا وی، ناصب و دشمن
ائمه یا مهدیین یا شیعه‌ی آنها است و یا کافر یا مسلمان یا مؤمن است. براساس این تشخیص می‌توانی
نسبت به دریافت یا عدم دریافت قرض ربوی از او اقدام نمایی.

پاسخ سؤال ۴. خداوند شما را توفیق دهد! این دنیا، دنیای امتحان است. شما تا زمانی که عاقبتت به‌خیر و
بر سلامت دینی که خداوند آن را دوست دارد و به آن خوشنود است ختم نشده باشد، ایمن مباش.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - شعبان خیر و برکت / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۶:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا.

سرورم، نامه‌ای برای شما می‌فرستم که حاوی خواب من است و منتظر پاسخ بزرگوارانه‌ی شما هستم. این خواب برایم تکرار شده ولی با تغییراتی در کلمات و واژه‌هایی که آن پیرمرد در خواب به من داده است. همچنین من اسم خودم و اسم شهرم را در روایات حضرت علی علیه السلام خواندم و این از جمله چیزهایی است که باعث خوشحالی من شده است. ولی ای سرورم، آنچه که بر وحشت من افزوده این است که من انگشتری در انگشت بنصر^(۱) دست راستم داشتم که به آن ضربه‌ای وارد شده و نگین آن دارد دو تکه می‌شود و هرروز نشانه‌هایش بیشتر آشکار می‌شود و دارد به شکل حروف کلمه‌ای در می‌آید که هنوز واضح نیست. این حروف به صورت مشخصی نقش نبسته و شبیه «ا م د ل ه ی» می‌باشد.

سرورم! منتظر پاسخ و تفسیر شما بر این معجزه هستم؛ معجزه‌ای که از خداوند مسئلت دارم کامل شود و از عوامل نصرت شما باشد و من نیز در زمره‌ی مقربین شما قرار گیرم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

فرستنده: ابراهیم - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. از خدا مسئلت می‌نمایم که شما را موفق بدارد و ثابت قدم گرداند و شما را بر نفست و بر هوا و هوست و بر دنیا و شیطان پیروز گرداند و عاقبت شما را در آخرت و دنیا خیر بگرداند! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - شعبان خیر و برکت / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۷:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم ای یمانی آل محمد علیهم السلام و قائم آنها! سلام و رحمت و برکات از جانب خداوند بر تو باد! سرورم با دلی شکسته و چشمی گریان و اشک‌آلود در محضر شما می‌ایستم تا شما را بر شهادت مادرت بتول طاهره‌ی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام تسلیت و تعزیت گویم و همچنین بر سوگواری ادامه‌دار برای سرور و مولایم،

۱- انگشت حلقه (بنصر): انگشت چهارم هر دست که معمولاً انگشتری ازدواج را در آن می‌اندازند (مترجم).

پدرت حجت بن الحسن (علیه السلام) و بر پدران طیب و طاهرت (علیهم السلام). به خدا متوسل می‌شوم که فرج را برای شما مقدر گرداند و شما را در زمینش تمکین و فرمانروایی دهد و شما را بر دشمنان تان و دشمنان خودش پیروز گرداند. همانا خداوند شنوا و اجابت کننده است.

سرور و مولا و پدرم، ای یمانی آل محمد (علیهم السلام) و قائم آنها! پیوسته عاشق فنا شدن برای شما هستم و با محبت شما زنده هستم. برای شما نامه‌هایی نوشتم، سپس آنها را در هم پیچیدم چراکه من بین خوف و حیا سرگردانم؛ حیای بنده‌ای روسیاه که از ارباب خود گریخته و به دلیل ظلم و ظلمت در برابر تمامی پاکی و نور، در پستی نفس خود غرق گشته و گویی نشدنی است و ترس از این که این کار، جفا و کم‌حیایی باشد، مابین این خوف و آن حیا، این کلمات شرمسارانه‌ی من آمد تا اکنون درب شما را بکوبم. خواهش می‌کنم سرورم، آن را رد نکن که تو کریم و فرزند اهل کرم هستی و سائل را از درگاهت نمی‌رانی.

سرورم، مولا، پدر و محبوبم! از آن هنگام که طیف نورت درخشیدن گرفت، از سر اکرام از جانب خودت برام خدمت‌گزاری بر درگاهت را راضی گشتی و اگر خواست پروردگارم باشد، بر آستان تو خدمت‌گزار باقی خواهم ماند. تو کسی هستی که زندگانی و روزی به دستت می‌باشد پس هرگونه که کرمت می‌باشد بر مسکینت تصدق فرما؛ ﴿وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾^(۱) (و به ما صدقه بده، زیرا خدا صدقه‌دهندگان را دوست دارد).

و الحمد لله وحده! کسی که به وسیله‌ی تو بر ما منت نهاد و درحالی که لیاقت شناخت و یاری تو را نداشتیم، روزی مان نمود اگر قبول فرمایی! فرزند کوچک و بنده‌ی گنه کار تو!

فرستنده: ابومهدی - بلاد غربت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را توفیق دهد و ثابت‌قدم گرداند و به نصرتی ارجمند یاری نماید! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

خداوند شما را توفیق دهد! با ولایت خدا و اولیایش و با طاعت خدا و طاعت اولیایش طیب و پاکیزه‌اید. از خداوند مسئلت دارم که امر شما را به خیر دنیا و آخرت ختم گرداند و خدا کارتان را آسان کند.

۱- اشاره به بخشی از آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی یوسف (مترجم).

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - شعبان خیر و برکت / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۸:

بسم الله الرحمن الرحيم...

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.
سلام بر تو ای پاکیزه! سلام بر تو ای مظلوم! سلام بر تو ای آواره و رانده شده! و سلام بر پدران و پسران تو ائمه‌ی اطهار!

سرور و مولایم! خداوند با اذن بلندمرتبه‌اش، ما را جزو خادمان و انصار تو قرار دهد. از خدا و از شما بابت سستی و کوتاهی عذرخواهی می‌کنیم، امیدوارم این پوزش‌طلبی را از ما بپذیرید.

سرورم! برادرانم نظرم را به این جلب کرده‌اند که قرائت سوره‌ی فاتحه و طلب رحمت برای ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام صحیح نیست زیرا آن‌ها خود اهل رحمت‌اند و این ما هستیم که از جانب خدای سبحان و از سوی آن‌ها، رحمت را امید داریم. سرور، مولا و امام احمدالحسن علیه السلام! در این خصوص چه می‌فرماید؟ بابت کوتاهی و تقصیرم، عذر می‌خواهم، سرورم!
سلام و رحمت و بركات خدا بر طاهر باد.

فرستنده: تمارا مراد - فنلاند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

قرائت سوره‌ی فاتحه و اهدای ثواب قرائت آن به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام جایز است.
والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۷۹:

بسم الله الرحمن الرحيم...

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

سلام بر تو ای قائم آل محمد! سؤال من: چرا وقتی انسان به سراغ تسبیح‌گویی (سبحان‌الله گفتن) یا ادکار و استغفار و خصوصاً استغفار می‌رود، شروع به دهن‌دره می‌کند و از چشمانش اشک می‌ریزد؛ و

همچنین هنگامی که ذکر شما را می‌شنویم چشمان مان اشک باران می‌شود یا هنگامی که خشوع می‌ورزیم؟

فرستنده: احلام - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم...

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را توفیق دهد! دهن‌دره، از ظلمتی که در انسان وجود دارد، یا شیطان و شری که در صفحه‌ی وجودی اوست ناشی می‌شود. هنگامی که ظلمت با نور محاصره می‌شود، شیاطین انس و جن از طریق ظلمتی که در صفحه‌ی وجودی انسان است، دست به کار می‌شوند تا انسان را از ذکر خدا بازدارند، و این موضوع بر او و بر بدنش، به صورت دهن‌دره، بی‌حالی و دیگر صفاتی که باعث می‌شود انسان به استراحت و ترک ذکر خدا متوسل شود، تأثیر می‌گذارد. برای خلاصی از این‌ها باید بر ذکر اصرار بورزید و نور و ذکر را رها نکنید تا شیاطین که خداوند خوارشان سازد، مأیوس شوند. شما در این امر پاداش دارید چراکه این کار، جنگ با شیاطین و لشکر ابلیس - که خداوند خوارشان دارد - می‌باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۸۰:

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سرور و مولایم! در حالی این نامه را برای شما می‌نویسم که به خاطر بلایی که گرفتارش شده‌ام، آتش در دلم زبانه می‌کشد. سپاس خدا را بر بلایش که جز زیبایی چیزی ندیدم!
 آقا و مولای من! از آنچه بر من گذشت به شما شکایت می‌کنم و اطلاع یافتن شما از ماجرا، مرا آرامش می‌دهد! ۲۱ ماه مارس گذشته تاریخ عقد ازدواج من بود و یک هفته بعد از این تاریخ، طلاق من صورت گرفت. دلیلش هم آن بود که من متمسک به دعوت شما هستم و هرچند که من به سراغ فحش و بدزبانی نرفته‌ام و دلایل من نیز همان چیزهایی بود که شما فرموده بودید، ولی او در مقابل دلایل، احساس عجز و ناتوانی کرد و لذا طلاق را بر ماندن با من ترجیح داد. من در دلم زخمی عمیق احساس می‌کنم و کرامت من در هم شکسته شده است. اکنون او به همراه مادرش، بین مردم می‌چرخند و رفت‌وآمد می‌کنند و به دروغ به آن‌ها می‌گویند که من به سیستانی فحش داده‌ام و خواهرم را نیز به دیوانگی متهم کرده‌اند. به گوش ما رسیده

است که عده‌ای قصد دارند به خانه‌مان هجوم بیاورند، زیرا ما دعوت را منتشر کرده‌ایم. ای سرور و مولایم! سرگشته و حیران مانده‌ام و حقیقتاً نمی‌دانم به چه چیزی نیاز دارم ولی از شما خواهش می‌کنم که پاسخ مرا بدهی. به چیزی که غم و غصه‌ام را کم کند احتیاج دارم. سرورم مرا راهنمایی فرما و برایم دعا کن که خداوند حقم را بگیرد. از شما خواهش می‌کنم مرا ناامید نکنی، سرورم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: یک بانوی انصاری - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر به حق تمسک جویند، زبانی به شما نمی‌رسد حتی اگر همه‌ی مردم زمین با شما بجنگند؟ آیا نمی‌گویید که شیعه هستید؟! آیا در فاطمه علیها السلام و آنچه که برای او پیش آمد، الگویی برای شما نیست؟! و آیا در زینب علیها السلام و آنچه که برای او پیش آمد، الگویی برای شما نیست؟! به خدا سوگند اگر صبر پیشه کنید و با چنگ و دندان به دین‌تان محکم چنگ زنید، همه‌ی خیر دنیا و آخرت را شاهد خواهید بود و دشمن شما جز شر در دنیا و آخرت نخواهد دید و خداوند آن‌ها را خوار و ذلیل خواهد کرد و در دنیا و آخرت، زیانکار خواهند بود. ﴿إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾^(۱)
(وعده‌ی آن‌ها صبحگاه است، آیا صبح نزدیک نیست؟!).

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۸۱:

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.
السلام علی محال معرفة الله، السلام علی خزان علم الله، السلام علی الحکام فی دولة الله. ^(۲)
(سلام بر جایگاه‌های معرفت خدا! سلام بر خزانه‌داران علم خدا! سلام بر حاکمان دولت خدا!)
سرور و مولایم، یمانی آل محمد! خداوند شما را در زمین فرمانروایی عطا فرماید. تقاضا داریم برای ما دعا

۱- قسمتی از آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی هود (مترجم).

۲- فرازی از زیارت جامعه‌ی کبیره (مترجم).

کنید؛ دعای شما نزد خدا بر نمی‌گردد. برای خواهر همسر که با آتش سوخته است و اکنون قصد دارد به سفر برود تا عمل جراحی کند، نیز دعا کنید. وی وقتی سه‌ساله بود دچار سوختگی شد و اکنون بیست‌ساله است و وضعیت روحی‌اش بسیار به هم خورده است. آیا امکان دارد دعایی ویژه به اسم او ارسال کنید؟ چراکه شما اهل جود و کرم هستید و جز نکویی از شما پدید نمی‌آید.

سلام بر محمد و آل محمد، کسانی که اگر یادی از خیر شود، سرآغاز آن‌اند.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: فاضل - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
از خداوند مسئلت دارم که با شفا دادنش بر او منت گذارد! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۸۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا.

سلام بر سید یمان!

سرورم! سؤال من درباره‌ی وضعیت خودم و همسر است که آن را به یک زن متخصص در امور معنوی و رمزگشایی عرضه کرده‌ام. او به ما گفت بین ما را بسته‌اند و باید پیراهن خودم و پیراهن همسر را به همراه یک قفل نزد او ببریم تا این بستگی را باز کند تا فرزندی روزی ما شود. آیا این کار را انجام دهیم؟ و آیا این درست است؟ و راه چاره‌ی آن چیست؟ لطفاً ما را باخبر سازید، خداوند شما را رحمت کند.
با تشکر.

فرستنده: انصاری - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این کارها را انجام بده:

۱- سورهی فاتحه و آیت الکرسی و اخلاص و معوذتین را با زعفران بر یک برگه‌ی کاغذ سفید بنویس.
سپس نوشته را در پنج لیتر آب حل بکن. سپس با نصف آب غسل نما و همسرت با نیمه‌ی دیگر آب غسل کند؛ دقیقاً مانند غسل جنابت و غسل جمعه. آبی را که می‌چکد جمع کن و آن را در یک مکان پاکیزه بریز و نگذار که با آب حمام به جایی ناپاک برود.

۲- خودت و همسرت این اذکار را بخوانید:

(الف) ده هزار بار ﴿سبحانه هو الله الواحد القهار﴾.

(ب) قرائت سورهی نور (هفتاد بار).

و هفتاد بار قرائت آیهی سخره: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱) (پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمانروایی سزاوار اوست. خدا، پروردگار جهانیان، به‌غایت بزرگ است * پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد* در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است).

(ج) قرائت سورهی یس بعد از نماز صبح و قرائت سورهی واقعه بعد از نماز مغرب، به مدت چهل روز.

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۸۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آل البيت باد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرورم! ای امام، ای پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، موضوع: من به دعوت مبارک شما ایمان آورده‌ام و با شما بیعت

می‌کنم و بر پیروی و یاری‌رساندن به شما، با شما عهد و پیمان می‌بندم. سرورم! من در منطقه‌ای در مصر خطیب مسجدی هستم که نمونه‌ای از پایگاه وهابیون است. من قبل از موالات و پیروی از شما، اشعری مذهب بودم؛ حال چه کنم؟ آیا مسجدی که در آن خطبه می‌خوانم را رها کنم؟ با توجه به این که وهابیون بر مسجد مسلط خواهند شد و فساد را بین مردم منتشر می‌سازند؛ خصوصاً با توجه به این که من با آن‌ها مناظره و گفت‌وگو داشته‌ام و همه‌ی این‌ها به پیروزی بر این فکر غلوگرایانه منجر شده است.

خداوندا! محمد و آل محمد را نصرت عطا فرما!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: محمد الاشعری - مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. اگر باقی ماندن شما به‌عنوان خطیب در مسجد، عاملی برای دفع فساد و فتنه‌ی وهابی‌ها است، در مسجد بمان. خداوند شما را توفیق دهد و به آنچه که خیر آخرت و دنیای تو در آن است، ثابت قدم گرداند! والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۸۴:

سید احمدالحسن (رحمه الله) ... من با کند و کاو در استدلالی که شما به روایات اهل بیت (علیهم السلام) داشته‌اید، دریافتم که به شخصیت همراه امام مهدی (علیه السلام) که از او به مهدی و منصور و وزیر و مولی که امر او را بر عهده می‌گیرد (المولی الذی یلی امره) به‌روشنی اشاره شده است. من به همه‌ی این‌ها مؤمن هستم ولی عدم اطمینان قلبی، همچنان به حال خود باقی است. آیا برای رسیدن به آن راهی وجود دارد؟ ما را راهنمایی کنید، خداوند شما را رحمت کند!

سید احمدالحسن (رحمه الله) ... تمام آن ادله‌ی روایی که برای اثبات حجیت و وجودتان و اشاره‌ای که در مضمون روایات به شما شده است، آورده‌اید ان‌شاءالله صحیح است ولی مقداری نگرانی و اضطراب از آنچه از آن‌ها استنباط می‌شود، در دلم باقی مانده است؛ چه راهی برای اطمینان قلبی وجود دارد؟ والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: صادق - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر در طلب یقین و اطمینان هستی، توشه بگیر و به سوی خدای سبحان مهاجرت نما و از او مسئلت کن که تو را اجابت می کند. چقدر این توشه - که همان اخلاص برای خدای سبحان است - بر قلوب طاهر سبک است و چه کوتاه است راه مهاجرت، که به چیزی جز نیت نیاز ندارد؛ چراکه خداوند متعال از خلقش دور نیست: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾^(۱) (ما آدمی را آفریده و از وسوسه های نفس او آگاه هستیم، زیرا از رگ گردن به او نزدیک تریم). و چه آسان است که از او درخواست نمایی و او کسی است که صداها بر حضرتش مشتبه نگردد و بخشش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! آیا بر شما دشوار است که سجده کنی و سر برنداری تا این که پاسخ پروردگارت را بشنوی تا در آخرت و دنیا نجات یابی؟ آیا بر شما دشوار است که سه روز روزه بگیری و در شب هایش به درگاه خدا تضرع کنی تا شما را پاسخ گوید و حق را به شما بشناساند؟

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! به خدا پناه ببر، که او را غاری محکم و نفوذناپذیر می یابی که کسی که به او پناه برد را ضایع نمی گرداند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۸۵:

من نوهی امام شیخ منتصر بن حیدر بن هاشم از آل النعمی هستم. پدر بزرگم امام منتصر در سال ۱۳۸۸ ه.ق. در جازان سعودی وفات یافت. وی از علمای مذهب آل البیت بود ولی به خاطر دعوت شیخ عبدالله القرعاوی و شاگردان او در جازان، از روی تقیه به مذهب سلفی روی آورد. آن ها کتاب های او و اجداد علمش را آتش زدند و وی در راه خدا آزارها دید. بهرحال پس از وفاتش، وصیت مکتوبی دیدیم

که به دست خط خودش نوشته بود و در آن گفته بود: «بدانید زمان یمانی آل محمد صلی الله علیه و آله نزدیک شده است. پس اگر دعوت او را شنیدید قبله‌ی نمازتان را به هرجایی که او باشد برگردانید. خداوندا! به حقی که آل ابومحتت و آل جرمد بر تو دارند، بندگان را نصرت بخش و آنها را در زمین فرمانروایی عطا کن». اکنون که دعوت شما را شنیده‌ایم، باید چه کنیم؟

خواهش می‌کنم مرا مطلع گردانی، منظور جد من از برگرداندن قبله‌ی نماز چیست و آیا این کار موافق حق است یا خیر؟ و معنی آل ابومحتت و آل جرمد چیست و منزلت آنها چگونه است؟

فرستنده: منتصر الحسن - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً. از خداوند برای شما هدایت و شناخت و پیروی حق را مسئلت دارم! و اما سؤال شما درباره‌ی قبله‌ی نماز، قبله در حقیقت همان حجت خدا در هر زمان است و قبله گرفتن او یعنی این که از او پیروی کنی و با او عمل نمایی. شما می‌توانی کتاب‌های سایت انصار امام مهدی علیه السلام را مطالعه کنی تا با عقیده‌ی حق آشنا گردی. خداوند شما را به آنچه که دوست دارد و از آن خوشنود است توفیق دهد! والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۸۶:

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال ۱: درود و سلام بر پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله و بر خاندان طیب و طاهر او و بر مهدی علیه السلام و مهدیین علیهم السلام از فرزندان او، و سلم تسليماً.

من بنده‌ی مسکین، نذری دارم به این صورت که نذر کرده بودم در زمان صدام ملعون در هر زیارت یک قربانی برای خدمت به زوار ذبح کنم، یا با آن غذا بپزم و یا با پول قربانی مایحتاج زوار از رختخواب و مواد غذایی را خریداری کنم. پس از این گفت و گو، اکنون که اغلب مردم این خدمات رسانی را انجام می‌دهند، این نیت را ترک کرده‌ام و آن را تغییر داده‌ام به این که یا قربانی بدهم - و این حق امام بر اصحابش است -، یا این که قربانی و بچه‌اش را پیش خودم نگه دارم تا در ماه رمضان آن را بین فقرا قسمت کنم. نظر سرور و مولایم در این خصوص چیست؟ یا این که آن را نگه دارم و هر سال بچه‌اش را در ماه رمضان ذبح کنم و

گوشت بچه‌اش را بین فقرا تقسیم کنم؟

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال ۲: من «س.ع»، در کارم سرگردان شده‌ام. از حضرتعالی و از مقامی که نزد خدا دارید خواهش می‌کنم برایم دعا کنید که خداوند فرزندی روزی من کند تا چشمم به آن روشن گردد. مردم و خانواده‌ام به من ظلم کرده‌اند، پس از جنابعالی تقاضا می‌کنم، بعد از اجازهی پروردگارم با توجه به این که از معجزه‌ها و اسرار شما چیزهایی شنیده‌ام، امیدوارم معجزه‌ای برای من رخ بدهد و من صاحب فرزندی شوم و از خدا برای شما اجر و توفیق باشد.

فرستنده: ابو امیر - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

جواب ۱: خداوند شما را توفیق دهد! اگر در هر سال نذر جداگانه‌ای نذر کرده‌ای، می‌توانی در نذر جدیدت هر طور که می‌خواهی تغییر دهی، چه در زمان یا کیفیت یا هر چیز دیگر متعلق به نذر؛ ولی اگر نذری با کیفیت معین و وقت ثابت برای هر سال داشته‌ای، باید به نذرت وفا کنی، طبق همان چیزی که نذر کرده‌ای.

جواب ۲: از خداوند مسئلت می‌نمایم که فرزندی صالح روزی شما گرداند. او ارحم الراحمين است. والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۸۷:

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

تو را سوگند می‌دهم به پدرت محمد بن الحسن العسکری علیه السلام که سلام خدا بر او باد و خداوند خروج شما را تعجیل فرماید؛ انصار شما به دلیل اخلاقی که دارند باعث می‌شوند ما از حق دور شویم. شوهرم اکنون با کارهایش با ما سر جنگ و دعوا دارد و می‌گوید دیگر تمام شد، حجت بر شما را ملاقات کردم. او تربیت اولاد و مسئولیت را رها کرده و توجهی به امور دنیا در او نمی‌بینم و می‌گوید همین که ما ایمان آورده‌ایم کافی است. آیا این درست است؟ این سخنی است که او می‌گوید، پس کجاست اخلاق محمدی؟ من چیزی جز

فحش و اشتباه‌کاری و این که علیه مردم دور هم بنشینند، نمی‌بینم. آیا این دعوت که این گونه تبلیغ می‌شود، کوچک‌ترین مشکلی است که ما را تهدید می‌کند؟ آیا این درست است؟ شما کی می‌آید و امنیت و آرامش به ما می‌دهید؟ چه زمان چهره دلربای شما را خواهیم دید؟ آیا بر او واجب است که با اخلاق پست تبلیغ کند؟ چرا که طرف مقابل فرار می‌کند.

من می‌گویم از انصار امام (علیه‌السلام) خواهشمندم برایم روشن کنید و خواهش می‌کنم شما به آنها سفارش کنید. شما را به حاکمیت خدا سوگند می‌دهم پاسخ مرا سریع بدهید. چشم امید به شما داریم و منتظریم تا ظلمی که در آن زندگی می‌کنیم را از ما دفع نمایید.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: ز.ر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
از خداوند مسئلت دارم که حال تمام مؤمنین و مؤمنات را به آنچه که خیر آخرت و دنیایشان در آن است نیکو گرداند! پیامبران و اوصیاء (علیهم‌السلام) برای اصلاح مردم و گسترش اخلاق خوش بین مردم آمده‌اند. کسی که می‌گوید من از شیعیان محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) هستم، باید به اخلاق آنها آراسته گردد و با خانواده‌اش و مردم خوش رفتاری پیشه کند.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۸۸:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و درود و سلام بر برترین خلق خدا حبیب اله العالمين ابی القاسم محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)،
اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
اما بعد... سرور و مولایم، احمد (علیه‌السلام)! همان‌طور که می‌دانی من در ارتش کار می‌کنم و در ارتش در مورد ازدواج قوانینی وجود دارد؛ یعنی اگر بخواهم همسری انتخاب کنم باید از سازمان اطلاعات اجازه بگیرم تا بتوانم ازدواج کنم. اگر زن مورد نظر کویتی نباشد، تقریباً غیرممکن است به‌ویژه اگر عراقی، ایرانی یا از خیلی از کشورهای دیگر باشد. سرور و مولایم، همان‌طور که می‌دانی من اکنون ۲۱ سال دارم و می‌خواهم برای

حفظ خودم - پناه بر خدا - ازدواج کنم. من مسئله ازدواجم را به شما واگذار کرده‌ام.
 سرورم! از خدا می‌خواهم که با این سختم، بر شما گرانبار نباشم و از شما خواهش می‌کنم مرا عفو کنید و
 برایم دعا نمایید که توفیق داشته باشم.
 والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

فرستنده: ش ع - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
 و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 از خداوند سبحان مسألت دارم که شما را به آنچه که مورد رضایت اوست توفیق دهد. او یاور من است
 و او دوست شایستگان است. آری! خداوند توفیقت دهد! بر خدا توکل نما و بدان که به نژاد یا قومیت
 اشکالی وارد نیست. اگر ازدواج شما با زن غیر کویتی ممکن نیست، یک همسر کویتی انتخاب کن، خداوند
 توفیقت دهد و بکوش یک زن دین‌دار و باعفت که تو را حفظ کند، برگزینی. اگر زن مؤمنی در کشور
 خودت نیافتی، سعی نما با زنی ازدواج کنی که به ایمان و هدایت‌شدگی او به‌سوی حق امیدوار باشی. خداوند
 ارحم‌الراحمین است و از خداوند مسألت دارم که در شما و برای شما برکت نهد.
 والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم‌الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۸۹:

می‌خواهم دعایی از قرآن که نزد خدا مقبول است برای افزایش رزق و یک دعای دیگر برای شفا به
 دست آورم.

فرستنده: فاطمه - بیروت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
 و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 این آیات را هرروز و شب هزار بار بخوان و به آنها عمل کن؛ یعنی برای افزایش رزق تقوا پیشه نما و
 ان‌شاءالله رزق شما زیاد می‌شود و خداوند سبحان به فضل خودش رزق و روزی شما را توسعه می‌دهد: ﴿وَمَنْ
 يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ

جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا^(۱) (و هر کس از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد* و از جایی که گمانش را ندارد روزی‌اش می‌دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می‌رساند و هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است).

برای شفا گرفتن، این دعا را همیشه با حضور قلب بخوان: «یا من اسمہ دواء، و ذکرہ شفاء، یا من یجعل الشفاء فیما یشاء من الأشياء، صلّ علی محمد و آل محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم)، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من هذا الداء، باسمک هذا» «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا أرحم الراحمین، ده مرتبه» (ای که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می‌دهد، درود فرست بر محمد و آل محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم)، و از این درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا ارحم الراحمین، ده مرتبه»).

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۹۰:

سازمان را سوگند می‌دهم به حق پرچم ابوالفضل العباس (علیه السلام) که نامه‌ی مرا به سید احمدالحسن (علیه السلام) برسانند.

سلام بر سید احمدالحسن (علیه السلام) و رحمة الله و برکاته.

من از شیعیان موالی هستم و گرفتار دو بیماری شده‌ام که مرا به شدت خسته کرده‌اند، اولی حدیث نفس یا حدیث خیال یا آنچه که خیال‌پردازی نامیده می‌شود، می‌باشد.

دومی، من تند و سریع صحبت می‌کنم به طوری که طرف مقابل در فهم آن به مشکل برمی‌خورد. این بیماری دوم، مرا خیلی خجالت‌زده کرده و شخصیت مرا به هم ریخته است. از جناب سید می‌خواهم که خدا را برای من بخواند تا به دست او به اذن خدا شفا یابم. به خدا از این بیماری‌ام خسته شده‌ام. شما را به حق امامتی که داری سوگند می‌دهم که برای شفایم دعا کنی.

فرستنده: جست و جو کننده حق - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خدا مسئلت دارم که به فضل و منت گذاری‌اش از هر بیماری شما را شفا بدهد. از شما خواهش می‌کنم که هر شب قبل از خواب سوره‌ی توحید را سه بار بخوانی، و همچنین آیت‌الکرسی را. این آیات را نیز هرروز و شب بخوان: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ * ادعوا رَبَّكُم تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱) (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسحّر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمانروایی سزاوار اوست. خدا، پروردگار جهانیان، به‌غایت بزرگ است * پروردگارتان را با تضرع و در نمان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد * در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است).

همچنین برای شفا این دعا را همیشه و با حضور قلب بخوان: یا من اسمه دواء، و ذکره شفاء، یا من يجعل الشفاء فیما یشاء من الأشياء، صلّ علی محمد و آل محمد علیهم السلام، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من هذا الداء، باسمک هذا «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا ارحم الراحمین، ده مرتبه» (ای که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می‌دهد، درود فرست بر محمد و آل محمد علیهم السلام، و از این درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله ده، مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا ارحم الراحمین، ده مرتبه»).

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۹۱:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سرور بزرگوارم! آیاتی از قرآن برای جلب رزق می‌خواهم، چون اخیراً روزی‌ام کم شده است و من دانسته‌ام که شما علم کتاب داری؛ از شما خواهش می‌کنم کمکم کنی. عید بر شما مبارک با برترین آرزوها!

فرستنده: خالد - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

این آیات را هرروز و شب هزار بار بخوان و به آنها عمل کن؛ یعنی برای افزایش رزق تقوا پیشه نما و ان شاء الله رزق شما زیاد می شود و خداوند سبحان به فضل خودش رزق و روزی شما را توسعه می دهد: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^(۱) (و هر کس از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد* و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می رساند و هر چیز را اندازه ای قرار داده است).

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۹۲:

- ۱- پایان آیت الکرسی ﴿هو العلی العظیم﴾ است یا ﴿خالدون﴾؟
- ۲- آیا اسم مادر سید (علیه السلام)، حمیده است؟
- ۳- شب قدر بیست و چهارم است یا بیست و سوم؟ با توجه به این که دو روایت در برهان هست که نشان می دهد شب قدر بیست و چهارم است.
- ۴- در روایت طوسی در کتاب غیبت، منظور از «آخرین ما عیسی است» چه کسی است؟
- ۵- آیا خامنه ای مصداق خراسانی است؟
- ۶- آیا نماز در مسجدی که نماز مقلدین فقها در آن برقرار است جایز می باشد؟
- ۷- حکم مرغ قربانی منجمد و ماهی منجمد چیست؟
- ۸- در روایات آمده این سیاهی که در ماه است، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد؛ این به چه معنا است؟
- ۹- آیا تعزیه و حضور در مجالس حسینی که توسط مقلدین فقها برگزار می شود و نیز رفتن با آنها به زیارت و شرکت کردن با ایشان در صندوق کمک به فقرا و ایتام و بیوه زنان جایز است؟
- ۱۰- آیا همه ی مردم برج و طالع دارند یا این یک بدعت است؟
- ۱۱- پدرم در حالی وفات یافت که پیش از وفات، شهادت های چهارگانه را بر زبان جاری ساخت. آیا

بر آیین ائمه و مهدیین علیهم السلام فوت کرده است؟

۱۲- آیا سید علیه السلام از طریق رؤیا فهمیده که معصوم و پسر امام علیه السلام است یا به وسیله دیدار با پدرش علیه السلام؟

۱۳- به خاطر دوری از انصار و امام احمد علیه السلام که چشم او را نمی بیند و قلب او را می بیند، صلهی امام علیه السلام را به چه کسی باید داد؟

فرستنده: علی العراقی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسليماً.
شب قدر، شب بیست و سوم از ماه رمضان است.
پدر شما از آنجا که شهادت حق را به زبان آورده، ان شاء الله مؤمن و بر حق وفات کرده است.
خداوند شما را توفیق دهد! می توانی از طریق کتابها و خطبهها، از هر چیزی دربارهی دعوت که می خواهی بدانی، مطلع شوی. خداوند سبحان گامهایتان را در آنچه که مورد رضایت اوست، استوار سازد!
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۹۳:

السلام علیکم.

آیا گریهی سیاه از جن است؟ و چگونه می توان از آن خلاص شد؟

آیا احضار جن مؤمن مجاز است؟

آیا صمغ کندر، جذب کننده نوعی از جن است؟

آیا جن می تواند انسان را لمس کند، او را به اشتباه بیندازد، آزار نماید و بکشد؟

آیا جن می تواند تغییر شکل دهد و در بیداری به صورت یکی از حیوانات ظاهر شود؟

بهترین حرز برای در امان ماندن از جن چیست؟ با تشکر.

فرستنده: علی عبدالکریم - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.

جن می‌تواند برخی حیوانات را لمس کند و آن‌ها را به‌طور محدود و اندک، به سمت و سوی که خودش می‌خواهد به حرکت وادارد، دقیقاً همان‌طور که می‌تواند به‌طور جزئی انسان را اندکی لمس کند و با او برخورد نماید ولی قادر به سیطره بر رفتار و کلام و سلوک او نیست. برترین حرز از جن، تحصن و پناه بردن به خلیفه‌ی خدا در زمانت، به قرآن کریم و به سخن خدای سبحان است، حتی اگر یک حدیث قدسی روایت شده باشد، یا حتی مطالب صحیح از تورات و انجیل.

احضار جن ممکن و جایز است، اگر برای غرض راجح و شرعی باشد؛ ولی باید بدانی که اغلب جن‌ها دروغ می‌گویند و جنیان به تعداد زیاد در هر مکانی حضور دارند و به‌آسانی می‌توانند کسانی که آن‌ها را احضار می‌کنند فریب دهند. علاوه بر این، جن‌ها به‌سادگی می‌توانند کسی که به احضار آن‌ها اقدام می‌کند را آزار برسانند زیرا معمولاً این افراد گرفتار بیماری منیت هستند و در برابر اجنه بسیار ضعیف‌اند.

اذیتی که اجنه به انسان می‌رسانند، یکی روحی است که برای همه‌آشناست و دیگری بیماری‌های جسمی است.

این موضوع که جن، انسانی را به‌طور مستقیم بکشد صحیح نیست زیرا اجنه تسلط و قدرتی برای انجام این کار ندارند ولی می‌توانند انسان را لمس کنند و او را از لحاظ روحی آزار دهند و او را در وضعیت خودآزاری و چه‌بسا آزار رساندن به دیگری قرار دهند. جن می‌تواند با روش‌های مختلف انسان را به بیماری‌های جسمانی مبتلا سازد؛ مثلاً از طریق انتقال دادن میکروب به غذا، نوشیدنی و تنفس فرد. ذکر نام خدا به هنگام خوردن، نوشیدن و در همه حال، شر آن‌ها را برطرف می‌سازد، ان‌شاءالله!

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۹۴:

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم، یمان! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

سرورم! ای کریم فرزند کریم‌ها! درخواستی دارم که از شما، سرورم تقاضا می‌کنم و مطمئنم که مرا رد نمی‌کنی؛ زیرا شما اهل بیت (علیهم‌السلام) هیچ‌گاه نیازمند را رد نمی‌کنید. سرورم! حاجت من این است که برایم دعا کنی از بیماری‌ام شفا یابم و برایم به حسن عاقبت دعا کنی. خداوند شما را از هر مکروهی برای ما حفظ فرماید!

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

فرستنده: ل ک - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! از خداوند مسئلت دارم به آنچه که اهل و شایسته آن است
بر شما منت گذارد، و بر شما به شفا منت نهد، هرگاه که اراده کند و هرگونه که اراده فرماید و او ارحم الراحمین
است.

برای شفا این دعا را همیشه و با حضور قلب بخوان: «یا من اسمه دواء، و ذکره شفاء، یا من يجعل الشفاء
فیما یشاء من الأشياء، صلّ علی محمد و آل محمد، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من هذا الداء،
باسمک هذا «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا ارحم الراحمین، ده مرتبه» (ای که نامش دوا و ذکرش
شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می دهد، درود فرست بر محمد و آل محمد، و از این
درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو
شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا ارحم الراحمین، ده
مرتبه»).

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۹۵:

«السلام علی من اتبع الهدی» (سلام بر آن کس که از پی هدایت قدم نهد).

به سید احمدالحسن علیه السلام... سرور ارجمندم! با مشقت بسیار نامه ای برای شما فرستادم ولی از پاسخ
کریمانه ی شما بی نصیب ماندم. از شما خواهش می کنم سرورم که امام و معصوم هستی، چراکه دعای شما رد
نمی شود، ان شاء الله.

شما را به حق سرور زنان و دختر بهترین خلق خدا و همسر امیرالمؤمنین علیه السلام و پیشوای سفید رویان علی
بن ابی طالب علیه السلام سوگند می دهم که برایم به جهت معرفت پیدا کردن نسبت به حق و پیروی از آن دعا نمایی
که من راه حل دیگری ندارم.
بسیار از شما متشکر و ممنونم.

فرستنده: اسیل - نیوزیلند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را موفق بدارد و بر شناخت حق و استوار ماندن بر آن توفیق دهد! او
یاور من است و او دوست شایستگان است.
والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۹۶:

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

سرورم! جان و خانواده و مالم فدای تو باد! شاهد غایب سبحان بر آنچه می‌گویم گواه است. شهادت
می‌دهم که تو سرور و مولا و امام من هستی در دنیا و آخرت.

سرورم، ای پسر رسول خدا ﷺ! در کتاب شرایع درباره‌ی نماز اعرابی مطلبی خواندم و با توفیق الهی پس
از مدتی، تفصیل این نماز را در مفاتیح‌الجنان خواندم. آنچه من فهمیدم به این صورت است: مردی از
بادیه‌نشینان به پیامبر خدا ﷺ شکایت برد از این که وی به دلیل دوری راه نمی‌تواند در نماز جمعه با پیامبر
ﷺ حاضر شود و پیامبر ﷺ این نماز را به او یاد داد. سرور و مولایم! خداوند فرج شما را تعجیل فرماید و
ما را از سجده‌کنندگان بر شما در دنیا و آخرت و همچنین گوسفند خاموش و بی‌صدا در پیشگاه شما قرار
دهد. همچنین سنگی در دست شما که هر کجا بخواهی آن را بیندازی. ما را از کسانی که مورد رضایت شما
هستند قرار دهد. ما را از کسانی که شما را ملاقات و از دشمنانتان دوری می‌کنند قرار دهد! به حق شما! ای
وجه خدا ﷺ.

سرورم! آیا برای من جایز است که روز جمعه نماز اعرابی را بخوانم و مثل کسی باشم که با شما نماز خوانده
است؟

وه که چقدر مشتاق شما هستم، ای سرورم!

فرستنده: خالد - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.
 خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را در آنچه مورد رضایتش است، استوار سازد. ان شاء الله شما با ما
 هستید تا وقتی که مؤمن، عارف به حق و مخلص لله باشید. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
 والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۵۹۷:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مولای ما! حال شما چطور است؟ به من افتخار دهید و به این سؤالات پاسخ دهید:

آن سه پیامبری که خداوند به آنان قدرت زنده کردن مردگان عطا نمود، چه کسانی می‌باشند؟

کدام نماز به وضو و تیمم نیاز ندارد؟

یکی از فرشتگان حارث نام دارد، وظیفه و تکلیف او چیست؟

کدام آفریده است که به قومش هشدار داد درحالی که او نه از جن بود و نه از آدمیان؟

شومان کیست؟

سه پیامبری که برای قوم خود به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و سلم شهادت دادند چه کسانی هستند؟

با تشکر فراوان، و بابت زیادی سؤالات عذر می‌خواهم و من اطمینان دارم که پاسخ وافی و شافی از شما

دریافت خواهم نمود.

فرستنده: محمد العلی - سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! کتاب‌های زیادی منتشر شده که در آنها علوم زیادی درج

شده است. شما اگر طالب حق هستی، با مطالعه‌ی این کتاب‌ها می‌توانی این علم را بشناسی و مصدر و

منبع آن را بدانی. گمان نمی‌کنم شما بر این باور باشی که کسی نداند مورچه به قومش هشدار داد درحالی که

این قصه در قرآن ذکر شده است! آیا تو بر این باوری که من نمی‌دانم نماز بر میت بدون وضو یا تیمم ممکن

است، با این که این مطلب را در کتاب شرایع الاسلام بیان نموده‌ام؟!!

از خداوند برای شما در جست‌وجویت توفیق خواهانم و این که خداوند حق را به شما شناساند و

گام‌هایت را استوار سازد.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.

محور چهارم:

تعبیر خواب

پرسش ۵۹۸:

بسم الله الرحمن الرحيم

درود و سلام بر ابوالقاسم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بر جمیع خاندان و اصحاب او.

اما بعد... در یکی از روزهای ماه محرم الحرام امسال، قسم می‌خورم در خواب دیدم که گویی در نجف اشرف به زیارت می‌رفتم و در یک بازار سرپوشیده‌ی فروش پارچه بودم. گویی از یکی از مغازه‌ها پارچه‌ای خریدم. زیبایی رنگ‌ها و عطری خاص مرا به گوشه‌ای از مغازه کشاند تا در یکی از طاقچه‌های مغازه، کتابی را ببینم و گویی کتاب خدا قرآن کریم بود ولی بر آن نوشته شده بود امام احمد بن الحسن، به جهت حفظ. از صاحب مغازه پرسیدم احمد بن الحسن کیست، وی پاسخم را نداد ولی این اسم در ذهنم حک شد. امروز برای شما می‌نویسم و از شما خواهش می‌کنم که در کار من نظر بدهید یا کمکم کنید که معنی این رؤیا چیست؟

والسلام علیکم.

فرستنده: ابواحمد - اسکاتلند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری در دنیا و آخرت موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است و این از فضل خداوند بر شما است که حق را به این روشنی که شبهه و ابهامی در آن نیست به شما شناسانده است.
پارچه در ملکوت همان لباس تقوا و لباس اهل بهشت است. خداوند شما را از برترین اهل بهشت قرار دهد! خدای متعال می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾^(۱) (ای فرزندان آدم برای شما جامه‌ای فرستادیم تا شرمگاهتان را بپوشد و نیز جامه‌ی زینت و جامه‌ی پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است و این یکی از آیات خدا است، باشد که پند بگیرید). قرآن نماد حجت و خلیفه الهی در هر زمان است که او قرآن ناطق و ترجمان قرآن می‌باشد.

و رؤیای شما تمثیلی از وارد شدنتان در سایت انصار در اینترنت است و این مشابه زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌باشد زیرا شما را با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آشنا می‌سازد و او همان مغازه‌ی پارچه‌فروشی است؛ زیرا اهل ایمان و تقوا از او لباس تقوا و ایمنی برای روز قیامت و معاد می‌گیرند. عطرها نیز کلام طیب و نکو است و قرآن کریم همان خلیفه‌ی خدا و سیره‌ی خلیفه‌ی خدا و شناخت نسبت به او است. مغازه‌دار به شما نگفت که احمدالحسن کیست زیرا به هنگام ورود شما، اسمی از احمدالحسن نبود درحالی که نَسَب او به‌طور کامل تا علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) منتشر شده است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۵۹۹:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
سلام بر مولایم محمد (صلی الله علیه و آله) و وصی او احمد (علیه السلام) و بر پدران طیب و طاهرش و رحمة الله و برکاته.

سؤال اول من: چرا من پس از مرگ علما، آنها را در خواب می‌بینم؟

سید خمینی را سه روز پس از وفاتش در خواب دیدم، در حالی که نور از پیشانی و گونه‌هایش ساطع بود و من نتوانستم او را بشناسم مگر از طریق ابروهایش. همراه او یک معمم دیگری هم بود و این دو در اول راه قرار داشتند.

بنت‌الهدی خواهر صدر را در خواب دیدم که موهایش آشفته شده بود و چیزی شبیه کفن به تن کرده بود. او به من گفت عمر تو از عمر من است یا عمر من از عمر تو است، خوب به خاطر نمی‌آورم.

باقر حکیم را پس از منفجر شدنش دیدم که در اتاق علمای شهید شده نشسته و گویی او پسر بچه‌ای بر روی بالش بود، در کنارش شهید صدر دوم پیرمرد قرار داشت و او بر حکیم خم شده بود و گویی از او تعریف و تمجید می‌کرد و سید باقر خندان بود، همچون لبخند شاگردی که استادش از او ستایش می‌کند و نور به‌صورت حلقه‌حلقه از سر صدر پیرمرد ساطع می‌شد و بالش سید صدر بالاتر از بالش سید باقر بود.

سید محمدرضا شیرازی را به همان هیئتی که در اینترنت منتشر شده است دیدم و او درحالی که فوت کرده بود ایستاده بود و کفنی به رنگ سبز مایل به آبی فیروزه‌ای بر او بود که رنگش بسیار زیبا بود و در گردنش زنجیری از نقره بود که یک‌جور قفل بزرگ از آن آویزان شده بود و دو چیز دیگر هم بود که آنها را بیان نمی‌کنم.

و بالاخره برای سومین بار یا بیشتر است که در خواب این آیات شریفه را می‌شنوم: ﴿يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ

بُدْحَانَ مُبِينٍ* يَعْنِي النَّاسَ هَذَا عَذَابُ أَلِيمٍ* رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ*... إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ*^(۱) (روزی که آسمان به آشکارا دود بیاورد* و آن دود همی مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور* ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دور گردان که ما ایمان آورده‌ایم*... عذاب را اندکی برمی‌داریم و شما باز به آیین خویش بازمی‌گردید) و نیز آیات آغاز سوره‌ی انبیاء و اواخر سوره‌ی شمس را شنیدیم: ﴿إِذْ أَنْبَعَتْ أَشْقَاهَا...﴾^(۲) (آنگاه که شقی‌ترینشان برخاست...) و برخی از آنها به همان طریق قرائت شما بود. آیا منظور آیه من هستم؟ سرورم! من می‌ترسم. از شما خواهش می‌کنم برای حسن عاقبت ما دعا کنید!

فرستنده: زینب - امارات

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
 بعضاً منظور از خواب دیدن اشخاص، فقط اسامی است. آقای خمینی که شما دیده‌ای، همان آقای خمینی رحمته الله علیه نیست بلکه شناساندن کسی به شما است که پس از وفات سید رحمته الله علیه برای اصلاح امور امت پا پیش می‌گذارد، و این کار از طریق شخصی که او را می‌شناسی صورت می‌گیرد که او همان آقای خمینی رحمته الله علیه است. پس مراد، فقط اسم آقای خمینی رحمته الله علیه و او «روح‌الله» است.
 بنت‌الهدی نیز که در خواب دیده‌ای، قطعاً علویه بنت‌الهدی خواهر سید محمدباقر رحمته الله علیه نیست زیرا سخن او به شما مبنی بر این که عمر تو از عمر من است (و این همان عبارت صحیح است) به این معناست که وی از آل محمد علیهم السلام بوده است و انسانی عادی نمی‌باشد، بلکه او از ارواح الحیات که همان آل محمد علیهم السلام هستند، می‌باشد؛ کسانی که زندگی و مرگ سایر خلایق از آنهاست.
 این که سید محمدباقر حکیم و سید صدر رحمته الله علیه را در خواب دیده‌ای ان‌شاءالله برای این دو خیر است. این دو، قبل از بیانیه‌ی ۱۳ رجب و ان‌شاءالله بر ولایت وفات کرده‌اند و دعوت را رد و انکار نمودند.
 خوابی که درباره‌ی محمدرضا شیرازی دیده‌ای، برای او خوب نیست، چراکه زنجیر و قفل به معنای زندان است، خداوند شما را از زندان آخرت نگاه دارد!
 اما آنچه که به گوش شما رسیده است، هشداری درباره‌ی آمدن عذاب به سوی اهل زمین است. از

۱- دخان: ۱۰ تا ۱۵.

۲- شمس: ۱۲.

خداوند عافیت و نجات و حسن عاقبت را برای شما و همه‌ی انصار مسئلت می‌نمایم.
و اما آیه‌ی ﴿إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا﴾ (آنگاه که شقی‌ترین‌شان برخاست)، سیره‌ی مهدی (علیه‌السلام) همانند سیره‌ی
علی (علیه‌السلام) و عاقبت او نیز همچون عاقبت علی (علیه‌السلام) خواهد بود.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۰:

در خواب دیدم که ما در سالن بزرگی نشسته بودیم و ما انصار با برخی مردم گفت‌وگو می‌کردیم.
سالن، بزرگ بود و در آن گروهی از مردم بودند و ما درباره‌ی دعوت با آنها سخن می‌گفتیم. سپس از آنجا
بیرون آمدیم و من با یک نفر که رانندگی خودرو را بر عهده داشت و من کنارش نشستم، به سمت یک
منطقه‌ی روستایی که سبحان‌الله بسیار زیبا بود به راه افتادیم. آن منطقه، مشرف بر رودخانه‌ای عریض و پر
آب بود. در ادامه، ما در یک راه خاکی حرکت می‌کردیم که ناگهان چند مرد که اسلحه با خود داشتند از
باغ بیرون آمدند. یک فرد مسلح به سراغ من آمد و اجازه داد من با دوربین اسلحه به دو خانه‌ای که مشرف
بر رودخانه بود نگاهی بیندازم؛ دو خانه‌ی قدیمی. به من گفت: امام شما احمدالحسن (علیه‌السلام) از اینجا ظاهر
می‌شود و ما اینجا منتظرش هستیم تا او ظاهر شود و ما بکشیمش. من به آنها پاسخی ندادم و ما از آنها
می‌ترسیدیم. یکی از آنها به من گفت: ما (گروه فلانی) اینجا منتظرش هستیم تا وقتی ظاهر شد او را
بکشیم. من به راننده گفتم: کنار بایست. ما با مقداری فاصله از آنها ایستادیم و من به آنها نگاه
می‌کردم. ناگهان داخل باغ شدند و سبحان‌الله همه‌ی زمین بسیار سرسبز و زیبا شده بود مگر این باغی که
در آن داخل شدند؛ گویی آنجا پاییزی و خشک بود. از خواب بیدار شدم و ساعت حدود ۲ ظهر بود.
خداوند شما را توفیق دهد! معنای این رؤیا چیست؟

فرستنده: غائب منتظر - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم که در خوابت، خیری برای شما و
بشارتی از جانب خدا برای پیروزی دینش و اظهار حق باشد، اگرچه کافران و منافقان را ناخوش آید.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۱:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر پدرم امام محمد بن الحسن علیه السلام، سلام بر پدرم امام احمدالحسن یمانی آل محمد علیهم السلام.
اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

در سحر روز چهارشنبه ۲۵ صفر ۱۴۳۲ (۱۰ بهمن ۱۳۸۹) در خواب دیدم که گویی من پیش روی پدرم ایستاده بودم و پدرم نماینده «عادل امام» بود (در خواب اسمش عادل امام بود) ولی نماینده نبود و گویی او صاحب شرکت بزرگی بود و میخواست به جای دوردستی سفر کند و تا آنجا که یادم هست، سفرش مدت زمان زیادی طول می کشید. او به من گفت: شما مسئول و مدیر شرکت خواهی شد. وی در خصوص این قضیه آسوده خاطر و مطمئن بود و گویی به من اعتماد داشت. من با لبخند به او گفتم: به خدا من از پس این کار بر نمی آیم و به او التماس کردم که از این کار معاف کند ولی او در کمال آرامش و اطمینان، بر کارش اصرار ورزید و من سرانجام موضوع را پذیرفتم. در آن هنگام برگشتم و بلافاصله دیدم یکی از نماینده ها با عادل امام در یکی از صحنه هاست. این شخص کچل بود و داشت درباره یک عدد که ۶۰۰۰۰۰۰ یا ۶۰۰۰۰۰ بود و الآن دقیقاً به خاطر ندارم صحبت می کرد. این فرد میخواست آخرین صفر عدد را حذف کند تا عدد کوچک شود. کار وی مشکوک بود و خودش هم این را می دانست. در نزدیکی او افراد دیگری بودند و گویی وی میخواست از آنها کلاه برداری کند. وی گفت: اگر صفر را برداری عدد کوچک می شود و این مشکلی نیست. سپس تا آنجا که به یاد دارم، بعد از این قضیه میخواست آخرین صفر عدد ۵۰۰۰۰ را نیز بردارد تا عدد را به ۵۰۰۰ کاهش دهد. من به دلیل این کارش با او رویارو شدم و به وی گفتم از کارش دست بردارد و گویی من بر او تسلط و قدرتی داشتم. او برخلاف میلش از آن کار دست کشید. و الحمد لله رب العالمین.

فرستنده: محمد انصاری - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم که در خوابت، خیری برای شما و

بشارتی از جانب خدا برای پیروزی دینش و اظهار حق باشد، اگرچه کافران و منافقان را ناخوش آید. بدان، اشخاصی که در خواب می‌بینی، اگر موضعی نداشته باشند، صرفاً نامی بیش نیستند یعنی منظور از آنها فقط اسم است؛ فرشتگان تصاویری برای این اسامی، متناسب با صفحه‌ی وجودی‌ات و آنچه که بر حافظه‌ی شما نقش بسته است ترتیب می‌دهند تا از این طریق آنچه را که می‌خواهند به شما برسانند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۲:

ای سرور! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

دیروز ۲۰۱۰/۲/۱۳ پس از سحر در خواب دیدم که گویی نزد گروهی هستم که می‌خواستم موضوع عذاب را به آنها تبلیغ کنم و برسانم. به آنها می‌گفتم: امام مهدی (علیه السلام) فرستاده‌ای فرستاده است و کفرورزی به دعوت او، باعث نزول عذاب الهی شده است. من این افراد را نمی‌شناختم. خانه‌هایی داشتند که به هم نزدیک بود. در همین حال حشرات نسبتاً بزرگی که از کف دست بزرگ‌تر بود آمدند و از همه‌جا در خانه‌ها و در خیابان‌ها وارد شدند. آنها به رنگ قهوه‌ای تیره بودند. به مردم گفتم: این عذاب است که نازل شده، زیرا به فاصله‌ی بسیار کمی قبل از عذاب، این حشرات پیدا می‌شوند... عذاب نازل شد. تمام حیواناتشان در خانه‌ای که حشرات به شکل ترسناکی به آن وارد شده بودند، پناه گرفتند. از جمله چیزهایی که دیدم گاوی بود که نمی‌گذاشت کسی او را بزند. در همین اثنا سعی کردم به خانه‌ی کناری بگریزم، ولی دیدم حیوانات همه‌جا را پر کرده‌اند لذا درصدد آمدم از جایی که در آن هستم به جایی فرار کنم که نمی‌دانم کجاست ولی در ذهنم بود. در خیابان اصلی تاکسی‌هایی دیدم و به دلم این‌گونه خطور کرد که امکان ندارد کسی قبول کند که مرا برساند ولی یکی از آنها همان بار اول که از او خواستم، موافقت کرد. قبل از آن که با او سوار ماشین بشوم، به یک بقالی که میوه و سبزیجات می‌فروخت رفتم و چیزی که الآن به یاد ندارم از او خریدم و به مردمی که در خیابان بودند چیزی درباره‌ی عذاب گفتم. سوار ماشین شدم و آنجا را ترک کردم. و الحمد لله وحده وحده وحده.

سرور، ای قائم آل محمد (علیه السلام) تعبیر این خواب چیست؟

فرستنده: زیاد الجبوری - فنلاند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! خوابت، بشارتی برای شماست بر این که ان شاء الله شما در این دنیا در زمره‌ی کسانی هستی که از عذاب خدای سبحان نجات می‌یابند. از خداوند مسئلت دارم که شما در دنیا و آخرت با محمد و آل محمد علیهم السلام باشی.
 والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۳:

بسم الله الرحمن الرحيم...

سلام بر تو ای حجت خدا بر زمین، سلام بر انصار امام ما و حبیب ما و وصی امام ما مهدی علیه السلام.
 به خدا نمی‌دانم خواب من تفسیر دارد یا نه و نمی‌دانم این خواب چیزی از سوی شیطان بوده است یا نه.
 معروف است که من (و پناه می‌برم به خدا از منیت) از همه چیز ترس و واهمه دارم حتی در خواب، اما این خواب هرچند وحشتناک بود ولی من نترسیدم.

خودم را در غذاخوری دانشگاهی که در آن درس می‌خوانم دیدم. بشقابم را با غذای کامل گرفتم ولی متوجه غذایی که در بشقاب بود نشدم. به‌هرحال به وسط غذاخوری رسیدم تا یک تکه نان بگیرم. می‌خواستم نان را با چاقو ببرم ولی به اشتباه انگشت سبابه‌ی دست چپم را بریدم ولی با این وجود بسیار آرام بودم. قسمت بریده شده‌ی انگشت را گرفتم و آن را در دهان زیر زبانم گذاشتم و باقیمانده‌ی انگشت را بستم و به آشپزخانه‌ی غذاخوری رفتم و از افراد حاضر در آنجا خواستم بشقابی که در آن ماده‌ی ضدعفونی‌کننده است برایم بیاورند. آن قسمت بریده‌شده را از دهانم بیرون آوردم و در ماده‌ی ضدعفونی‌کننده قرار دادم. قسمت باقی‌مانده‌ی انگشت را نیز در آن ماده گذاشتم. من منتظر آمبولانس بودم. همه ترسیده بودند ولی من راحت و آرام بودم.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

از امام حجت درخواست ویژه دارم که برایم دعا کند که خداوند گام‌هایم را بر راه مستقیم و هدایت و نصرت امام، برای یوم‌الدین ثابت و استوار بدارد.

فرستنده: خادمه‌ی اهل‌البیت - فنلاند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
 خواب شما ان شاء الله بشارت‌دهنده است و برای شما خیر به همراه دارد! دانشگاه یا دانشکده در خواب به آسمان عقل یا آسمان هفتم کلی اشاره دارد. به خواست خدا شما در راه کمال عقل هستید و خداوند شما را با انبیاء و مرسلین محشور فرماید. در رؤیا انگشت، نشانه‌ی خویشان و انسان‌های نزدیک به انسان است و بریده شدن آن نیز یعنی اختلاف با آن شخص یا قطع رابطه با او به خاطر علتی، مثلاً به این دلیل که وی به حق ایمان ندارد. رفتن به بیمارستان نیز یعنی تلاش برای اصلاح او. از خداوند برای شما توفیق و حسن عاقبت مسئلت می‌نمایم!
 والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۴:

بسم الله الرحمن الرحيم. السلام عليكم...

وقتی با ماجرای سید احمدالحسن (رحمته الله) آشنا شدم و خوابیدم، این خواب را دیدم طبق آنچه که به یاد می‌آورم و از کمی و زیادی آن، از خداوند طلب بخشش می‌کنم:
 در کنار پنجره‌ی اتاقم ماجرای رخ داده بود. گویی آنجا کسی بود که مرده بود ولی مرده نبود، مخفی بود ولی مخفی نبود، در او نیروی زیادی وجود داشت، گویی اینجا واقعه‌ی بزرگی در جریان بود. وقتی کنار او بودم گرما را حس می‌کردم. من احساس ترس داشتم و بسیار ذکر خدا می‌گفتم.
 این خواب تئمه‌ای نیز دارد ولی به همین مقدار اکتفا می‌کنم زیرا توصیف خواب برایم دشوار است.
 فرستنده: زهرا - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
 از خداوند برای شما توفیق و شناخت حق و یاری آن را مسئلت می‌نمایم! رؤیای شما درباره‌ی این دعوت راستین و بیان وضعیت صاحب آن است. این که او مرده بوده ولی مرده نبوده یعنی وی در گذشته وارد این

عالم شده و سپس به قتل رسیده و این دنیا را ترک گفته است. می‌توانی به ماجرای شبیه عیسی علیه السلام که در جلد ۴ کتاب «متشابهات» موجود است مراجعه نمایی؛ اما این‌که وی مرده نبوده است یعنی او اکنون و در حال حاضر در این عالم وجود دارد. این‌که مخفی بود و درعین حال مخفی نبود به این معنا است که قضیه‌ی مهدی اول در روایات شیعه و سنی که از حضرت محمد و آل محمد علیهم السلام نقل شده و نیز در وصیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله موجود است، در کتاب‌ها نقل شده است ولی در عین حال تقریباً بر عموم مردم مخفی و پوشیده است؛ زیرا مشیت الهی بر آن است که هنگامی این موضوع را ظاهر گرداند که صاحبش حاضر گردد. نیرویی که در آن است همان نور خدا و حرارتی که شما احساس کرده‌ای همان حرارت و گرمای حیات واقعی است. ذکر خدا نیز به شما نشان می‌دهد که خواب شما وحیی از جانب خدای سبحان برای شما می‌باشد.

خداوند شما را توفیق دهد!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۵:

درود و سلام بر تو ای سرورم، ای پسر رسول خدا و بر پدرانت و بر مهدیین از فرزندان علیهم السلام. سرور و مولایم، ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! در یکی از شب‌ها رفتم که بخوابم و برای مخالفین شما خیلی متأسف و ناراحت بودم. در خواب عمیقی فرو رفتم و گویی بر رویم رواندازی بود که از شدت خستگی نصف بدنم را با آن پوشانده بودم. وحشت‌زده از خواب بیدار شدم و صدایی در گوشم می‌شنیدم که می‌گفت: ﴿يا ايها المزمل، قم الیل الا قليلاً، نصفه او انقص منه قليلاً، اوزد القران ترتیلاً﴾. این خواب را در دلم پنهان کردم و با خود گفتم آن را با هیچ‌کس در میان نمی‌گذارم مگر با شما ای سرورم، که ما از شما می‌آموزیم و به شما پاسخ‌گوییم. چه نصیحت و نکته‌ای برایم دارید؟

فرستنده: یوسف - حجاز

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. انصار امام مهدی علیه السلام، فرستادگانی از انبیاء پیشین هستند و برخی از آنها دارای مقام نبوت‌اند. این مطلب را در کتاب نبوت خاتم تشریح نموده‌ام، خداوند شما را توفیق دهد! خواب شما، دعوت خدا از شما برای تعبد در بخشی از شب است، به هر مقداری که می‌توانی، تا خداوند سبحان شما را بر آنچه که می‌خواهد

درباره‌ی ملکوتش اطلاع دهد، مطلع گرداند. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر می‌توانی «نماز ناشئة الیل» را بخوان و شما چگونگی آن را نزد انصار که خداوند توفیقشان دهد، می‌یابی. من چند سال قبل در این مورد برای آنها مطلبی نوشته‌ام و این مطلب در قسمت اعمال عبادی موجود است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۶:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

در خوابم دیدم که گذرگاهی وجود داشت و این گذرگاه از دو طرف محصور بود. هر طرف شبیه دیوار بود، به شکل یک کوچه‌ی تنگ و باریک، و بر هر طرف (دیوار) نیز سیم‌های برق وجود داشت که از آنها نور زیاد و ترسناکی پخش می‌شد. ناگهان مردی بلند قد را که کیفی به دست راستش گرفته بود و سنش نیز ۳۹، ۴۰ یا ۴۱ ساله می‌نمود دیدم. در خواب گفتم این احمدالحسن (عليه السلام) است. او دست مرا گرفت و گفت: از اینجا برو؛ یعنی راه امن و مناسب و رهایی از نور را برایم مشخص کرد. در مسیر رفتنم، ردپای کسانی که به سلامت از نور عبور کرده بودند را می‌دیدم و پس از آن بیدار شدم.

خداوندا! ولی خودت احمدالحسن (عليه السلام) را نصرت عطا فرما و او را در زمین تمکین بده و انصار او را موفق گردان، یا ارحم الراحمين.

فرستنده: احمد - مراکش

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

رؤیای شما بشارتی از جانب خدای سبحان مبنی بر حسن عاقبت شما و استوار داشتن از سوی او سبحان و تعالی است، ان شاء الله و بیان این مطلب که شما بر حق و بر صراط مستقیم هستی. پس خدای سبحان و تعالی را حمد کن که این فضل عظیم را بر تو منت نهاده است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۷:

به سرور و مولایم، امام احمدالحسن علیهما السلام...

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
سلام بر سرور و مولایم امام مهدی علیه السلام، سلام بر تو ای سرور و مولایم، قائم آل محمد صلوات الله و رحمته الله و برکاته.

سرور و مولایم! خواب یکی از خواهران انصار را برای شما نقل می کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت سرور و مولایم، همهی دار و ندارم در دنیا و آخرت، چشم روشنی پیامبر صلوات الله و رحمته الله و انتقام گیرندهی زهراى بتول علیها السلام، سلاله‌ی پاکان، میوه‌ی ائمه‌ی منتجبین و پدر مهدیین پادشاه. آقایم و مولایم، قائم آل محمد علیهما السلام، بر آنها و بر او بالاترین سلام و صلوات باد! آقا و مولایم، سلام بر شما و رحمت خداوند و برکات او بر شما!

سرورم! در خواب دیدم که گویا من در نماز جماعت بودم و صف‌ها به هم پیوسته شد و قبله کمی مایل به مشرق بود و تعداد صف‌ها حدود ده صف یا کمی بیشتر بود. امام جماعت در وسط صف اول نمازگزاران قرار داشت. در سمت چپ هر صف زنان قرار داشتند ولی ایستادن آنها به‌طور مستقیم نبود بلکه خمیده و به شکل نیم‌دایره بود. امام جماعت، شهید سید عبدالامام رحمته الله بود و نماز هم نماز واجب یعنی نماز چهار رکعتی بود. من در وسط صف‌ها با زنان ایستاده بودم و شوهرم نیز در صف همراه من بود. بر شما پوشیده نیست که وی نسبت به راه حق جاهل است. سید عبدالامام رحمته الله نماز را شروع کرد و دو رکعت کامل خواند، در رکعت سوم سید عبدالامام رحمته الله ساکت شد و سرور و مولایم، قائم آل محمد احمدالحسن علیهما السلام نماز را تمام کرد. وی در وسط صف‌ها یعنی همان صفی که من و شوهرم در آن بودیم، قرار داشت. شوهرم وقتی شنید و فهمید که سید علیهما السلام نماز را تمام خواهد کرد، نمازش را قطع کرد و این کار او باعث شد جنجالی بین نمازگزاران به وجود آید. او می گفت: من پشت سر سید عبدالامام نماز می خواندم و نمی دانستم این احمدالحسن علیهما السلام است که نماز را تمام خواهد کرد. در همین احوال سید علیهما السلام بدون این که نمازش را قطع کند، کمی به‌سوی او توجه کرد. من نیز کمی رو به‌سوی او کردم. سپس شوهرم نماز را ترک کرد و جای او خالی ماند و ما نماز را به پایان بردیم.

و الحمد لله رب العالمين. ای درگاه خدا که از آن درآیند ما از شما التماس دعا داریم،

و درود و سلام بر محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً کثیراً.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته... و الحمد لله رب العالمین

فرستنده: محمد - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.
این رؤیا برای شما بشارت‌دهنده و برای شوهرت هشداردهنده است. از خداوند برای او حسن عاقبت
مستثنا داریم. نماز، همان ولایت ولی خدا و کار با او و در پیشگاه اوست. خداوند شما را به کار با حق
همراه حق موفق بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۸:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً كثيراً.

بیعت من در شب جمعه صورت گرفت و در خواب دیدم که در دیوار اتاق خوابم که مشرف بر خیابان
است، دو شکاف باز شد و من نور روز را از آن می‌دیدم ولی یکی از تشک‌های تخت خوابم را که مخصوص
من بود ندیدم و این همان چیزی بود که از باز شدن شکاف جلوگیری می‌کرد. ولی من در درونم احساس
ترس می‌کردم از این که نکند از طریق این سوراخ، یک موش از خیابان به خانه رخنه کرده باشد، ولی به‌طور
قطع و یقین در منزل موش پیدا نمی‌شود.

از حضرتعالی تفسیر خواب را تقاضا دارم.

و صل الله علی محمد و آل الائمة و المهديین و سلم تسليماً كثيراً... والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

فرستنده: عبدالله - مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.

رؤیا برای شما بشارت‌دهنده است و به معنای استوار داشتن شما بر حق از سوی خداوند است. دو شکاف که از آنها نور دیده‌ای، یعنی دو مکانی که در آنها هدایت وجود دارد و این دو، نماد دعوت حق است که تو در آنها داخل می‌شوی و از آنها نور حق را مشاهده می‌کنی.

اما ترس شما از این که موش از طریق این سوراخ از خیابان وارد خانه‌ات شود به این معناست که ان‌شاءالله خداوند شما را از هر چه که به شما و به آنچه که در تملک شماست زیان می‌رساند، دور نگاه می‌دارد، با توکل بر خدای سبحان. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۰۹:

بسم الله الرحمن الرحيم...

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سلام بر یمانی آل محمد احمدالحسن علیه السلام و بر اولیای خدا و حجت‌های الهی.

امروز بعد از نماز صبح رفتم که بخوابم و در خواب دیدم در مسجد پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم (مسجد نبوی در مدینه منوره) هستم. در داخل مسجد راه می‌رفتم و حضور ذهن نداشتم که در مسجد قرار دارم. وقتی به در خروجی رسیدم، دریافتم که در مسجد نبوی هستم بنابراین همان لحظه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلام و درود فرستادم. آنجا یک نفر بود که از دوردست داشت به سمت من می‌دوید و من فهمیدم که برای اذیت کردن آمده است. شکل ظاهری او را به یاد نمی‌آورم و نمی‌دانم آیا ریش داشت یا نه و آیا کوتاه‌قد بود یا خیر. در واقع ظاهر و قیافه‌ی او را به یاد نمی‌آورم. خلاصه او به سمت آمد تا مرا اذیت کند ولی از او دور شدم. او یک بار دیگر به سراغم آمد به این قصد که مرا بیازارد و نگذارد رسول اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کنم ولی نمی‌دانم چگونه از دستش خلاص شدم. فوراً به سمت ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتم. در آنجا چند نفری پیش ضریح بودند و من جلو رفتم تا به قبر رسیدم. افراد حاضر در آنجا، در سمت چپ و راستم قرار گرفتند و من (و پناه می‌برم به خدا از منیت) در وسط آنها جای گرفتم. نگاه کردم و مرد خفته‌ای را دیدم که صورتش به سمت ضریح بود. به ذهنم آمد که او پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست بلکه فرد دیگری است ولی او بدنش را صاف کرد و بر پشتش خوابید و من فهمیدم که او پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. او سفید بود و ریش سفیدی هم داشت و دارای هیبت و عظمت بود. تلفن را از جیبم در آوردم تا از او عکس بگیرم. برای بار اول عکس گرفتم ولی عکس خوب در نیامد. یک بار دیگر عکس گرفتم ولی این بار هم خوب در نیامد. خواستم عکس بعدی را بگیرم ولی ایشان صلی الله علیه و آله و سلم چشمانش را باز کرد و نمی‌دانم چه گفت ولی فهمیدم که بیش از یک

عکس از ایشان گرفته‌ام و دیگر کافی است. تلفن را به جیمم برگرداندم و پیامبر صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار دادم و سختم را با آوردن اسم یمانی شروع کردم و به او گفتم: «احمدالحسن». ایشان صلی الله علیه و آله با همان عبارت به من جواب داد: «احمدالحسن». سپس از ایشان پرسیدم: آیا جایز است که با اسم یمانی دعا کنم، مثلاً بگویم: «یا احمدالحسن». پاسخ ایشان به صورت جایز است یا جایز نیست نبود بلکه پاسخ ایشان این بود: «واجب است». من درباره‌ی مقام امام احمدالحسن علیه السلام از ایشان سؤال کردم و حضرت پاسخ مرا داد ولی من از او خواستم که دوباره برایم تکرار کند، زیرا می‌ترسیدم پاسخ را فراموش کنم. ایشان دوباره پاسخی مشابه ولی به شیوه‌ی دیگری داد که آن را هم فراموش کرده‌ام. ولی این جواب چنین بود (دقیقش را خداوند می‌داند) «نمی‌توان به آن دست یافت» چیزی به این مضمون (خداوند عالم است). پس از آن، گفت و گویی در عالم رؤیا بین من و او روی داد که من جزئیات این صحبت‌ها را به یاد نمی‌آورم ولی در آخر کار، پیامبر صلی الله علیه و آله که جانم فدایش باد نمی‌دانم چرا ناراحت و دل‌تنگ شد. رؤیا تمام شد و از خواب بیدار شدم. ساعت شش و ربع صبح بود.

امیدوارم اگر در بیان خواب اشتباه کرده باشم خداوند مرا ببخشد و اگر جزئیات آن را از یاد برده باشم و نیز به خاطر اصراری که در سؤالات بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داشته‌ام نیز مرا عفو فرماید. تذکر: من وقتی به پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسیدم می‌دانستم که در عالم ملکوت هستم. تاریخ خواب: ۲۰۱۰/۳/۹ م، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۳۱ هجری.

خداوندا! بر فاطمه علیها السلام، پدرش، همسرش، فرزندانش و سرّ پوشیده‌اش درود و صلوات بفرست!

فرستنده: ابوعلی - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند و خیر آخرت و دنیا را روزی شما نماید! و سپاس خدایی را که به دیدن پیامبر اکرم محمد صلی الله علیه و آله بر شما منت گذارد. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۱۰:

در عالم رؤیا دیدم: انصار به من قول دادند که مرا نزد سید علیه السلام ببرند. من با آنها راه می‌رفتم. برخی

برای ما مشکلاتی ایجاد می کردند که راهی شده بودیم تا به سید علیه السلام برسیم و داشتیم فکر می کردم که چطور برسم. فکر کردم که به خودم اعتماد کنم (به تنهایی بروم)؛ به هر حال رسیدم و سید علیه السلام را دیدم که بر روی یک تپه‌ی شنی نشسته و جلویش ساختمانی است که در حال بازسازی است. من از پشت سر سید علیه السلام آمدم و پشت سر سید علیه السلام نشستم و دستم را بر گردن سید علیه السلام گذاشتم. سید علیه السلام به سمت من برگشت و سرش را بر دستام گذاشت و به من لبخند زد. در این لحظه سه تن از انصار رسیدند و تعجب کردند که من چطور الان پیش سید علیه السلام آمده‌ام، و حال آن که آن‌ها از روبه‌روی سید علیه السلام آمدند. در چهره‌ی سید علیه السلام حواسم به گونه‌اش معطوف شد که به شدت کم‌مو بود، بسیار سفید بود و توجهم را جلب نمود. چهره‌اش گندمگون بود. با سید علیه السلام در جایی در لبنان که آنجا را می‌شناسم راه رفتیم. سید علیه السلام چیز کوچکی مثل تخم‌مرغ در دستش گرفته بود. با آن تخم‌مرغ به تپه‌های شنی اشاره می‌کرد و آن‌ها را ذوب می‌کرد. این کار را با چند تپه انجام داد. یک لحظه فکر کردم که سید علیه السلام بدون تخم‌مرغ نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد. سید علیه السلام متوجهم شد و گویی فهمید که به چه فکر کرده‌ام؛ تخم‌مرغ را به من داد و به طرفم پرت کرد و رفت با دستش به تپه‌ها اشاره کرد و آن‌ها را ذوب کرد. و الحمد لله رب العالمین.

فرستنده: عاملی - آلمان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و المهديين و سلم تسليماً.
از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را به آنچه که خیر آخرت و دنیایت در آن است، موفق بدارد و شما را توفیق و تسدید عطا کند و بر قوم ستمکار نصرت بخشد.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۱۱:

سلام بر تو ای پسر رسول خدا و رحمة الله و برکاته.

خدمتگزار خاکسارتان به شما سلام می‌رساند و خودش را به‌عنوان سرمایه‌ای ناچیز به شما تقدیم می‌دارد و درحالی که دلش مالا مال از توحید الهی و تسلیم شدن در پیشگاه شما است، می‌گوید: ﴿و لقدمنا و اهلنا الضر فتصدق علينا إن الله یجزی المتصدقین﴾^(۱) (ما و کسانمان به گرسنگی افتاده‌ایم، بر ما صدقه بده زیرا

خدا صدقه‌دهندگان را دوست دارد).

سرورم، خواهش می‌کنم به من لطف کنید و خواب همسر را تفسیر فرمایید. وی در خواب دید که بر صورتم دعای صباح را می‌نویسد درحالی که آن را قرائت می‌کرد.

آیا ممکن است زن وقتی خواب است و جُنُب یا حائض می‌باشد، رؤیای صادقه ببیند؟

فرستنده: موسوی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
ممکن است زن مؤمن، رؤیای صادقه ببیند حتی اگر جنب یا حائض باشد، و این خوابی که او دیده است برای شما و برای خودش خیر است، ان شاء الله. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را مسئلت دارم. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۱۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله

سپاس خدایی را که ما را به این راه رهبری کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود راه خویش نمی‌یافتیم درود و سلام بر محمد امین و بر خاندان طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین.

سلام بر سرور و مولایم یمان آل محمد (علیهم السلام) و قائم آنها و بر اهل بیت تو و فرزندان برگزیده‌ی تو مهدیین، و رحمة الله و بركاته.

سرورم! در خواب دیدم که گویی وارد ضریح سرور و مولایم ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) شدم و فرزندانم که سه نفر هستند علی، احمد و عباس و دخترم فاطمه با من بودند. مردم زیادی در ضریح مطهر بودند.

سپس مردم متفرق شدند و من در ضریح مطهر باقی ماندم و با امام حسین (علیه السلام) صحبت می‌کردم. کمی بعد درب ضریح مطهر باز شد. سپس قبر شریف باز شد و من، امام حسین (علیه السلام) را دیدم که در قبر به پشت خوابیده بود. آن حضرت دستش را بیرون آورد و با من گفت و گو کرد. همه‌ی سخنان امام (علیه السلام) را به یاد ندارم ولی در خاطر هست که به من چیزی به این معنا گفت که ایشان درباره‌ی فرزندانم با من سخن

گفت و این که جنگی به پا خواهد شد و پسر عباس در آن شرکت می کند یا در آن کشته می شود، دقیقاً به خاطر ندارم. سپس بیرون آمدم و از خوشحالی می دویدم و به مردم می گفتم: امام حسین علیه السلام با من حرف زد و با صدای بلند پسر عباس را صدا می زدم تا حرف های امام حسین علیه السلام را به او اطلاع دهم. وقتی سخنان امام علیه السلام را به او گفتم شروع به خندیدن کرد و از حرف های امام علیه السلام شاد و خوشحال شد. این خواب من بود سرورم. لطفاً اگر صلاح می دانید خواب را برایم تأویل کنید. با در نظر گرفتن این مطلب که من الآن یک پسر دارم و نام او علی است و من الآن شکر خدا حامله هستم و خودم و شوهرم امیدواریم خداوند فرزندی روزی مان کند و اسم او را احمد بگذاریم و فدوی مهدیین علیهم السلام شوند. سرورم! به لطف و کرم شما چشم امید دارم که برای ما دعا کنی خداوند ذریه ی صالح و مؤمن و یاریگر محمد و آل محمد علیهم السلام روزی مان گرداند تا پیش زهرا علیها السلام روسفید باشیم. از این که مطلب طول کشید معذورم بدار سرورم! خداوند در فرج شما تعجیل نماید و به زودی زود شما را تمکین دهد، به حق زهرا علیها السلام. بابت تقصیر و کوتاهی، عفو شما را مسئلت داریم که شما کریم و از اولاد کرام هستید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: ام علی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! از خداوند مسئلت دارم که به خیر آخرت و دنیا بر شما منت نهد و ان شاء الله خواب شما متضمن خیر فراوانی برای شما است. «والله ولی التوفیق» (خداوند دهنده ی توفیق است).
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۱۳:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.
و بعد... من چند وقت مختصری است که در تالار گفت و گوی انصار پیگیر هستم و در سایت مطالبی درباره ی امام خواندم و فایل های صوتی ایشان را شنیدم در واقع به آنچه وی به آن دعوت می کند آرامش پیدا کردم، ولی مشکلم این است که من سنّی هستم و اصولاً به امامت اعتقادی ندارم ولی با این حال به طور

مرتب در تالار حضور دارم شاید که خدا حق را برایم ظاهر گرداند، اگر که بر آن نباشم.

یکی از برادران وقتی تردید و دودلی مرا در خصوص دعوت شنید به من نصیحت کرد که استخاره کنم. من غسل کردم، نماز خواندم و از خداوند خواستم مرا بر حق دلالت کند و خوابیدم درحالی که صدای نوارهای امام احمدالحسن (علیه السلام) در گوشم بود. در رؤیا دیدم که زیر درختی خوابیده‌ام و این درخت کنار یک راه خاکی که به دو طرف کشیده شده بود قرار داشت. پیرمردی که چانه‌اش نزدیک به زمین بود و لباسش بدبافت بود آمد. او که گویی از گذشته آمده بود، به عصایی که بلندتر از خودش بود تکیه زده بود. پیرمرد کنارم نشست و با مهربانی، آهسته در گوشم گفت: الآن زمان مناسبی برای خوابیدن نیست، بیدار شو، ای ابراهیم. من با وحشت از خواب بیدار شدم و به او نگاه کردم و ترسم بیشتر شد. او گفت: وحشت نکن و سؤالی نپرس، از پیری سخن بشنو که عمرش برابر با عمر بسیاری دیگر است و فقط با عده‌ی اندکی سخن گفته است، او اکنون با تو سخن می‌گوید، پس بشنو و به خاطر بسپار و بفهم زیرا من آنچه را بگویم تکرار نمی‌کنم. به سمت چپ برو. در آنجا روستای کوچک و فقیری می‌یابی که مردمش ساده و خوش طینت‌اند. به آن‌ها ابلاغ کن که خورشید روزه‌ای بسیار کوچک از جهنم است که بر زمین باز شده و آن‌ها باید کوچ کنند. هر کس که از مهاجرت با تو سر باز زد بر او اصرار نکن. با کسانی که همراهت هستند، به طی مسیر به سمت مشرق ادامه بده. در آنجا روستای دیگری خواهید یافت که مردمانش در رفاه بیشتری هستند و خوش‌ترند. از آن‌ها دوری‌گزینید و آن‌ها را بر مهاجرت با خودتان اصرار نوزید. شما و کسانی که از روستای دوم همراهت شده‌اند، به حرکت به سمت مشرق ادامه دهید، تا به روستای سوم برسید. کار قبلی خود را تکرار کنید. به هر روستایی که برسید می‌بینید مردمش از رفاه بیشتری برخوردارند و خوش‌ترند. تا این که به روستای هفتم می‌رسید. از کنار آن عبور کنید و مردم آن روستا نباید شما را ببینند. ای ابراهیم، در پشت روستا درختی مثل همین درختی که بر ما سایه افکنده می‌یابید که برگش سرسبزتر و ظاهرش خوش‌نماتر است و میوه‌ی بیشتری دارد و سایه‌اش در جلوی آن امتداد می‌یابد و بر باقی زمین سایه می‌افکند. وقتی رسیدید، ممکن است زیر آن درخت با یکدیگر ملاقات کنیم و شاید هم با یکدیگر ملاقات نکنیم. همین‌طور که الآن خوابیده‌ای، زیر آن درخت بخوابید، و به هنگام طلوع آفتاب در سایه‌ی آن درخت به راه بیافتید چراکه خورشید شما غروب نمی‌کند تا این که خدا به چیزی غیر از آن اجازه دهد. وی سپس دستش را دراز کرد و برگی از درخت کند و آن را به سوی من گرفت. من دستم را به سوی او دراز کردم و برگ را از او گرفتم. بر روی آن یک حرف که من به‌وضوح آن را می‌دیدم نوشته بود و آن حرف «نون» بود! به او گفتم: با این چه کنم؟ گفت: به تو گفته بودم که سؤال نکن.

او مرا رها کرد و رفت. من سعی کردم به او برسم ولی وی پنهان شد. این خواب، زیبا و آرامش‌بخش بود،

هرچند من چیزی از آن نفهمیدم.

از یکی از برادران انصار امام علیه السلام پرسیدم و او پیشنهاد کرد که برای شما نامه بفرستم. از خداوند مسئلت دارم اگر بر حق هستید، مرا به آن راه بنمایید. امیدوارم سریعاً پاسخ بدهید. ضمناً متذکر می‌شوم که من این سخن را فقط برای شما نقل کرده‌ام. خداوند شما را حفظ فرماید!

فرستنده: ابراهیم عبدالله - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. از خداوند برای شما توفیق و حسن عاقبت مسئلت می‌نمایم! در این رؤیا، درختی که شما زیر آن خوابیده‌ای، اشاره است به آنچه که قبل از خواب شنیده‌ای، یعنی آن شجره‌ی مبارکه که در قرآن است که همان درخت محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام می‌باشد. شخصی که دیده‌ای، یک انسان باتقوا و ولی‌ای از اولیای الهی است زیرا در رؤیا محاسن، به دین اشاره دارد. این که تو را دستور داده است که از خواب بیدار شوی، یعنی حق را نصرت دهی و از غفلت دنیا و مشغول گشتن به دنیا و اهل آن بیدار شوی، و کاری که به شما سپرده است ان‌شاءالله با بلندهمتی و جدیت به انجام آن توفیق می‌یابی؛ پس از این که از خواب بیدار و هوشیار شدی! برگگی که حرف نون بر آن نوشته شده بود، اشاره به این سخن خدای متعال دارد: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿۱﴾ (نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند* که تو به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی).

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - شعبان الخیر و البرکة / ۱۴۳۱ هـ.ق.

پرسش ۶۱۴:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا. السلام عليكم و رحمة الله. به صاحب عصر و زمان حجت بن الحسن علیه السلام که سلام و صلوات خداوند بر او، پدرانش و فرزندان پاکش باد و به سرور و مولایم احمدالحسن علیه السلام بابت مصیبت‌های سیده‌ی مظلومه‌مان تسلیت و تعزیت

می‌گوییم. انا لله و انا الیه راجعون.

من بیش از ده سال قبل در بغداد زندگی می‌کردم و در خواب دیدم گویی در منطقه‌ی زندگی‌ام، تک‌وتنها در تاریکی بودم. گاوها و گوسفندها ذبح شده بودند و خون‌شان مثل رودخانه در خیابان‌ها جاری بود. در آنجا یک جوان با موی بور که چشمانی آبی‌رنگ داشت پشت سرم می‌دوید و می‌خواست خود را به من برساند. من به هر طرف که می‌دویدم، می‌دیدم آخر خیابان بسته است و وارد خیابان دوم می‌شدم. همه‌ی خیابان‌ها مملو از خون گوسفندها و گاوهای ذبح شده بود. خیلی خیلی خسته شده بودم. پس از آن صدایی از آسمان شنیدم که به من گفت: (ای زن) برو پشت سر فاطمه. در خواب مادر دوستم را که اسمش فاطمه بود دیدم. من پشت سرش رفتم و او بازوانش را برای محافظت از من باز کرد. در همین هنگام این جوان ایستاد و گویی مانعی شفاف میان او و مادر دوستم بود که نمی‌توانست از آن عبور کند و چندین متر دورتر متوقف شد.

خواب دیگری در همان ایام دیدم. گویی من خوابیده بودم و صدایی از آسمان شنیدم که به من گفت: تو در آغوش فاطمه خوابیده‌ای. من خودم را پناه گرفته در آغوش همان زن یافتم.

سرور و مولایم! از این که مطلب طول کشید عذر می‌خواهم ولی از وقتی که دعوت را شنیدم و به آن ملحق شدم، الحمدلله از خدا و صاحب‌الزمان (علیه‌السلام) و از شما که روحم فدای شما باد، التماس دعا دارم که مرا جزو انصار بپذیرید؛ اما پس از پیوستن به ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) دیگر خوابی ندیده‌ام. قبل از این که به دعوت بیوندم، دیگران درباره‌ی ام خوابی دیده‌اند ولی خودم ندیده‌ام، آیا این معنایی دارد؟ احساس می‌کنم ائمه (علیهم‌السلام) که روحم فدای آن‌ها باشد، از من دلخوردند و به دیدن من نمی‌آیند.

سرور و مولایم! در پایان، از طول کشیدن مطلب از شما پوزش می‌طلبم و بابت تقصیر و کوتاهی از خدای سبحان طلب مغفرت می‌کنم و از خداوند سبحان می‌خواهم که شما را در زمین تمکین دهد و در رحمت خویش غرقه سازد و در کار شما و برادران اسیرم گشایشی به وجود آورد، و شما را در منزل دوست و جدت پیامبر خدا ﷺ سکونت دهد.

السلام علیکم و رحمة الله.

فرستنده: ت.ر - فنلاند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.

گاوها و گوسفندان ذبح شده همان چیزی است که شما می بینی و دیده ای که سال های گذشته در عراق روی داده است؛ و رفتنت به آغوش فاطمه علیها السلام یعنی پیوستن شما به دین حق الهی. رؤیا در زمان خودش بیانگر چیزی است که در آینده برای شما روی می دهد، و به فضلی که خداوند بر شما دارد، این رویداد برای شما اتفاق افتاده است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

ای معدن علم و جایگاه رسالت، ای قائم آل محمد علیهم السلام، ای سرور و مولا و پدرم، از این که باعث آزردهی شما می شوم عذر می خواهم، مولای من. از شما خواهش می کنم که هرگز مرا به حال خودم وامگذارید.

سرورم! از تو خواهش می کنم مرا به حال خودم رها مکن. ای نور! و چگونه از تاریکی ام رهایی یابم مگر به نور تو ای سرورم! خداوند مرا به طور دائم تا ابد با شما قرار دهد و هرگز از شما جدا نسازد تا نفسم بند بیاید، ای پروردگار من!

در رؤیا دیدم گویی من با شما پدرم، به شهر دیگری پیاده مسافرت می کردم. این شهر ۴۰ کیلومتر فاصله داشت و من قبل از این که سفر کنم به جایی رفتم تا کاغذ بخرم تا خودم را با آن بپوشانم. رنگ کاغذها به رنگ پرتقالی و زرد بود. رنگ زرد زیاد بود و همه می توانستند آنها را بخرند ولی رنگ پرتقالی کمیاب بود و من می خواستم خودم را با رنگ پرتقالی بپوشانم. نمی دانم چگونه می توانستم با کاغذ زرد و نیز با کاغذ پرتقالی عبور کنم و خانم فروشنده مرا ندید.

سپس در خواب دیدم که ما در راه بودیم و من یک ژاکت خیلی گرم مثل همانها که در زمستان می پوشند به تن کرده بودم. این ژاکت مرا پوشانده بود ولی به پایم شلواری که به نصف ساق پایم می رسید و مقداری تنگ بود داشتم و چیزی که با آن خودم را بپوشانم در اختیار نداشتم. شما پدرم در وسط راه به من گفتی: آیا به تو نگفتم خودت را بپوشان، یا چیزی شبیه آن. من شروع به گریه کردم و به شما می گفتم مرا ببخش. خم شدم و دست شما را بوسیدم و شما که جانم و همه چیز فدایتان باد، مرا ترک کردی و بوی بسیار خوش مشک از آن پخش می شد.

سلام بر شما و بر خاندان طیب و طاهر تو و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: ielhassani

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! لباس، به تقوای آدمی و مقدار پناه آوردن او به خدا و عبادت و توکل او بر خدای سبحان اشاره دارد. ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾^(۱) (ای فرزندان آدم برای شما جامه‌ای فرستادیم تا شرم‌گاهتان را بپوشد، و نیز جامه‌ی زینت و جامه‌ی پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است و این یکی از آیات خدا است، باشد که پند گیرید).

این خواب شما اندرزی برای شما است به این که با عبادت و اخلاص، به خدای سبحان پناه بری و ایام مبارک شعبان و رمضان را مغتنم شماری. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!
 والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۱۶:

السلام علیکم

سید احمد خداوند شما را حفظ کند. پس از آن که تفسیرهای شما بر رؤیایا را مطالعه کردم، به شما اطمینان نمودم که این رؤیا را تفسیر نمایید شاید که گشاینده‌ی خیری باشد.

خودم را در مسجدی که متعلق به یهودیان بود و آنها در آن عبادت می‌کردند دیدم. یهودیان این مسجد را تبدیل به معبدی برای خود کرده بودند ولی با این حال به مسلمانان اجازه می‌دادند در آن نماز بخوانند. خودم را دیدم که در آنجا نماز جمعه می‌خواندم و سخنران هم خطبه می‌خواند ولی پس از این که کارمان تمام شد و نماز خواندیم، آنها وارد محراب شدند و خطبه‌ای با حضور خاخام خواندند که در آن از مظلومیت یهود در این کشور یعنی مراکش، سخن گفتند. خاخام کراماتی برای مردم ظاهر می‌کرد ولی هیچ کس به جز پیروانش او را تأیید و تصدیق نمی‌کردند. سپس از مسجد خارج شدم و دیدم که بعضی از

کارگزاران مسلمان قسمت‌هایی از مسجد را تعمیر می‌کنند. یهودی‌ها بیرون آمدند و جنگ سختی با آنها کردند که در آن شمشیرها و سوارکاران به کار گرفته شد. یهودیان به مسجد برگشتند تا پیروزی‌شان را جشن بگیرند.

این خواب من بود و خواهش می‌کنم آن را به سید احمد الحسن برسانید تا او برایم تفسیر کند.

فرستنده: محمد ابوبهاء - مراکش

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! یهودیان جمعه نماز نمی‌خوانند آن‌گونه که در خواب شما بوده است، و شما این مطلب را می‌دانی. منظور از یهود در این زمان، گروهی از مسلمانان سنی و شیعه و به‌خصوص شیعیان شبیه به یهود در زمان بعثت حضرت عیسی علیه السلام هستند زیرا یهودیان، منتظر عیسی علیه السلام بودند ولی وقتی آمد به او کفر ورزیدند. مسلمانان و به‌خصوص شیعیان، منتظر مهدی علیه السلام هستند ولی وقتی امروز به‌سویشان آمد به او کافر شدند، با این وجود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام نسبت به او سفارش کرده، او را نام برده و خودش و روزگارش را توصیف کرده‌اند؛ و با وجودی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام مسلمانان را به گرویدن به او و یاری کردنش تشویق نموده‌اند.

در خصوص نبرد با شمشیرها و تسلیحات جنگی، اشاره‌ای دارد به مناظرات و مباحثات عقیدتی. در این رؤیا، مسلمانان اشاره‌ای است به اهل حق از پیروان دین حق الهی که «فرقه‌ی ناجیه» (گروه نجات‌یافته) هستند و از حجت خدا در زمانشان پیروی می‌کنند.

این رؤیا در واقع رویدادهایی است که جلو و پیش روی شما اتفاق می‌افتد و شما فقط به مقدار کمی توجه و دقت نیاز داری تا آن را تمییز دهی و بشناسی. این رؤیا اخبار غیبی از جانب خدا برای شماست. خداوند توفیقت دهد!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۱۷:

در خواب دیدم که در زمینی واقع در خارج از شهر، قرآن می‌خواندم که ناگهان نوری در آسمان درخشید. من ترسیدم چون چیزی غیرطبیعی و خوفناک بود. لحظاتی بعد خطوط نورانی تبدیل به کلماتی

شد. من از آن‌ها اسم حضرت محمد ﷺ و علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و بسیاری از آل البيت (علیهم السلام) و اصحاب پیامبر ﷺ را توانستم بخوانم. حتی در آن اسم عمر و ابوبکر و بلال و افراد زیاد دیگری هم بود. این اسامی آسمان را پر کرده بود. ناگهان مادرم مرا از خواب بیدار کرد.

تفسیر این رؤیا چیست، خداوند به شما جزای خیر عطا فرماید! در ضمن متذکر می‌شوم در روز دوشنبه این خواب را دیده‌ام.

فرستنده: نور - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. این رؤیا به معنای وجود رسالت و پیامی جدید از آسمان است، که کاملاً مشابه رسالت حضرت محمد ﷺ و رسالات الهی پیشین می‌باشد، و این رسالت مهدی (علیه السلام) است.

نور هم به معنای نور هدایت از آسمان یعنی پیام و رسالت الهی است. اسامی هم عبارت از کسانی است که در آن رسالت هستند. این رسالت همانند دیگر رسالت‌های پیش‌تر از آن است. همان‌طور که با پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ اصحاب و اهل‌بیت (علیهم السلام) بودند و از زمره‌ی آن‌ها کسانی بودند که به او ایمان آوردند و کسانی که با حضرت مخالفت ورزیدند و برخی نیز پس از او یا به هنگام رسالتش، نفاق پیشه نمودند، در مورد رسالت مهدی (علیه السلام) نیز همین‌گونه است. همان‌طور که با موسی (علیه السلام) سامری بود، و با عیسی (علیه السلام) یهودا، با حضرت محمد ﷺ نیز شبیه سامری و یاران او بودند. با مهدی (علیه السلام) نیز کسانی همچون سامری و یاران او هستند، ﴿سنة الله ولن تجد لسنة الله تبديلاً﴾^(۱) (سنت خداوند است و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت).

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۱۸:

سرورم! من در خواب، یکی از نزدیکانم - پسر عموی پدرم - را دیدم و گویی با او ایستاده بودم و دو ازدها که به هم چسبیده بودند به ما نزدیک شدند. یکی از آن‌ها سرش را جلو می‌گرفت و از آن یکی پیشی می‌گرفت و گویی من می‌دانستم که این دو به این صورت نگه داشته نمی‌شوند و باید از آن‌ها پناه گرفت و

بر حذر بود. ناگهان مرا غافلگیر کرد و این دو اژدها را روی من انداخت. یکی از آن‌ها قسمت‌هایی از انگشت شست مرا گاز گرفت و دو سوراخ در انگشتم به وجود آورد و بالای این دو سوراخ که جای دندان دو اژدها بود، رد خون باقی مانده بود. تفسیر آن چیست؟ خداوند توفیقتان دهد!

فرستنده: عامر العامری - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
اژدها، دشمن است و از آنجا که او تو را نیش زده است یعنی باعث اذیت و آزار شما می‌شود. این دشمن از طریق شخصی که در خواب دیده‌ای به سراغ شما می‌آید.
والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۱۹:

شب‌به‌خیر. دو ماه قبل در خواب دیدم که در مسیری راه می‌رفتم و ناگهان مقابل یک مرد که به من می‌گفت: «از خوابت بیدار شو ای دیما» ایستادم. او بازویم را گرفت و مرا تکان داد. متذکر می‌شوم که تمام خانواده‌ی من سنی هستند ولی من با ادیان، قانع و مجاب نمی‌شوم. از یکی از دوستانم پرسیدم و او گفت این هشدار است برای تو در خصوص راهی که آن را می‌پیمایی. این خواب دو بار برایم تکرار شد و در هر دفعه (آن مرد) پیامی برایم می‌آورد و می‌گوید این را بگیر و ابلاغ کن. من پیام را جلوی او پاره می‌کنم و از ترس او با وحشت از خواب بیدار می‌شوم. اکنون شروع به قرائت قرآن کرده‌ام و قانع شده‌ام که این یک معجزه‌ی الهی است و هر آیه مرا بیشتر از آیه‌ی قبلی به گریه وادار می‌دارد.

ولی صبح امروز خودم را در ماه دیدم، وحشت کردم و هراسان شدم. زن زیبایی دستم را گرفت و چند نفر را به من معرفی کرد و به من گفت: این‌ها قوم تو هستند، این‌ها قوم تو هستند، این‌ها قوم تو هستند، پیام را بین این‌ها منتشر کن. آیا این دلیلی است بر این که من با مهدی علیه السلام ارتباطی دارم؟

فرستنده: دیما - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

ماه، همان وصی مهدی (علیه السلام) از آل محمد (علیهم السلام) است، و معنای رؤیای شما این است که آری، شما را با دعوت مهدی (علیه السلام) و تبلیغ آن کاری است. این در صورتی است که شما این امر را انتخاب کنید. این خواب بشارتی برای شما و تشویق و ترغیبی از سوی خدا برای شما جهت عمل در راه خدا و در راه مهدی (علیه السلام) است.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۰:

خودم را می بینم که دائماً در آب مشغول شنا هستم، گاهی در آب دریا و گاهی اوقات در استخر. فرستنده: زهرا اسدی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. شنا کردن در آب پاکیزه و خالص و با آسودگی، یعنی قرائت و فراگیری علم حق الهی. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۱:

سلام بر امام و آل البيت (علیهم السلام)

سرورم! پس از آن که دو رکعت نماز شب خواندم و این آیه را قرائت کردم: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾^(۱) (جز این نیست که دوست شما خداست...)، رؤیایی دیدم. در خواب دیدم که در جای تاریکی بودم. ناگهان نوری ظاهر شد و شنیدم کسی می گفت: این امام است، از او پیروی کن. خواستم به او ملحق شوم ولی او با فاصله‌ی زیادی از من می رفت و من با وجود خستگی، تلاش می کردم و او را ندا می دادم. او ناگهان کنار یک باغ سرسبز ایستاد و لبخند زد. سپس از خواب بیدار شدم... تفسیر آن چیست؟

فرستنده: منال - یمن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیا واضح است؛ شما به مهدی علیه السلام از آل محمد علیه السلام که نوری است در ظلمات این دنیا رسیده‌ای. باغ سرسبز هم کتاب‌ها و علمی است که مهدی علیه السلام آشکار می‌سازد، که در خصوص شما عبارت است از همان سایت الکترونیکی که وارد آن شده‌ای و کتب و علم را در آن یافته‌ای. خداوند شما را به هر خیری توفیق دهد و تسدید فرماید!
 والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

سرور و مولایم، السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.
 مایلم تفسیر خوابی را بدانم که وقتی در مشهد مقدس بودم دیده‌ام: در ابتدا امام احمدالحسن علیه السلام پرچمی در دستش داشت که روی آن نوشته شده بود «یا من لا یعبد احد سواه» (ای کسی که جز او کس دیگری پرستش نمی‌شود). کنار او نیز چهار تن از انصار بودند که پرچم‌هایی که رویشان «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان حسین) نوشته شده بود حمل می‌کردند. از چهره‌ی این افراد یک نور بسیار قوی خارج می‌شد. پشت سر این‌ها، باقی انصار و همچنین زنان انصار بودند که آن‌ها نیز پرچم‌هایی که در داخلش «هو» نوشته بود حمل می‌کردند. ما راه می‌رفتیم و مردم اطراف‌مان، ما را تماشا می‌کردند تا این که به بیابان رسیدیم. یک مرد زشت‌رو که عمامه داشت و عصبانی بود ولی نمی‌دانم چه کسی بود، جلوی ما آمد. رؤیا تمام شد.
 با تشکر.

فرستنده: زهرا - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است؛ شما انصار، بیانگر حق هستید و بر حق گواهی می‌دهید ان شاء الله، و با دجال که خداوند خوارش کند، رویارو می‌شوید. او کسی است که به اسم دین می‌آید و عمامه به سر می‌کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

سرور و مولایم، السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مایلم تفسیر خوابی را بدانم که وقتی در مشهد مقدس بودم دیده‌ام: در ابتدا امام احمدالحسن (علیه السلام) پرچمی در دستش داشت که روی آن نوشته شده بود «یا من لایعبد احد سواه» (ای کسی که جز او کس دیگری پرستش نمی‌شود). کنار او نیز چهار تن از انصار بودند که پرچم‌هایی که رویشان «یا لثارات الحسین» (ای خون‌خواهان حسین) نوشته شده بود حمل می‌کردند. از چهره‌ی این افراد یک نور بسیار قوی خارج می‌شد. پشت سر این‌ها، باقی انصار و همچنین زنان انصار بودند که آن‌ها نیز پرچم‌هایی که در داخلش «هو» نوشته بود حمل می‌کردند. ما راه می‌رفتیم و مردم اطراف‌مان، ما را تماشا می‌کردند تا این‌که به بیابان رسیدیم. یک مرد زشت‌رو که عمامه داشت و عصبانی بود ولی نمی‌دانم چه کسی بود، جلوی ما آمد. رؤیا تمام شد. با تشکر.

فرستنده: زهرا - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. از خداوند مسألت دارم که شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است؛ شما انصار، بیان‌گر حق هستید و بر حق گواهی می‌دهید ان‌شاءالله، و با دجال که خداوند خوارش کند، رویارو می‌شوید. او کسی است که به اسم دین می‌آید و عمامه به سر می‌کند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۳:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً. سرور و مولایم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

من به فضل و رحمت خداوند، جزو انصار و پیروان شما هستم. ای مولای من! شما نور خدا در زمینش هستید، از اصلاب نورید و سخنان تان نور است، از شما سخنی می‌خواهم که دلم به آن آرام گیرد و ان شاء الله دلم نورانی گردد.

سؤال دوم: قبل از آن که تسلیم دعوت شما شوم، در عالم رؤیا دیدم که روی تخت به پهلوی راستم دراز کشیده بودم. ناگهان احساس کردم ابلیس که خدا لعنتش کند، پشت سرم ایستاده است ولی من نمی‌توانستم او را ببینم. وی دستش را از پشت وارد سینه‌ام کرد و از جلو بیرون آورد، به طوری که دست آن لعین را حس می‌کردم. در دستش برگه‌ای بود و به من دستور می‌داد که آن برگه را بخوانم. من به شدت مخالفت کردم ولی او خیلی به من فشار آورد و چندین و چندبار به من دستور داد. هر دفعه من قبول نمی‌کردم که برگه را بخوانم. سپس شروع به خواندن آیاتی از قرآن کریم کردم و ناگهان او دستش را بیرون آورد و رفت و با همی این‌ها من چهره‌اش را ندیدم. آیا لطف می‌کنید تفسیر این رؤیا را بیان نمایید؟

سرورم! از شما برای ثابت ماندن قلبم و فرزندان بر دین محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام التماس دعا دارم، آن‌طور که شما به آن رضایت دارید. لطف کنید و جواب امام علیه السلام را به من بدهید.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

فرستنده: ناصر آل محمد - امارات

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است؛ ابلیس - خداوند خوارش کند - سعی کرده است تو را از حق دور کند و از پیروی حق باز بدارد، نه فقط با وسوسه کردن بلکه از طریق لشکرش از انسان‌ها - خداوند خوارشان کند -؛ همان کسانی که به دنبال گمراه کردن مردم‌اند و می‌کوشند با القای شبهات و اشکالات باطل، آن‌ها را از دعوت حق دور کنند؛ ولی شما حق را و علم حق را خواندی و این همان علمی است که در این دعوت و وصیت پیامبر خدا موجود است. خداوند در رؤیا به شما نشان داد که او قرآن است یعنی نظیر قرآن، به این معنا که هدایتی برای شماست و دژی است که شما را از ابلیس و ارتش انس و جن او و از شبهات آن‌ها محافظت می‌نماید. خداوند شما را توفیق دهد و تسدید نماید!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۴:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

استاد ارجمند، رؤیایی دارم و به تفسیری درست و قانع کننده نیاز دارم. خداوند به شما جزای خیر دهد! خواب دیدم گویی بیمار هستم و نمی توانم حرف بزیم و تکان بخورم. بعد از آن دوستانم مرا نزد پزشک بردند و وقتی به آن جا رسیدم در سالن انتظار نشستم و خیلی منتظر شدم. سپس گفتند: بفرما برو به طبقه دوم. وقتی بالا رفتم دکتری را دیدم که چهره‌ای گندم گون داشت و ریش دار بود و دشداشه (لباس عربی) به تن کرده بود. آن جا درمانگاه نبود بلکه سالن بزرگی بود و یکی از صالحین در آن جا جایگاهی داشت. چند دقیقه بعد یک اسب سفید از آن جایگاه بیرون آمد. من جا خوردم و از پزشک سؤال کردم. وی گفت: این اسب در این جایگاه قرار داشته است. سپس پزشک گفت: یک آمپول به شما می زیم تا بتوانی حرف بزنی و راه بروی و از مرض بهبودی پیدا کنی. گفتم: من از آمپول می ترسم. تبسمی کرد و گفت: به شما قرص خواهم داد. من نه می توانستم سخنی بگویم و نه راه بروم و بعد از آن، حرف زدم و راه رفتم و به خانه عزیمت کردم. در راه به یاد دوستانم افتادم و برگشتم و به آنها گفتم: معاینه پزشک چقدر شد؟ گفتند: پنجاه کرون. تعجب کردم چون در اینجا (سوئد) معروف است که حداقل پانصد کرون است و پس از آن رفتم.

الحمد لله رب العالمین.

فرستنده: حسین موسوی - سوئد

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! معنای این که شما بیمار هستی این است که به بیماری روحی دچار هستی، یعنی شما بر هدایت نبوده‌ای و دوستانت شما را نزد پزشک یعنی کسی که شما را با دعوت حق یعنی دعوت مهدی (علیه السلام) آشنا کرده بود، برده‌اند. دارو نیز همان علم و معرفت است. بیمارستان یا جایگاهی که دیده‌ای نیز سائیتی از جمله سایت‌های دعوت تالار گفت و گو (پالتاک) است.

اسب نیز انسان است. نتیجه‌ی رؤیا که شما شفا یافته‌ای این است که شما ان شاء الله به دعوت حق هدایت می شوی و مهدی (علیه السلام) را نصرت می دهی. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد!

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و درود خدا بر برترین خلائق محمد صلی الله علیه و آله و بر خاندان طیب و طاهر او.

روزی از روزها کمی از نماز شب را خواندم و سورهی بقره و دعای امام حسن علیه السلام را نیز خواندم، سپس نافله و نماز صبح را به جا آوردم و خوابیدم. در خواب شخصی را دیدم که عمامه اش را بر سرش می گذاشت که گردش را می پوشاند. از او پرسیدم: آیا تو مهدی علیه السلام هستی؟ به من گفت: آری من مهدی علیه السلام هستم. سپس گفت: شهادت بده. من نیز فوراً شهادت دادم. او جلو رفت و جلوی من نشست و من پشت سر او نشستم و سورهی بقره را می خواندم. در حین تلاوت در مورد برخی آیات شک کردم و من آنجا توقف می کردم و آیه را تکرار کردم ولی درستش را نفهمیدم. تا این که امام علیه السلام کمی از سمت چپ به من التفات نمود و من آیه را به یاد آوردم. از خواب بیدار شدم. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

لطفاً تفسیر را برایم بفرستید. خداوند از جانب من جزای خیر به شما دهد! و درود و سلام بر پیامبران، پیامبر رحمت و بر آل طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین!

والسلام.

فرستنده: ابو عبد الجبار - مراکش

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهدیین و سلم تسليماً.

خداوند در هر کار خیری توفیقت دهد! از خداوند سبحان برایت طلب بهترین خیر و بهشت می نمایم و شرتترین شرها، خشم و آتش را از تو دور نماید. معنای رؤیای شما این است که به فضل خداوند بر تو، شما به حق هدایت می شوی و از انصار مهدی علیه السلام می گردی ان شاء الله؛ اما آن آیات سورهی بقره که در مورد آنها شک داشتی، آیت الکرسی بوده است. از خداوند مسئلت دارم که شما را موفق بدارد و گام هایت را استوار سازد!

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۶:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم یمانى آل محمد ﷺ! السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

چند ماه پیش پدرم رحمته الله به رحمت ایزدی پیوست. وقتی او در حال احتضار بود من دعوت مبارک را بر او مطرح نمودم و او هرچند حال بسیار بدی داشت ولی به من گوش می‌کرد و می‌گفت: این همان حق است، این همان حق است. شکر خدا او به دعوت حق ایمان آورد و غسل توبه نمود. پس از دو روز به رحمت ایزدی پیوست. پس از وفاتش در عالم رؤیا زیاد او را می‌دیدم. از جمله: دیدم بر سفره‌ی غذای سید احمد رحمته الله نشسته‌ام و پدرم و چند تن از انصار هم هستند. پدرم از امام احمد رحمته الله سؤالی پرسید. سید رحمته الله گفت: پناه بر خدا! آن‌گونه که شما فهمیدی نیست بلکه پروردگار تو به کوه (جبل) وحی فرمود و به او گفت چنین و چنان بنویس. پدرم گفت: آقای ما! تو کوه خدا هستی و من کوه علی بن ابی طالب رحمته الله. انصار خندیدند و پدرم گفت: آقای ما! گمان می‌کنی کوه علی بن ابی طالب رحمته الله بین ما باشد و من او را یاری نرسانم، به خدا سوگند هرگز چنین نخواهد بود؛ و منظورش تشبیه سید احمد رحمته الله به کوه علی رحمته الله بود. آیا امکان دارد این رؤیا را برای ما تفسیر بفرمایید؟ خداوند شما را حفظ فرماید و ما را از خادمان و یاری‌گران شما قرار دهد به حق محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد رحمته الله.

در رؤیایی دیگر، خواب دیدم که گویی من قبر پدرم را زیارت می‌کنم و قبر ایشان گویی مقام و زیارت‌گاهی است که مردم آن را زیارت می‌کنند. یک زن نیز بود که حاجتش را می‌نوشت و آن را بر روی قبر می‌انداخت. با خودم گفتم: مستجاب شدن این حاجت به فضل و برکت امام احمد رحمته الله است. عموم کنار قبر بود؛ گریه می‌کرد و می‌گفت: وضع من چگونه می‌شود؛ درحالی که او از مرگ می‌ترسید.

از ولی خدا معذرت می‌خواهم که مطلب را بر شما طول دادیم. لطفاً بر ما لطف کن و با دعا و مغفرت ما را صدقه بده؛ خداوند شما را برترین پاداش عطا نماید و به حق محمد و آل بیت طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین رحمته الله ما را با شما محشور فرماید.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

فرستنده: هلال السویفی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و سپاس خدایی را که به نعمت ایمان بر پدرت منت گذاشت
 و او را میراند و عاقبتش را ختم به خیر نمود. ان شاء الله این رؤیا بشارتی برای شماست به این که او به گرم خدا
 و به لطف گرویدن او (پدرت) به حق و مهدی علیه السلام، در خیر و به سوی خیر است.
 و الحمد لله رب العالمین.
 والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۷:

سرورم! در خواب دیدم که از خواهر یکی از سادات معروف کامجویی می کردم و آن سید با ما ایستاده
 بود. تفسیر شما بر این رویداد چیست؟ از امام یمانی تقاضا می کنم خواب را تفسیر کند. خداوند شما را توفیق
 دهد!

فرستنده: مصطفی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
 و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر خیر آخرت و دنیا موفق بدارد! تأویل این رؤیا آن است که شما از طرف این سید، به
 یک منفعت مادی می رسی.
 والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق.

پرسش ۶۲۸:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
 پس از این که برنامه‌ی «کلمه‌ی سواء» را با استاد عبدالعال و برادر ابو زینب دنبال کردم، در خواب
 شخصی را به روش‌های مختلف ولی با چهره‌ی یکسان دیدم که او به من می گفت: من امام احمدالحسن
 هستم. من حرفش را باور نمی کردم زیرا صورتش را نمی شناختم. شما را به خدا چه کنم؟

فرستنده: ابو عمر الکردی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را توفیق دهد! این رؤیا رحمت الهی بر شما و نور هدایتی است که برای شما درخشیدن گرفته است. بر شما است که گامی به جلو به سمت حقی که برای شما آشکار شده است برداری تا خداوند بر شما تفضل کند و به هدایت بیفزاید. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
 و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۲۹:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿صدق
 الله العلي العظيم (به نام خدای بخشایندهی مهربان* ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است* آن
 بخشایندهی مهربان* آن فرمان‌روای روز جزا (روز دین)* تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم* ما
 را به راه راست هدایت فرما* راه کسانی که ایشان را نعمت داده‌ای، نه خشم‌گرفتگان بر آنها و نه
 گمراهان). راست گفت خدای بلندمرتبه.
 السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

این خواب را قبل از آشنا شدن با دعوت مبارک یمانی دیدم و درضمن متذکر می‌شوم که من تقریباً هر روز
 با همسرم مشاجره و اختلاف داشتم:

در خواب زخم را دیدم که از زنده‌بان بالا می‌رفت و زنده‌بان از جنس چوب بود و رنگ قهوه‌ای داشت، و
 نزدیک بود که به زمین بیفتد. من بالای یک تکه‌ی زمین مسطح در فضا بودم و هیچ‌جای بدنم پیدا نبود
 مگر دست راستم و فقط کف پاهایم. من زخم را ندا می‌دادم که برو بالا ولی او دودل بود که بالا برود یا پایین
 بیاید. لباس او از بالا به رنگ سیاه و از پایین سفید رنگ بود. در خواب مشخص بود که وی می‌خواست
 بالا برود ولی صداهایی از اطرافش می‌آمد که به او می‌گفت نرو یا بالا نرو. برخی از آنها می‌گفتند به
 حرفش گوش نکن و برو بالا. خانم این‌گونه احساس می‌کرد که افرادی کنار من هستند، و نیز این احساس
 را داشت که وی این افراد را که از زنان بودند، به خوبی می‌شناسد. هر وقت یک پله بالا می‌رفت، می‌دید که

پلهی قبلی اش سقوط کرده است و نمی‌تواند پایین برود. من او را تشویق می‌کردم که بالا برود. وقتی نزدیک بود که به نوک برسد، نزدیک بود که پلکان فرو بریزد. من ریسمانی انداختم تا او را با طناب بگیرم، چون می‌خواستم با طناب ببندم زیرا او کارش طول کشیده بود. آنجا صدای یک زنی به گوش می‌رسید که فریاد زنان به من گفت: طناب را به زرده بان بند و برو شاید به آسانی بالا برود. سپس (همسر) به طناب آویخت و کمی از طناب بالا آمد. پس از آن از خواب بیدار شدم.

با تقدیم تشکر و احترام فراوان به شما و انشاءالله این خواب خیر باشد. از طرف خودم و از طرف زخم پناه می‌برم از کلمه‌ی من و از شر نفس امرکننده به بدی‌ها (اماره‌ی بالسوء).
و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته. و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

فرستنده: احمد - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این خواب بشارتی از جانب خدا برای او است به این که شما راه حق را شناخته‌ای و او در بالا رفتن از زرده بان و معرفت حق، از شما پیروی می‌کند؛ ولی اینجا شیاطینی از انس و جن هستند که می‌خواهند وقتی او بالا می‌رود و به حق معرفت می‌یابد، وی را بازدارند. از خداوند برای شما معرفت‌یابی به حق را مسئلت دارم و این که به گرمش بر شما بیفزاید و حال شما را به آنچه که خیر آخرت و دنیا در آن است نکو گرداند. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۰:

السلام علیکم و علی کل من اتبع الهدی.

سلام بر شما و سلام بر هر کس که از پی هدایت قدم نهد.

اما بعد... در خواب دیدم که یک ماشین جوجه‌کشی دارم و در آن تعداد بسیار بسیار زیادی تخم مرغ قرار دارد. تخم مرغ بسیار درشت و بزرگی بود و به تنهایی در ردیف اول ماشین قرار گرفته بود. در خواب می‌دانستم که این تخم مرغ را زمانی طولانی آنجا گذاشته‌ام و شروع به بزرگ شدن کرده بود تا به این اندازه بزرگ رسیده بود. من به آن نگاه می‌کردم که شکست و از آن جوجه‌ای که صورتی زیبا و نیکو داشت خارج

شد و شبیه من بود؛ گویی یک جوجه خروس بود و جوجه مرغ نبود. بسیار خوش‌حالم نمود؛ او را برداشتم و شروع به گردش دور ماشین نمودم. جوانی به طرفم آمد و به من گفت: این تلاش و شادی برای فقط یک جوجه؟ کمی ایستادم و بعد به ماشین نگاه کردم و در این هنگام تمام تخم مرغ‌ها شکستند و تبدیل به جوجه‌هایی شدند که داخل ماشین شروع به حرکت و جست‌وخیز کردند و همه به یک شکل بودند. تعداد آن‌ها را نمی‌توانستم بشمارم، بسیار زیاد بودند. بسیار خوشحال شدم و به جوان گفتم: بیا و به جوجه‌ها نگاه کن.

نمی‌دانم تفسیر آن چیست! متذکر می‌شوم که من ماشین جوجه‌کشی ندارم و مرغ و جوجه نیز ندارم و فقط سال‌ها قبل مرغ و جوجه داشتم.

از شما تقاضا دارم که اگر تفسیر آن بد است در پاسخ‌ها بنویسید، نترس و تقوای خدا پیشه‌نما و اگر تفسیر آن خوب است بعد از اجازه‌ی شما مولایم، آن را بنویسید. از خداوند مسألت دارم در آنچه خیر است، ما را توفیق دهد و هم‌چنین شما را نیز.

فرستنده: خالد - بحرین

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این رؤیا بشارتی است برای شما ان‌شاءالله. از خداوند برای شما حسن عاقبت را مسئلت دارم و این‌که شما را به حق و پیروی از حق هدایت فرماید و برکت‌تان دهد و شما را هدایت‌گر دیگر انسان‌ها به سوی حق گرداند. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۱:

برادر من که فعلاً از انصار است ۱۲ سال پیش خواب دید؛ گویی وی جلوی درب مسجد بوده و نور از آن‌جا بیرون آمده و مسجد را روشن کرده است. نور از پنجره‌های مسجد خارج می‌شد. وی بسیار تعجب کرد و گفت: این چیست، در پاسخ او جواب آمد که: شما از آل یس هستید. چند وقت بعد این خواب به صورتی تکرار شد که گویی شما، آیه‌ی شفا هستی. تعبیر رؤیا چیست؟ یادآور می‌شوم ما از ریشه‌ی (جدّ) چهارم نزدیک به ۱۰۰ سال پیش از هم‌بستگانمان جدا شده‌ایم. تعبیر آن چیست؟ خداوند شما را به نصرت

خود تأیید فرماید!

فرستنده: علی عراقی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را تقاضا دارم. آل یس در آخرالزمان بر کسانی که دعوت حق را یاری می کنند، منطبق می شود که اصحاب مهدی هستند. از خداوند برای برادر شما خیر مسئلت می نمایم و این که خدا او را بر اخلاص ورزی موفق بدارد و او را جزو کسانی قرار دهد که با آنها خلق را هدایت می نماید. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
 و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۲:

در خواب دیدم گویی به همراه گروهی از مردم نماز می خواندم ولی هنگامی که رسیدم، جایی پیدا نکردم. من یکی از افراد حاضر را هل دادم و ایستادم. سپس یک نفر دیگر جایم را تنگ کرد. عموم که یک شیخ حوزوی است بین مردم بود. ناگهان فرد مکبر نماز را برای امام شروع کرد بدون این که ذکر بگوید یا تکبیر اعمال نماز را بیان کند. مردم آشفته شدند. من سعی می کردم در داخل نماز به وسیله تکبیر آنها را متوجه کنم تا درست نماز بخوانند ولی فایده ای نداشت. گویی نماز نزدیک یک پل بود و این مکان شبیه پل شهر سماوه است. لطفاً ما را مطلع گردانید، خداوند شما را پاداش دهد!

موضوع دوم: خواهش می کنم پاسخ صریح و روشنی به آن بدهید. نظر سید که خداوند حفظش کند، به طور خاص درباره ی سید علی سیستانی، محمد سعید حکیم، بشیر پاکستانی، احمد و علی بغدادی چیست؟

برای مذهب، پاینده باشید.

فرستنده: امیر - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را توفیق دهد! این رؤیا صریح است و واقعیت نماز کنونی با فقهای آخرالزمان را به شما نشان می‌دهد؛ و این که در نماز آنها، چیزی از تکبیر و ذکر وجود ندارد، یعنی نمازشان باطل است و خداوند آن را قبول نمی‌کند زیرا آنها از خلیفه‌ی خدا روی برگردانده‌اند؛ این که شما شروع کردی به متوجه ساختن آنها به این معنا است که ان شاء الله خداوند بر شما تفضل می‌فرماید و شما را به حق و پیروی از دعوت حق، هدایت می‌کند و شما از دعوت کنندگان به سوی حق می‌شوی.

اما کسانی که شما درباره‌ی آنها سؤال کرده‌ای، همه‌ی این افراد فراخوان شده‌اند که به این دعوت که دعوت حق است ایمان بیاورند و همان‌طور که امام باقر (علیه السلام) فرموده است، «کسی که از آن روی برگرداند، اهل آتش است».

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۳:

در خواب دیدم که به سر امام علی (علیه السلام) ضربه خورده است. در سمت راست و چپ او امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) قرار داشتند. حضرت سرش را گرفته بود و به من گفت: چنین چیزی برایم مهم نیست. فرستنده: سلام ابراهیمی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
ان شاء الله رؤیای تان برای شما خیر است و حق را برای شما تبیین و تعریف می‌نماید. در رؤیا مراد، امام علی در این زمان است، یعنی وصی امام مهدی (یا مهدی) اول. این که سر او ضربه دیده است، موضوعی است که من چند سال پیش در سخنرانی حج آن را بیان کرده‌ام. شما می‌توانید به سخنرانی مراجعه کنید و آن را گوش دهید. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و به شناخت حق و نصرت آن توفیق دهد!
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۴:

بسم الله الرحمن الرحيم، و الحمد لله رب العالمین

و الصلاة علی المبعوث رحمة للعالمین رسول الله ابی القاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین.

مدت‌ها پیش در عالم رؤیا دیدم که من در جایی بودم که مردانی سیاه‌پوش در آنجا حضور داشتند و با آن‌ها زنانی بودند که به بهترین وجهی که یک فرد مسلمان می‌تواند ببیند، حجاب داشتند. سپس یک سید باهویت که اهل و عیالش نیز با او بودند آمد؛ او آن‌چنان هیبت و وقاری داشتند که نمی‌شد به او خیره شد. سید با ما صحبت کرد و سپس گفت: به پشت سر خود نگاه کنید. یک‌باره با یک هواپیمای سیاه بزرگ و ترسناک مواجه شدیم. سید به ما گفت: سوار شوید. ما سوار هواپیما شدیم. هواپیما پرواز کرد و سید شروع کرد ویژگی‌های هواپیما را برای ما شرح دادن. کمی بعد سه هواپیما به ما نزدیک شد و ما مسافران فهمیدیم که آن‌ها اسرائیلی هستند. سید به ما گفت: نرسید، ان‌شاءالله به ما نمی‌خورند. این هواپیماها به ما موشک زدند ولی به ما نخورد. بعد هواپیماها ناپدید شدند و ما در جایی که انگار بهشت بود فرود آمدیم: چشمه‌سارها و جوی‌های پرآب و مراتع سرسبز و اقامت‌گاه‌ها. ناگهان کسی نزد من آمد و مقدار زیادی ماهی برایم ریخت و به من گفت: بگیر این‌ها برای شما است. سپس به خانها که آن را می‌شناختم رفتم ولی نفهمیدم چطوری در زدم. در باز شد و خواب من به پایان رسید.

یک سری حوادث غیبی برای من اتفاق افتاده است که باعث شده از مردم منزوی‌گردم و آشفته‌خاطر شوم و در انتظار فرج به سر ببرم. آخرین حادثه، چیزی بود که در ماه رمضان و به طور خاص در روزهای آخر این ماه برایم پیش آمد. چیزی اتفاق افتاد که همه‌ی وجودم را لرزاند. این حادثه را به اطلاع تعدادی از مؤمنین در کربلا رساندم، و از آن‌ها فهمیدم که این حادثه برای دیگران نیز اتفاق افتاده است. لذا پس از توکل بر خدا و درود فرستادن بر پیامبر خدا و بر اهل بیت طیب و طاهرش، نیت کردم که به شما نامه بنویسم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

آیا می‌توانید مرا از (تفسیر) رویداد اخیر مطلع کنید تا دلم آرام گیرد؟

فرستنده: خلدون باقر . سؤند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این رؤیا بشارتی الهی برای شما در ظهور حق و ظهور مهدی آل محمد است. او شما را به حق فرا می‌خواند. از خداوند برای شما مسئلت دارم که به دعوت حق پیوندی و حق را یاری دهی. هواپیما نماد فرج است و ان‌شاءالله هواپیما به مقصد می‌رسد. علی‌رغم وجود تلاش‌های

دشمنان خدا که می‌کوشند نور خدا را خاموش کنند، خداوند نور خود را به کمال می‌رساند و او ارحم الراحمین است.

اما این که درخواست چیزی کرده‌ای که شما را بر پیروی از حق ملزم و مجبور کند، این صحیح نیست، خداوند توفیقت دهد؛ زیرا ایمان الزاماً باید با مقداری از غیب همراه باشد، و پیشتر خداوند با رؤیا یک دلیل غیبی به شما ارائه کرده است. شما باید گامی به سمت حق برداری تا خداوند به کرم خود بر شما بیفزاید و به آنچه که دلت به آن آرام می‌گیرد بر شما منت نهد. از همان ابتدا نمی‌شود امتحان غیبی منتفی گردد زیرا در این صورت پذیرفتن (ایمان) صد در صد مادی خواهد شد و این اجبار به ایمان آوردن است، و چنین چیزی تفاوتی با ایمان فرعون ندارد، آن‌گاه که معجزه‌ی قاهره آمد و خداوند ایمان او را نپذیرفت.

خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ* آلَانَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ* فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لَتُنَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾^(۱) (ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. فرعون و لشکریانش به قصد ستم و تعدی به تعقیب‌شان پرداختند. چون فرعون غرق می‌شد، گفت: ایمان آوردم که هیچ خداوندی جز آن که بنی اسرائیل به آن ایمان آورده‌اند نیست، و من از تسلیم شدگانم* آیا اکنون؟! در حالی که تو پیش از این عصیان می‌کردی و از مفسدان بودی!* امروز جسم تو را به بلندی می‌افکنیم تا برای پس از تو عبرتی باشی، و حال آن که بسیاری از مردم از آیات ما غافلند).

شما می‌توانی تفسیر این آیات را در کتاب «تفسیر آیه‌ای از سوره‌ی یونس» بخوانی. این کتاب در سایت انصار امام المهدی (علیه‌السلام) منتشر شده است، شاید خداوند شما را به آن بهره‌مند سازد. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایت را به آن‌چه که مورد رضایت او است، استوار سازد! و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و عجل فرجهم يا كريم.

السلام عليكم و رحمة الله و برکاته....

من در امر سید احمد الحسن (علیه السلام) ترسان و سرگردان بودم، و هنگامی که مرا ارشاد کرد و هدایتی از جانب خدا به من رسید، باعث شد که به حقیقت امر و واقعیت موضوع برسیم. یکی از انصار شما مرا بر این امر مطلع گردانید و آن گاه زمین با همی فراخی اش بر من تنگ شد. من ارتباط زیادی با علما داشتم و علاقه مند بودم که به سخنان آن ها گوش کنم. هنگامی که واقعیت امر را دریافتم، روحم سرگردان شد و راه را گم کردم و حس کردم که در این هستی نابکار، گم شده‌ام؛ ولی تمسک من به اهل بیت مرا به حقیقت رساند. در آن هنگام نیت کرده بودم که پس از رمضان روزه بگیرم و نماز استغاثه بخوانم ولی ترس بزرگی به سراغم آمد و افکار و اندیشه‌های من از حرکت بازایستاد. من در امر سید فکر می‌کردم و پیش خود می‌ترسیدم، چرا که اگر خانواده‌ام می‌دانستند، مرا می‌کشتند، زیرا آن‌ها این کار را سرپیچی از علما به حساب می‌آورند. افکارم در حرکت و چرخش بود که چطور با کسی که با علما است ازدواج کنم در حالی که حرکت من با سید را کند می‌سازد. من از نظر نفسانی همه‌جوره سرگردان بودم و چیزی هم نمی‌خواستم جز این که به حقیقت موضوع برسیم و دلم آرام گیرد. در آن حال خوابیدم و در رؤیا دیدم که گویی خانواده‌ام در یک طرف بودند و سید احمد الحسن را دیدم ولی چهره‌اش را ندیدم و همراه او عده‌ی زیادی بودند. با خانواده‌ام نیز افراد زیادی بودند که آن‌ها را نمی‌شناختم و از هم تشخیص نمی‌دادم. من در وسط قرار داشتم و بسیار می‌ترسیدم بین انتخاب میان خانواده‌ام و این که به سید ملحق شوم. پس از ترس، امام مهدی (علیه السلام) را دیدم که کلامی بر زبان راند که اکنون به یاد ندارم و از حافظه‌ام پاک شده است. من بسیار دل‌آرام شدم و دانستم که من بر حق هستم، و با سید احمد الحسن (علیه السلام) رهسپار شدم. هنگامی که با آن‌ها به راه افتادم، آرزو کردم که ای کاش خانواده‌ام با من بودند ولی آن‌ها با من نبودند و من از آن‌ها می‌ترسیدم اما وقتی با انصار سید همراه شدم، دلم آرامش و اطمینان یافت.

تذکر: یادآور می‌شوم که من سه روز را روزه نگرفتم و نماز استغاثه به فاطمه زهرا (علیها السلام) را نیز به جا نیاوردم.

آیا اکنون من از انصار و موالی شما و با امام مهدی (علیه السلام) هستم؟

از خداوند مسئلت دارم که مرا شوهری از انصار صاحب عصر و زمان و نیز فرزندان شایسته که امام مهدی (علیه السلام) را یاری کنند، روزی ام گرداند و مرا بر حق ثابت بدارد مادام که زنده‌ام و بر زندگی محمد و آل محمد زندگی کنم و بر ممت محمد و آل محمد (علیهم السلام) بمیرم.

از خداوند هدایت می‌طلبیم، که به حقیقت موضوع برسیم و مرا با انصار امام مهدی (علیه السلام) ثابت قدم بدارد. دعای امانت را از شما مسئلت دارم. همواره در پناه بقیه الله الاعظم حجت بن الحسن المهدی (علیه السلام) محفوظ باشید.

فرستنده: حزن فاطمه - بحرین

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! سپاس خدایی را که با این رؤیا بر شما منت نهاد، و ایمان به حق
 و پیروی از حق را در زمانی که یاری‌گران حق اندک شمارند، روزی شما گردانید. از خداوند مسئلت دارم که
 از گرم خودش بر شما بیفزاید و شما را بر حق ثابت بدارد. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
 و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۶:

بسم الله الرحمن الرحيم السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

سرورم! تفسیر رؤیایم را تقاضا دارم و ان شاء الله که خیر است: خواب دیدم که من سر سفره‌ی امام حسین
 (علیه السلام) هستم و آنجا مکان بسیار شلوغی بود و مردم زیادی حضور داشتند. خوراکی‌های زیادی آنجا وجود
 داشت که لقیما (نوعی شیرینی عربی)، برنج، گوشت بریانی، سیب‌زمینی و خیلی چیزهای فراوان دیگر
 بود. وقتی خوراکی برایم آوردند، دستم فقط گوشت بریانی را گرفت و گویی خواهرم به من زنگ زد تا از جایم
 پرس‌وجو کند. به او گفتم: من سر سفره‌ی سرور و مولایم اباعبدالله (علیه السلام) هستم. پس از آن از خوابم بیدار
 شدم.

و الحمد لله رب العالمين.

سرورم! تفسیر رؤیایم چیست؟

با تقدیم تحیت و احترام به شخص شما.

فرستنده: عبیر - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 غذا، همان علم و معرفت است و سفره‌ی امام حسین (علیه السلام) یعنی علم اهل بیت (علیهم السلام)؛ یعنی شما در نشر
 علمی که مهدی اول آورده است شرکت می‌جویی. حسین (علیه السلام) در این زمان همان کسی است که نماد حسین

علیه السلام است و او مهدی اول از آل محمد علیهم السلام می باشد. این رؤیا بر شما گوارا باد! و از خداوند ثبات بر حق را برای شما مسئلت می نمایم.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۷:

در رؤیا.... می خواستم اهل بیت علیهم السلام را زیارت کنم. وارد شدم و ضریح کسی را که نمی دانستم کیست زیارت کردم. در حالی که طواف می کردم، از یکی از حاضران پرسیدم، او به من گفت: زیارت می کنی ولی او را نمی شناسی؟! نه نمی شناسم. به من گفت: این ضریح سیده فاطمه زهرا علیها السلام است. زیارت کردم و زیارت را تکمیل نمودم و از آنجا بیرون آمدم ولی صحن، حصار و دیوار نداشت و افرادی آنجا بودند که لباس های سیاه به تن داشتند و نیز مردانی بودند که برای زائرین غذا می پختند. آنها به من گفتند: اگر حاجتی داری، حاجتت را بخواه. اندوهگین برخاستم و حاجتم را طلب کردم. تفسیر آن چیست؟ هزار درود بر شما! در ماه رمضان امسال اعمال شب مبارک قدر شب بیست و سوم را به جا آوردم. در رؤیا.... گویی در یک مکان عمومی ایستاده بودم و گویی مناسبتی یا برنامه ای توزیع جوایز بین مردم برقرار بود. صدای مردی که چهره اش را نمی دیدم، شنیدم که با صدای بلند مرا به اسمم صدا کرد و گفت: شما حواله یا بلیط سفر به حج و عمره بیت الله الحرام را برنده شده ای. تا اینجا خواب تمام شد.

رؤیای دوم: در رمضان امسال که گذشت، گویی من دم در ایستاده بودم و جلویم سه پله بود که انگار می خواستم پایین بروم و به همراه مردمی که طواف می کردند، وارد کعبه شریف شوم. رؤیا خاتمه یافت. سرورم! خداوند جزای خیر به شما دهد و شما را محافظت فرماید.

فرستنده: بشری - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای اولی شما در خصوص زیارت فاطمه علیها السلام، این مطلب را به شما می شناساند که ضریح فاطمه زهرا علیها السلام برای مردم آشکار شده و موضع آن شناخته شده است. من این موضوع را چند سال قبل بیان نمودم و مکان ضریح فاطمه زهرا علیها السلام را مشخص ساختم. این که قبر را زیارت کرده ای، ان شاء الله بشارت خیری برای شما است و به خواست خدا شما به نصرت حق و پیروی

از حقی که این دعوت آن را آورده است موفق می‌گردی. خداوند توفیقت دهد!

رؤیای دوم شما مبنی بر این که شما بلیط سفر حج برنده شدی، ان شاءالله بشارتی است برای شما در پیروی از این دعوت که همان دعوت حق است؛ چرا که حج یعنی پیروی از خلیفه‌ی خدا در زمینش.

اما رؤیای شما که در آن می‌خواستی وارد کعبه شوی، به این مفهوم است که شما می‌خواهید به خلیفه‌ی خدا در زمینش بگروی که او کعبه‌ی حقیقی است؛ و ائمه (علیهم‌السلام) این مطلب را تبیین نموده‌اند. او اکنون همان کسی است که به حق و پیروی از حق شما را می‌خواند. از خداوند پیروی از حق و یاری رساندن آن و ثبات بر حق را برای شما مسئلت دارم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۸:

سلام بر سرور و مولایم، امام احمدالحسن.

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

در روز پنج‌شنبه مصادف با ۱۴/۱۰/۱۴۳۱ دیدم که با برادر و عموم نشسته‌ام و به آن‌ها گفتم: در کشور کویت پیامبری وجود ندارد. آن‌ها به من خندیدند و گفتند: اغلب پیامبران در کویت هستند. تفسیر آن چیست؟

سرور و مولایم، از لطف شما متشکریم.

فرستنده: عدنان . عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

معنای رؤیا این است که در کویت، انصار امام مهدی (علیه‌السلام) وجود دارد و ان شاءالله از بین آن‌ها برخی، اصحاب امام مهدی (علیه‌السلام) هستند.

«و الله وليّ التوفيق» (خداوند دهنده‌ی توفیق است). «هو وليّ و هو يتولّى الصالحين» (او یاور من است و او دوست شایستگان است).

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

بخش دوم

پاسخ‌های انصار امام مهدی علیه السلام

پرسش ۶۳۹:

بسم الله الاعظم

السلام عليكم... سلام بر سید احمد الحسن.

سؤال من: فرج چه هنگام است!؟

فرستنده: حسین التیمی . عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم... الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته.

برادرم، این سؤال شمارا امام صادق عليه السلام در پاسخ به کسی که از فراوان بودن شیعه سؤال کرده بود، جواب داده است. امام عليه السلام فرمود: «أما لو كملت العدة الموصوفة ثلاثمائة و بضعة عشر كان الذي تريدون...»^(۱) (هنگامی که عده‌ی (یاران) تعیین شده یعنی سیصد و اندی نفر تکمیل شود، آن چه دوست دارید (فرج و ظهور) محقق خواهد شد...). امام صادق عليه السلام به بیان ویژگی‌های شیعیان حقیقی می‌پردازد و ما از آن درمی‌یابیم فرجی که بشریت منتظر آن است، با تکمیل عده و یاران محقق می‌گردد و این تکمیل شدن، فقط کامل شدن مادی نیست بلکه مهم‌تر از کامل شدن مادی، کامل شدن روحی و معرفتی است؛ به این معنا که آمادگی آن افراد همان معرفت و شناخت آن‌ها نسبت به توحید و عمل به آن طبق چیزی که خدای سبحان اراده فرموده است، می‌باشد. بر این اساس، امتی که علامت حاصل شدن فرج است، در واقع کسانی هستند که غایت الهی در خلق را تحقق می‌بخشند به این صورت که انسان تصویری باشد که اخلاق خدای سبحان را منعکس می‌گرداند؛ بعثت پیامبران، مرسلین و اوصیاء برای رسیدن به این هدف عظیم بوده است. و الحمد لله وحده وحده وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی عليه السلام

(خداوند در زمین تمکینش دهد)

استاد زکی الانصاری

۲۶/ربیع الاول/۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۶۴۰: سلام من الله العزيز الحكيم.

و بعد... جوانان از حضرت عالی بسیار سخن می‌گویند و با گذشت زمان از برخی بزرگان مذهب کسانی که برای ما فتوا صادر می‌کنند چیزهایی بیان می‌دارند که ما از تفسیر و تاویل آن ناتوانیم. من عالم یا خطیبی که ذکری از شما بگویم، نمی‌یابم... من جوانی هستم که در عصر جهانی شدن و عصر فتنه‌ها زندگی می‌کنم و از خداوند می‌خواهم به محمد ﷺ و آل محمد ﷺ مرا از آن نجات دهد و حفظ کند؛ من عالم نیستم تا بتوانم کسی را بر کس دیگری تزکیه کنم و برتری دهم. ولی از جمله موارد معروفی که وجود دارد این است که اولین گردن‌هایی که قطع می‌شود، گردن علما است و البته نه همه‌ی آن‌ها. زیرا کسی که نپذیرد، فاسد می‌شود. اما چه دلیلی برای اثبات این مطلب وجود دارد که تو همان یمانی مهدی هستی که در وصیت حضرت محمد ﷺ ذکر شده است؟ و معجزه‌ی شما چیست؟ و رویکرد شما چگونه است؟ و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: احمد مهنا - کویت

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه و على عظيم نعمائه و صل الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا.

در روایت مقدس چنین آمده است: «... یا ابالحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. و پیامبر خدا ﷺ وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی ﷺ هستند، یا علی تو نخستین دوازده امام هستی...» و سپس حدیث را ادامه می‌دهد تا آن جا که فرمود: و حسن ﷺ آن را به فرزندش، محمد، مستحفظ از آل محمد ﷺ تسلیم کند و ایشان دوازده امام می‌باشند و سپس دوازده مهدی ﷺ بعد از او می‌باشد. پس اگر وقت وفاتش رسید، خلافت را به فرزندش نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورنده گان می‌باشد»^(۱).

بنابراین احمد همان پسر امام مهدی ﷺ و وصی او و اولین ایمان آورنده گان به او است. این که احمد اولین ایمان آورنده به او است مستلزم آن است که وی در زمان ظهور، حضورش موجود و ایمان او به امام مهدی ﷺ قبل از ایمان ۳۱۳ اصحاب او باشد.

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود؛ درست مانند دانه‌های تسبیح یکی پس از دیگری خواهند آمد. به هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. وای به حال کسی که با آنها درافتد. پرچمی از پرچم یمانی هدایت یافته تر نیست. پرچم هدایت، همان است زیرا او مردم را به صاحب‌تان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح بر مردم و بر هر مسلمانی حرام می‌شود. هنگامی که یمانی خروج کرد به سوی او به پاخیز چرا که پرچم او پرچم هدایت است و روی‌گردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است چرا که یمانی به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند»^(۱). در این مطلب تامل کن: «روی‌گردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است». این به معنی آن است که یمانی، صاحب ولایت الهی است. نمی‌شود شخصی بر مردم حجت باشد به گونه‌ای که روی‌گردانی آنها از او، ایشان را به جهنم وارد کند حتی اگر نماز بخوانند و روزه بگیرند، مگر این که آن شخص از جانشینان خدا بر زمینش باشد؛ اینها اصحاب ولایت الهی از انبیاء و فرستادگان و ائمه و مهدیین (علیهم السلام) می‌باشند.

از ابوعبدالله امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «خداوند شرم ندارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا نیست، حتی اگر کارهای آنها نیکو و پاکیزه باشد، و خداوند شرم دارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا است، حتی اگر کارهای آنها ستم‌گرانه و گنه‌کارانه باشد»^(۲). در همان صفحه از کتاب کافی روایات دیگری در همین معنا وجود دارد.

مادام که نافرمانی نسبت به یمانی، آتش را به دنبال داشته‌باشد، یعنی او امامی عادل از جانب خداوند متعال است.

«زیرا او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند». فراخواندن به حق و راه مستقیم یا صراط مستقیم، به این معنا است که از این شخص خطا و اشتباهی سر نمی‌زند تا با آن مردم را به باطل درآورد یا از حق خارج گرداند؛ یعنی وی معصوم و بر عصمت او نص وارد شده است؛ و به این معنا، این قید یا محدودیت، در مشخص شدن شخصیت یمانی قابل قبول است. در نظر گرفتن هر معنای دیگری برای این سخن «او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند»، این کلام را بی‌فایده می‌کند زیرا در این صورت، برای شخصیت یمانی، حد و قیدی باقی نمی‌ماند و این از ساحت آنها به دور است!

۱- غیبت نعمانی: ص ۲۶۲؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲؛ معجم احادیث الامام مهدی (علیه السلام): ج ۳ ص ۲۵۵.

۲- کافی: ج ۱ ص ۳۷۶.

آیات قرآن بر این معنا تاکید ورزیده‌اند: ﴿قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ* يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَ آمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُجْزِيَكُمْ مِّنْ عَذَابِ آلِيمٍ﴾^(۱). (گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید* ای قوم ما، این دعوت کننده به خدا را پاسخ گوید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان تان را بپامرد و شمارا از عذابی دردآور در امان دارد).

اکنون بر ما روشن شد که یمانی حجتی است که عصمت او منصوص می‌باشد (دارای نص می‌باشد)، و حجت‌ها به وسیله‌ی روایت وصیت که پیشتر ذکر شد، به‌ما معرفی و شناسانده می‌شوند که آن‌ها دوازده امام و دوازده مهدی هستند، و یمانی زمینه‌ساز امام مهدی علیه السلام است. این مطلب که وی فرزندش، احمد است و نیز برخی دلایل دیگر بر این حقیقت را می‌توانی در کتاب‌های انصار_ خداوند حفظشان کند_ بیابی.

برای این که مطمئن شوی که سید احمد الحسن علیه السلام همان یمانی و همان وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام است، به این روایت دقت کن: محمد بن فضل از امام رضا علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کرده است که: «حضرت علیه السلام در بصره در مجلس بزرگی از علما که در میان آن‌ها جاثلیق انصاری و راس جالوت بودند، حاضر شد. امام رضا علیه السلام رو به جاثلیق کردند و فرمود: آیا انجیل بر نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دلالتی نیاورده است؟ جاثلیق گفت: اگر دلالت می‌آورد ما منکر آن نمی‌شدیم. حضرت فرمود: از السکته در سفر سوم که شما می‌دانی مرا خبرده. جاثلیق گفت: نامی از نام‌های خدا می‌باشد و برای ما جایز نیست آنرا آشکار کنیم. امام رضا علیه السلام فرمود: اگر از شما اقرار گرفتیم که این، نام محمد است... و پس از آن که امام علیه السلام آن‌چه را که در انجیل و تورات درباره‌ی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمده بیان نمود، آن دو_ یعنی جاثلیق و راس جالوت_ گفتند: به خدا سوگند او چیزهایی بر ما عرضه کرد که امکان رد کردن یا پاسخ‌دادن به آن وجود نداشت مگر با انکار و رد انجیل و تورات و زبور، موسی و عیسی علیه السلام همگی به او اقرار کردند ولی ما نمی‌توانیم به صحت آن اقرار کنیم که این محمد شما همان محمد مذکور در کتاب‌ها است؛ ما نمی‌توانیم این‌گونه اقرار کنیم و شک داریم که این محمد شما همان محمد است. «حضرت فرمودند: با شک و تردید بر من احتجاج کردید. آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم علیه السلام تا این لحظه پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟ پس در پاسخ درماندند... الخ»^(۲).

وجه استدلال به این روایت: امام رضا علیه السلام بر جاثلیق انصاری و راس جالوت یهودی بر این که نبوت

۱- احقاف: ۳۰ و ۳۱.

۲- بحار الانوار: ج ۴۹ ص ۷۵.

پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله ثابت شده است محاجه می کند و دلیل آن حضرت علیه السلام بر اثباتش این است که نام شریف پیامبر در کتاب های خود آنها آمده است و حضرت جاهایی که اسم پیامبر صلی الله علیه و آله در آن آمده است را برای آنها بیان می دارد. آنها نیز نزد حضرت اقرار می کنند که درج پیامبری به اسم محمد که در آخر الزمان می آید، موضوعی است که قادر به انکار آن نیستند مگر این که انجیل، تورات و زبور را رد کنند. لیکن آنها با وجود چنین اقرار و اعترافی، در این که مقصود، همان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است شک و تردید رومی دارند؛ یعنی آنها مفهوم را می پذیرند ولی در مصداق، شک و گمان می ورزند؛ آنها می گویند نمی توانند صرفاً به این دلیل که اسم پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله، «محمد» است، به او اقرار کنند.

در اینجا امام رضا علیه السلام با عبارت «**با شک و تردید بر من احتجاج کردید**» پاسخ آنها را می دهد، یعنی شما دلیل ایجابی ندارید و دلیل شما صرفاً سلبی است. سپس همین دلیل سلبی را نیز بر ایشان بی اثر می سازد، با این سخن خود که فرمود: «**آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم علیه السلام تا این لحظه، پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟**» و آنها از جواب درمی مانند و شبهات واهی شان نقش بر آب می شود.

امام رضا علیه السلام به عبارتی دیگر به آنها می گوید تاریخ را از زمان آدم علیه السلام تا امروز بررسی کنید؛ آیا در آن مردی به اسم محمد می یابید که ادعا کرده باشد از جانب خدای متعال مبعوث شده است؟ پس اگر نیافتید _ قطعاً نمی یابید _ چاره ای ندارید جز این که اقرار کنید پیامبر ما صلی الله علیه و آله همان پیامبر مقصود است که در کتاب های شما ذکر او به میان آمده است.

طبیعتاً ما باید همواره این نکته را متذکر شویم که آمدن نام رسول خدا در کتب ادیان الهی سابق، بر سبیل نص بر آن حضرت و وصیت نمودن به او بوده است. ما به ازای احتجاج به وصیت بر پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و روش اثبات برای درستی ادعاکننده که همان هدف مورد نظر است، تکیه بر تاریخ است که شهادت می دهد به غیر از صاحب وصیت مدعی دیگری وجود ندارد. به علاوه می توانیم بُعد مهم دیگری به استدلال امام رضا علیه السلام اضافه کنیم؛ موردی که به روشنی از آن درمی یابیم، زیرا می دانیم احتجاج امام رضا علیه السلام کامل و صحیح و به گونه ای است که نه از پیش روی و نه از پشت سر، باطل به آن راه ندارد؛ چرا که این احتجاج از آن مردی است که سخن از روی هوا نمی گوید و آنچه می گوید جز وحی که (از مبدأ اعلی) به او القاء می شود، نیست.

حال که این مطلب را دانستیم، این پرسش را مطرح می کنیم که: اگر جاثلیق و راس جالوت در پاسخ به امام رضا علیه السلام می گفتند: «آری»، سابقه ندارد کسی ادعا کرده باشد که او همان شخص ذکر شده در کتاب های ما باشد، ولی این مانع نمی شود که شخصی در روزگار بعدی بتواند آنرا ادعا کند.

من می گویم: آیا این پاسخ احتمالی، استدلال امام رضا علیه السلام را بی اثر و بی نتیجه می کرد؟

بیشتر گفتیم که احتجاج امام رضا (علیه السلام) کامل و صحیح است و در این قضیه کسی شک روانی دارد مگر آن که به حقیقت امام رضا (علیه السلام) و به حقیقت امامت جاهل باشد.

از چنین دیدگاهی که اعتقاد تام به درستی احتجاج امام رضا (علیه السلام) دارد، می‌توانیم درکی از احتجاج آن حضرت به دست آوریم به این صورت که حضرت می‌خواسته‌است این حقیقت را بیان نماید که وصیت را فقط و فقط صاحب آن می‌تواند ادعا کند و نه کس دیگر؛ و بر اساس این انگاره، می‌دانیم که جواب احتمالی (فوق) استدلال امام رضا (علیه السلام) را نقض نمی‌کند بلکه در واقع چیزی نیست جز ادامه‌ی منطق تردید بی‌پایه و غیرمستند بر دلیل حقیقی ایجابی.

واقعیت آن است که عقل‌های سلیم ضرورت قطعی حفظ وصایای پیامبران را درک می‌کند، و حتی نص الهی وارد بر آنها، باید از دست کاری جاعلان و مدعیان دروغین محفوظ بماند؛ زیرا فرض وجودداشتن این امکان که جاعل اوصیای انبیاء و حجت‌ها یا نص الهی بر آنها بتواند خود را جا بزند، دروازه‌ی ورود شک و خطر آن در عقل‌ها و قلب‌ها را به‌طور کامل باز می‌کند و آن‌گاه پس از تحقق فرض جعل هویت دروغین— انسان هرگز نمی‌تواند به کسی که مدعی شده‌است من نبی یا وصی هستم اطمینان یابد و به این ترتیب آن حجت نخستین و مستحکم‌تر که به آن احتجاج می‌جویند ساقط می‌شود، و این خلاف فرض است.

ابومحمد انصاری

۲۰۱۰/۴/۵ م

پرسش ۶۴۱:

آیا پیامبر ﷺ غیب می‌داند؟

فرستنده: ابو عبدالعزیز . کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

در صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۲ آمده‌است:

ابوزید (یعنی عمر بن خطاب) می‌گوید: پیامبر ﷺ با ما نماز صبح خواند و بعد به منبر رفت و خطبه خواند تا وقت ظهر شد. از منبر به زیر آمد و نماز خواند سپس به منبر رفت و برای ما خطبه خواند تا زمان عصر فرارسید. سپس پایین آمد و نماز خواند. سپس به بالای منبر رفت و برای ما خطبه خواند تا خورشید غروب کرد. او خبر داد به ما آنچه را که اتفاق افتاده‌است و آنچه را که اتفاق

خواهدافتاد، پس داناترین ما حافظترین ما است... تا انتها.

حذیفه گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله در میان ما به پا خواست و از آنچه که تا روز قیامت اتفاق خواهدافتاد خبرداد. بعضی آنرا حفظ کردند و به خاطر سپردند و برخی آنرا فراموش نمودند. گروهی از اصحاب ما آنرا دانستند و چیزهایی از آنرا فراموش کردم. اما اگر آنرا بینم به یاد می آورم، همان طور که مردی چهره‌ی مرد دیگری را که از او دور شده باشد، وقتی ببیند، به یاد می آورد و می شناسد.

ولی این مطلب آنرا از حدود سخن خداوند متعال خارج نمی گرداند: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا* إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾^(۱). (او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خوشنود باشد). و علم او از غیب، به وسیله‌ی آشکارسازی خداوند از برای او می باشد.

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام.

ابومحمد انصاری

۱۵/شوال/۱۴۳۱ ه. ق

پرسش: ۶۴۲

- ۱- نظر شما درباره‌ی این صحابه «ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیه السلام» چیست؟ کسانی که خداوند از آن‌ها راضی گشت و پیامبر در حالی به رفیق اعلی منتقل شد که از آن‌ها راضی بود.
- ۲- حکم متعه که شیعه آنرا دستاویزی برای دریدن پرده‌ی ناموس مردم قرار داده‌اند، چیست؟
- ۳- حکم خون ریختن در عاشورا و در شریعت اسلامی چیست؟ با توجه به این که واضح است که این نوع حزن پسندیده نیست.
- ۴- سید ما حسن و سید ما حسین علیه السلام، هر دو برادر و فرزندان علی علیه السلام و پسران فاطمه‌ی زهرا علیها السلام هستند و هریک از این دو موضع‌گیری ستیجی دارند. خداوند به وسیله‌ی سید ما حسن علیه السلام امت اسلامی را وحدت بخشید و خدا با او جماعت مسلمین را گردآورد و بین جماعات آن‌ها آشتی برقرار کرد. موضع‌گیری سید ما حسین علیه السلام نیز عظیم و شایسته است ولی چرا برای موضع‌گیری او، مرتب حزن و اندوه می شود و امر سید ما حسن علیه السلام فراموش می گردد؟ و حال آن که به نظر من این کار وی شایسته‌ی برپایی جشن و شادمانی است.
- ۵- چرا به شیعیان سفارش نمی کنی که در نماز در مسجد مسلمانان که همگی سنی و شیعه هستند

یک پارچه حضور یابند؟

فرستنده: صقر البراری

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

۱- آن دسته از صحابی مرضی عنه که به ایمان موصوف‌اند، مورد تایید ما نیز هستند ولی ما باید در مورد تک تک اصحاب تحقیق کنیم و ببینیم آیا او از جمله کسانی است که خدا و مؤمنین از او راضی و خوشنودند. شاید احادیث حوض که بخاری و دیگران روایت کرده‌اند، دلیلی کافی بر این باشد که ما در این خصوص نگران باشیم. برخی از آنها را به شما ارائه می‌کنم: در صحیح بخاری (بخاری ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱ م، انتشارات دار الفکر چاپ استانبول جلد ۵ صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲) آمده‌است:

باب: ﴿و کنت علیهم شهیدا ما دمت فیهم فلما توفیتی کنت انت الرقیب علیهم و انت علی

کل شیء شهید﴾:

پیامبر خدا ﷺ خطبه‌ای خواند و فرمود: «ای مردم، همانا شما پابره‌نه و عریان و ختنه‌نشده در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می‌شوید. سپس فرمود (این آیه را تلاوت نمود): «کما بدانا اول خلق نعیده وعدا علینا انا کنا فاعلین... تا آخر آیه». (و چنان که نخستین بار بیافریدیم، آفرینش از سر بگیریم. این وعده‌ای است که برآوردنش بر عهده‌ی ما است و ما چنان خواهیم کرد). سپس فرمود: «نخستین کسی که روز قیامت پوشانده می‌شود ابراهیم (علیه السلام) است. بدانید به زودی مردانی از امتم آورده می‌شوند که آنها را به طرف جهنم می‌برند. من می‌گویم خدایا اصحابم. در جوابم گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنان بعد از تو چه بدعت‌هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی (علیه السلام)) گفت: «و کنت علیهم شهیدا ما دمت فیهم فلما توفیتی کنت انت الرقیب علیهم». (و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیده‌شان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیده‌شان گشتی). و خطاب می‌شود: آنها بعد از تو همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی‌گشتند.

در صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۹۲ آمده‌است:

باب: آیه «إِنْ تَعَذَّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ إِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»:

پیامبر ﷺ فرمود: «شما محشور می‌شوید و عده‌ای را به طرف شمال (یعنی جهنم) می‌برند. من

سخنی را می گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی (علیه السلام)) گفت: **و کنت علیهم...»**.

در صحیح بخاری ج ۵ ص ۲۴۰ آمده است:

باب: **«کما بدانا اول خلق نعیده وعداً علینا»:**

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خطبه‌ای خواند و فرمود: **«همانا شما پابره‌نه و عریان و ختنه‌نشده در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می‌شوید. سپس فرمود (این آیه را تلاوت نمود): «کما بدانا اول خلق نعیده وعداً علینا انا کنا فاعلین... تا آخر آیه».** (و چنان که نخستین بار بیافریدیم، آفرینش از سر گیریم. این وعده‌ای است که برآوردنش بر عهده‌ی ما است و ما چنان خواهیم کرد). سپس فرمود: **«نخستین کسی که روز قیامت پوشانده می‌شود ابراهیم (علیه السلام) است. بدانید به زودی مردانی از امتم آورده می‌شوند که آن‌ها را به طرف جهنم می‌برند. من می‌گویم خدایا اصحابم. در جوابم گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنان بعد از تو چه بدعت‌هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی (علیه السلام)) گفت: «و کنت علیهم شهیدا ما دمت فیهم فلما توفیتی کنت انت الرقیب علیهم» (و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیده‌شان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیده‌شان گشتی). و خطاب می‌شود: آن‌ها بعد از تو همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی‌گشتند».**

و در صحیح بخاری ج ۷ ص ۲۰۶ آمده است:

باب: درباره‌ی حوض و آیه‌ی: **«انا اعطیناک الکوثر»:**

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: **«صبر پیشه کنید تا مرا در کنار حوض ملاقات کنید. من پیشاپیش شما در حوض هستم. من پیشاپیش شما در حوض هستم و بخشی از شمارا از من جدا می‌کنند و من می‌گویم: خدایا اینها صحابه‌ی من هستند. جواب می‌آید: تو نمی‌دانی که این‌ها بعد از تو چه بدعت‌هایی گذاشتند».**

۲- بکوشید که خودتان انصاف به خرج دهید و از دلیل، پرسش کنید. متعرا خدای متعال تشریح فرمود و در تایید آن قرآن نازل نمود و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن بازداشت تا آن‌گاه که عمر به‌رای خودش درباره‌ی آن اظهار نظر کرد؛ عمر نه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و نه حجتی از حجج الهی. بیا آن‌چه را که در کتاب‌های شما است بگیر که چه بسا شما در غفلت به سر می‌بری.

در بخاری از عمران بن حصین نقل شده است: **«آیه‌ی متعه در کتاب خدا نازل شد و ما همواره با رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن عمل می‌کردیم و قرآن در حرمت آن نازل نشد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از آن نمی‌نمود تا این که وفات یافت. مردی به آن‌چه که دل‌خواهش بود نظر داد. محمد (یعنی بخاری) می‌گوید: گفته می‌شود**

عمر بوده است»^(۱). این روایتی است که بخاری در صحیح خود نقل کرده است و به اجماع گروه قابل اعتنایی از علمای اهل سنت، صحیح بخاری درست‌ترین کتاب‌ها پس از قرآن است. در این کتاب با عبارتی کاملاً روشن که تأویل‌بردار نیست، از مجاز بودن متعه و استمرار آن تا روز قیامت سخن گفته است؛ کما این که حدیث مزبور بر عدم نزول قرآن در حرمت آن صراحت دارد و نیز تأکید دارد بر این که پیامبر ﷺ تا زمانی که به رفیق اعلی پیوست، از آن نهی نفرمود؛ و نیز صراحت دارد بر این که حرام کننده‌ی آن، خلیفه عمر بن خطاب بوده است.

امام حدیث نزد اهل سنت، امام مسلم نیز در صحیح خود در باب نکاح متعه این روایت را آورده است: «با پیامبر خدا ﷺ در غزوه‌ای شرکت داشتیم و زنان با ما نبودند. عرض کردیم ای رسول خدا آیا خود را اخته کنیم؟ پیامبر ما را از این کار منع فرمود و به ما اجازه داد تا با مهریه قرار دادن لباسی، ازدواج موقت کنیم. آن‌گاه عبدالله این آیه را قرائت کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد مگذرید که خدا تجاوزکنندگان را دوست ندارد)»^(۲).

در روایتی دیگر در صحیح مسلم از ابی نضره که گفت: «... نزد جابر بن عبدالله بودم. کسی آمد و گفت: ابن عباس و ابن زبیر در دو متعه با هم اختلاف کرده‌اند. جابر گفت: با رسول خدا ﷺ هر دو را به‌جا آوردیم سپس عمر آن دو را نهی کرد و ما هم دیگر پس از آن به‌جا نیاوردیم»^(۳).

هم‌چنین امام مسلم می‌گوید: «... ابن عباس متعه را حلال می‌دانست و ابن زبیر از آن نهی می‌کرد. نزد جابر بن عبدالله رفتم و مساله را جویا شدم. جابر گفت جریان حدیث در دست من است. ما در عهد رسول خدا ﷺ متعه می‌کردیم اما چون وقت خلافت عمر فرارسید عمر گفت: خداوند آن‌چه را خواست بر رسولش حلال کرد و قرآن نیز جای خود را دارد. حج و عمره را آن‌گونه که خدا دستور داده است انجام دهید و ازدواج با این زنان را قطعی کنید. اگر مردی را نزد من بیاورند که زنی را ازدواج موقت کرده باشد، او را سنگسار می‌کنم»^(۴).

تقوای الهی پیشه کنید و بدون علم در دین خدا سخن مگویید.

۳- عاشورا دین خدا و حاکمیت خدای متعال را که برخی بدون این که حق داشته باشند، به آن تاختند و

۱- صحیح بخاری: باب قوله تعالى «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» - از کتاب تفسیر از جزء سوم صفحه ۷۱.

۲- صحیح مسلم: ج ۴ ص ۱۳۰.

۳- صحیح مسلم: ج ۴ ص ۵۹.

۴- صحیح مسلم: ج ۴ ص ۳۸.

به آن تعرض نمودند، برای مؤمنین یادآوری می‌کند.

۴- عزاداری برای حسین علیه السلام همان عزاداری برای حسن و علی علیهما السلام و رسول الله صلی الله علیه و آله، و بلکه عزاداری برای تمام پیامبران و مرسلین علیهم السلام است، زیرا هدف آن یادآوری دین خدا و مظلومیت خلفای الهی است.

۵- هدف امام، گردآوردن انسانیت با همه‌ی ابعاد وجودی آن گرد دین توحید خالصانه است.

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام.

ابومحمد انصاری

۱۵/شوال/۱۴۳۱ ه.ق

پرسش ۶۴۳:

پس از توحیت... از شما خواهش می‌کنم لطف‌نمایید، به این سؤال پاسخ‌دهید: چرا خداوند سبحان در قرآن کریم موضوع ولایت خاصه‌ی ائمه علیهم السلام را به صراحت بیان نفرموده است؟

ولی در خصوص آیاتی که به‌طور مرتب به گوش‌مان می‌خورد مثل: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...»^(۱). (جز این نیست که دوست شما خدا است و رسول او...). این تعبیر جزو متشبهات است و از آیات محکم به شمار نمی‌رود؛ همان آیاتی که خداوند در مورد آنها فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكُمُ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ وَآخَرُ مَتَشَابِهَاتٍ»^(۲).

هم‌چنین حق‌تعالی فرموده است: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ»^(۳). (آنها که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه‌جویی و میل به تأویل از متشابهات پیروی می‌کنند، در حالی که تأویل آنرا جز خدای نمی‌داند).

سؤال دوم: حکم کسی که ولایت‌را انکار کند چیست، چه وی مسلمان باشد و چه غیرمسلمان؟
با تشکر از شما.

فرستنده: قصی السبع - عربستان سعودی

پاسخ:

۱- مانده: ۵۵.

۲- سؤال‌کننده این‌گونه آیه‌را آورده و درست آیه به‌صورت زیر است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَآخَرُ مَتَشَابِهَاتٍ». (او است که این کتاب‌را بر تو نازل کرد بعضی از آیه‌ها محکمات‌اند، این آیه‌ها ام‌الکتاب‌اند و بعضی آیه‌ها متشابهات‌اند).

۳- آل عمران: ۷.

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.
 خداوند در قرآن به‌طور عمومی بر ولایت ائمه (علیهم‌السلام) تصریح نموده‌است و پیامبر خدا (نیز آنرا شرح داده و برای مردم تبیین فرموده‌است؛ و واضح است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شارح و بیانگر قرآن است و آنچه که آن حضرت بیان می‌دارد «متشابه» نیست بلکه جزو «محکمت» است. خدای متعال می‌فرماید: «... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^(۱). (... و بر تو قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده‌است برای‌شان بیان کنی و باشد که بیندیشند).

پیامبر خدا حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وفات نیافت مگر پس از آن که برای مردم آشکار ساخت که چه کسانی اولیا و حجت بر آنها هستند؛ و این همان تفسیر این سخن خداوند است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^(۲). (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خویش فرمان برید).

و نیز: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^(۳). (جز این نیست که دوست شما خدا است و رسول او و مؤمنانی که نماز می‌خوانند و هم‌چنان که در رکوع اند انفاق می‌کنند).

و نیز آیه‌ی: «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»^(۴). (و چون خبری، چه ایمنی و چه ترس به آنها رسد، آنها را در همه‌جا فاش می‌کنند و حال آن‌که اگر در آن به پیامبر و اولی الامرشان رجوع می‌کردند، حقیقت امر را از آنان درمی‌یافتند و اگر فضل و رحمت خدا نبود، جز اندکی، همگان از شیطان پیروی می‌کردید).

در میان صحابه هیچ کس نیست که ولایتی هم‌پایه‌ی ولایت خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) داشته باشد، به‌جز علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)؛ و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مواقف متعددی تصریح نموده که ولایت علی (علیه‌السلام) مانند ولایت او است، از جمله در حدیث مشهور و ثابت شده‌ی ثقلین. هم‌چنین از آن جمله‌است آن‌چه که به بریده‌ی صحابی فرمود و متن آنرا به شما ارایه می‌نمایم:

۱- نخل: ۴۴.

۲- نساء: ۵۹.

۳- نساء: ۵۵.

۴- نساء: ۸۳.

بریده می گوید: «با علی (علیه السلام) در سفر یمن همراه بودم و از او رفتاری ناگوار مشاهده کردم. هنگامی که بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدم و از علی (علیه السلام) یاد و از او عیب جوئی نمودم، دیدم چهره‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دگرگون شد و فرمود: «یا بریده الست اولی بالمؤمنین من انفسهم» (ای بریده! آیا من نسبت به مؤمنان از خود آنان برتر نیستم؟) گفتم: چرا ای رسول خدا. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» (هر کس من مولای اویم، علی مولای او است)».

علمای عامه این حدیث را صحیح شمرده‌اند و من بر تصحیح البانی بسنده می‌کنم. وی در سلسله‌الصحیحه ج ۴ ص ۳۳۶ زیر شماره‌ی ۱۷۵۰ این روایت را صحیح دانسته و درباره‌ی آن گفته‌است: «این حدیث با این سند به شرط شیخین صحیح است».

تأویل‌گران و شکاکان شمارا فریب‌دهند به این که ولایت علی (علیه السلام) در این جا همان یاری او یا محبت یا مواردی از این دست است چرا که حضرت (صلی الله علیه و آله) آن را با عبارت: «الست اولی بالمؤمنین من انفسهم» (آیا من نسبت به مؤمنان از خود آنان برتر نیستم) تبیین نموده‌است و پس از آن نیز فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» (هر کس من مولای اویم، علی مولای او است)؛ یعنی ولایت علی (علیه السلام) مانند ولایت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است و او از خود مؤمنین نسبت به آن‌ها سزاوارتر است. سخن در این باب بسیار طولانی است و به‌خواست خدای متعال در جای خودش خواهد آمد.

هیأت علمی انصار امام مهدی (علیه السلام)

(خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم العقیلی

آخر ذی الحجه/۱۴۳۲ هـ

پرسش: ۶۴۴

۱- آیا مظلومیت زهرا (علیها السلام) واقعیت دارد؟ چه کسی او را کشته‌است؟

۲- او (علیها السلام) کجا دفن شده‌است؟

۳- چرا ائمه (علیهم السلام) فرزندان خود را به نام خلفا نام‌گذاری کرده‌اند؟

۴- چرا علی (علیه السلام) دخترش را به ازدواج عمر درآورد؟

خواهش می‌کنم به‌طور مفصل جواب بدهید زیرا زندگی دینی من و سرانجام آن به پاسخ‌های شما موکول است، آقای ما.

فرستنده: نبیل الشمیری - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

مظلومیت زهرا (علیها السلام) حقیقت دارد و از جمله اسباب و عوامل وفات وی، آزارهایی بود که در خانه‌اش بر او رفت؛ آن‌گاه که در خانه‌اش به آتش کشیده‌شد، پهلوی‌اش شکسته‌شد، جنین‌اش سقط گشت و امام علی (علیه السلام) را دست بسته بیرون آوردند تا با زور و اجبار، با ابوبکر بن ابی قحافه بیعت کند.

زهرا (علیها السلام) تا زمان وفاتش نسبت به ابوبکر و عمر خشمگین بود و از آن‌ها کناره می‌گرفت، سلام خدا بر او باد! این روایتی است که بخاری در صحیح خود آورده‌است:

صحیح بخاری، ج ۸ ص ۳: «از عایشه نقل شده که گفت: فاطمه (علیها السلام) و عباس نزد ابوبکر آمدند و ارثی را که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باقی مانده بود طلب کردند. آن دو، زمین پیامبر (صلی الله علیه و آله) در فدک و سهم خیر آن حضرت را خواستند. ابوبکر به آن‌ها گفت من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: ما ارث نمی‌گذاریم، آنچه می‌گذاریم صدقه است. آل محمد (علیهم السلام) از این مال استفاده می‌کنند. ابوبکر گفت: به خدا قسم رها نمی‌کنم کاری را که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام داد جز این که همان‌را انجام دهم. راوی گوید: فاطمه (علیها السلام) از ابوبکر دوری گزید و هرگز با او صحبت نکرد تا از دنیا رفت.»

در حالی که ثابت شده‌است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حق فاطمه (علیها السلام) فرمود: «فاطمه پاره‌ی تن من است، هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده‌است»^(۱)، «فاطمه پاره‌ی تن من است، آنچه او را بیازارد، مرا آزرده می‌کند»^(۲)، «خداوند به خاطر خشم تو خشمگین می‌شود و به خاطر رضای تو، راضی»^(۳).

زهرا (علیها السلام) با درد و خشم و مظلومیتش در بقیع به خاک سپرده‌شد.

اما دلیل نام‌گذاری فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) به نام «خلفا» این است که آن‌ها اوصیای پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و جانشینانش پس از پدرشان علی بن ابی طالب (علیه السلام) هستند و این موضوع در روایات صحیح بسیاری که علمای عامه روایت کرده‌اند ثابت شده‌است. از جمله‌ی این روایات حدیث ثقلین است: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إني تارك فيكم ما إن تمسكنم به لن تضلوا بعدي؛ أحدهما أعظم من الآخر، كتاب

۱- آن را بخاری در صحیحش جلد ۴ باب «مناقب قرابة رسول الله» ص ۲۱۰ آورده‌است.

۲- آن را مسلم در صحیحش جلد ۷ باب «فضائل فاطمه» ص ۱۴۱ آورده‌است.

۳- حاکم نیشابوری، مستدرک و صححه: ج ۳ ص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ طبرانی، معجم کبیر: ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۱۸۲؛ هیشمی، مجمع الزوائد: ج ۹ ص ۲۰۳ و درباره‌ی آن گفته‌است: طبرانی با سند حسن روایت کرده‌است؛ متقی هندی، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۱۱ ح ۳۴۲۳۸.

الله جبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما»^(۱) (من در میان شما چیزی می‌گذارم که مادام که شما به آن تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی از آنها بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا رشته‌ای کشیده شده از آسمان به زمین است و دیگری عترت که اهل بیت من هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند. ببینید بعد از من با آنها چگونه رفتار می‌کنید) و عترت در اینجا علی، فاطمه و فرزندان آنها است همان‌طور که در حدیث صحیح و مشهور کساء بیان شده است.

و آنچه که بر این معنا تاکید می‌ورزد، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی ثقلین است که فرمود: (و لن يتفرقا حتى يردا على الحوض) (و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند). یعنی آنها با هم و همراه هم هستند تا روز قیامت و نیز باید به هر دوی آنها تمسک جست، نه فقط به یکی از آنها. کسی که عترت را به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر کرده است، اکنون باید برای ما یکی از زنان پیامبر را در این زمان بیاورد تا ما به او تمسک جویم که البته بطلان این مطلب واضح است. بلکه هیچ کس نگفته است که تمسک به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واجب است؛ و کسانی که در جنگ جمل به عایشه اقتدا کردند، به بیراهه رفتند و با امام زمان خود جنگیدند و در دنیا و آخرت جزو زیانکاران شدند. سخن در این باب بسیار است و این مقام را گنجایش آن نیست.

اما این قضیه که علی علیه السلام دخترش را به ازدواج عمر در آورده، موضوعی است که ثابت نشده است و به فرض هم اگر ثابت شود، به مسئله‌ی خلافت و این که شایسته‌ترین فرد پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به دختر علی علیه السلام چه کسی است، ارتباطی ندارد.

خداوند شما را برای یاری پیامبر مصطفی و عترت او اهل بیت طیب و طاهرینش هدایت فرماید.

و الحمد لله وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

(خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم العقیلی

آخر ذی الحجه/ ۱۴۳۲ ه. ق.

پرسش ۶۴۵:

۱- ترمذی در صحیحش: ج ۵ ص ۳۲۸ و ۳۲۹ ح ۳۸۷۶ و درباره‌ی آن گفته است: «این حدیث حسن غریب است»؛ متقی هندی در کنز العمل: ج ۱ ص ۱۷۳ شماره ۸۷۳؛ عبد بن حمید بن نصر الکسبی در منتخب مسندش: ص ۱۰۷ و ۱۰۸ شماره ۲۴۰ با اختلاف اندک؛ البانی در صحیح سنن ترمذی صحت آن را تایید نموده: ج ۳ ص ۵۴۳ و ۵۴۴ شماره ۳۷۸۸.

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً: من دو سؤال دارم، و اگر پاسخ قانع کننده‌ای به آنها داده‌شد، ایمان می‌آورم که شما مهدی منتظر هستی.

سؤال اول مربوط به آیت الکرسی است؛ که شما به این آیه‌ی کریم بخشی را اضافه کرده‌ای (و ما بینهما و ما تحت الثرى... الخ). آیا شما اقرار داری به این که چنین کاری تحریف قرآن کریم است و تحریف یا به زیادت است یا به نقصان؟

سؤال دوم مربوط به سب سیده‌ی ما عایشه امّ المؤمنین و نیز تکفیر او و ابوبکر، عثمان، عمر و دیگر صحابه و دشنام‌گویی به عایشه است و حال آن که خداوند سبحان در قرآن او را مبرا ساخته‌است. در عقیده و شریعتی که از آن پیروی می‌کنید، قرآن منبع شما است. پس حال چگونه‌است که با آنچه که خدا در کتابش آورده‌است، سر مخالفت برداشته‌اید در حالی که قرآن به شریعت و دیانتی که شما بر آن هستید، هدایت نمی‌کند؟

با تشکر

فرستنده: احمد خالد محمود حرحشه - اردن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

سید احمد الحسن (علیه السلام) به قرآن چیزی اضافه نکرده و چیزی از آن کم ننموده‌است، و این موضوع نزد اهل بیت (علیهم السلام) ثابت شده‌است؛ همان اهل بیتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی آنها فرمود: «من در میان شما چیزی می‌گذارم؛ مادام که شما به این دو دست هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی از آنها بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا رشته‌ای کشیده‌شده از آسمان به زمین است و دیگری عترت که اهل بیت من هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند»^(۱).

عترت، همان عدل (همتا) است و قرآن با آنها است؛ نه قرآن آنها را ترک می‌گوید و نه آنها تارک قرآن‌اند. این آیه (آیت الکرسی) به همین صورت از ایشان آمده و این قرائتی است که از آنها اخذ شده‌است. کما این که قرائت‌هایی وجود دارد که برای مسلمانان پذیرفته شده‌است در حالی که در این قرائت‌ها، حروف یا کلماتی کم و زیاد می‌شود، و با این حال کسی اعتراض نمی‌کند.

اما زیادت یا نقصان در قرآن کریم، موضوعی است که برای شما ثابت شده است. از جمله روایاتی صحیحی که شما دارید:

۱- بحاله‌ی تیمی می‌گوید: «عمر بن الخطاب قرآنی در آغوش غلامش یافت که در آن آمده بود: پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و او پدر آنها است، و زنانش مادران مؤمنان هستند. عمر به او گفت: ای غلام آن را (از مصحف) حذف کن. گفت: به خدا سوگند حذفش نمی‌کنم، و این در مصحف ابی بن کعب است. عمر به سراغ ابی بن کعب رفت و (او به عمر) گفت: مرا قرآن مشغول داشته و تو را معامله در بازار!». البوصیری در اتحاف الخیره المهره بزوائد المسانید العشره ج ۶ ص ۲۵۴ این حدیث را صحیح شمرده و درباره‌ی آن گفته است: «سند روایت به شرط بخاری صحیح است». ابن حجر عسقلانی هم در المطالب العالیه ج ۴ ص ۱۴۳ آن را صحیح شمرده و درباره‌اش چنین گفته است: «سند روایت به شرط بخاری صحیح است».

۲- بخاری در صحیحش از عمر بن الخطاب نقل می‌کند که گفت: «... یکی از آیاتی که خداوند نازل کرده، آیه رجم است. ما آن را خواندیم و درک کردیم و پای‌بند به آن شدیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله رجم را جاری کرد و ما نیز پس از او آن را عمل کردیم و رجم کردیم، و ترس آن را دارم که اگر زمان به درازا بکشد، کسی بگوید: به خدا سوگند ما آیه‌ی رجم را در کتاب خدا نیافته‌ایم، و با ترک واجبی که خدا نازل کرده است، گمراه شوند. رجم در کتاب خدا حق است، بر هر زن یا مردی که زنا کند و محصن باشد؛ البته با قیام بینه یا حامله شدن یا اعتراف زناکننده. یکی از آیاتی که در قرآن می‌خواندیم این آیه بود: ﴿ان لاترغبوا عن آباءکم فانه کفر بکم آن ترغبوا عن آباءکم او ان کفراً بکم آن ترغبوا عن آباءکم...﴾ (مبادا از پدران خود روی بگردانید، زیرا این کفر است که از پدران خود روی بگردانید...).

۳- مسلم در صحیحش می‌گوید: «ابوموسی اشعری قاریان بصره را که حدود سیصد مرد بودند گرد آورد و به آنان گفت: شما برگزیدگان و قاریان اهل بصره هستید. قرآن را تلاوت کنید. مبادا زمان بر شما به درازا کشد و قلب‌هایتان را قساوت گیرد، همان‌طور که قلب‌های کسانی که پیش از شما بودند را قساوت گرفت. ما همواره سوره‌ای را که در طولانی‌بودن و شدت داشتن به سوره‌ی براءت شبیه می‌دانستیم قرائت می‌کردیم ولی شما آن را به فراموشی سپردید، و تنها از آن سوره این آیه را به یاد دارم: ﴿لو کان لابن آدم وادیان من مال لابتغی وادياً ثالثاً و لا یملأ ابن آدم الا تراب﴾ (اگر آدمی را دو دشت پر از مال بود، در پی دشت سوم می‌رفت؛ و درون آدمی را تنها خاک پرمی‌کند). ما سوره‌ای را قرائت می‌کردیم که آن را شبیه یکی از مسبحات می‌دانستیم و شما آن را فراموش کرده‌اید، و تنها از آن سوره این آیه را به خاطر دارم: ﴿یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون فتکتب شهادة فی اعناقکم فتسألون عنها یوم القیامة﴾ (ای ایمان‌آوردگان!

چرا آن چه را که به کار نمی‌بندید بر زبان می‌آوردید تا بر گردن‌تان گواهی نوشته شود و به روز قیامت درباره‌ی آن مورد بازخواست قرار گیرید)».

۴- از مسور بن مخرمه: «عمر به عبدالرحمان بن عوف گفت: آیا ندانسته‌ای ما این گونه قرائت می‌کردیم: «جاهدوا فی الله حق جهاده فی آخر الزمان کما جاهدتم فی اوله». (در راه خداوند جهاد کنید آن گونه که در آخر الزمان حق جهادش است همان گونه که در ابتدا جهاد کردید). عبدالرحمان گفت: ای امیرالمؤمنین، این آخرالزمان چه زمانی است؟ عمر گفت: هنگامی که بنی امیه، حاکمان و بنی مغیره، وزیران باشند»^(۱).

۵- از مسور بن مخرمه که گفت: عمر به عبدالرحمان بن عوف گفت: «آیا قبلاً آیه‌ای به این صورت نبود: «ان جاهدوا کما جاهدتم اول مره»؟ ما که آن را پیدا نکردیم. عبدالرحمان گفت: جزو آیاتی است که از قرآن حذف شده است»^(۲).

به نظر شما چه کسی این آیات را حذف کرده است؟ خدا یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا کسانی غیر از این دو؟! و اینها منابع و صحاح شما است، نه منابع ما!

در خصوص سب و دشنام نیز ما این کار را نه می‌پذیریم و نه با آن موافقیم، اما حق و اهل حق را با دلیل شرعی اخلاقی بیان می‌داریم و روشن می‌سازیم. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

(خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم العقیلی

محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق

پرسش ۶۴۶:

خواهش می‌کنم توضیح بدهید: احمد الحسن کیست و او چگونه در این زمان خود را به عنوان امام نصب کرده است؟ و چطور مدعی شده که یمانی است و حال آن که همه‌ی ما می‌دانیم یمانی بعد از صیحه خروج می‌کند؟

فرستنده: بنت الرسول - لبنان

۱- ابن کثیر در مسند فاروق: ج ۲ ص ۵۹۶ و درباره‌اش گفته است: سندش صحیح است.

۲- کنز العمال: ج ۲ ص ۵۶۷ ح ۴۷۴۱؛ مشکل الانار طحاوی: ج ۱۲ ص ۹ و شعیب الارنؤوط چنین به آن تعلیق زده است: رجال آن ثقه رجال شیخین است.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه و على عظيم نعمائه، و صل الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سید علیه السلام همان یمانی موعود است، و یمانی به امام مهدی دعوت می کند که (در روایات) وارد شده است، بنابراین او، هم فرستاده‌ی حضرت است و هم وصی او.

این به طور خلاصه بود و اما تفصیل آن به صورت زیر است:

در روایت مقدس چنین آمده است: «... یا ابالحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی علیهم السلام هستند، یا علی تو نخستین دوازده امام هستی...» و سپس حدیث را ادامه می دهد تا آنجا که فرمود: «و حسن علیه السلام آن را به فرزندش، محمد، مستحفظ از آل محمد علیهم السلام تسلیم کند و ایشان دوازده امام می باشند و سپس دوازده مهدی علیهم السلام بعد از او می باشد. پس اگر وقت وفاتش رسید، خلافت را به فرزندش نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورنده می باشد»^(۱).

بنابراین احمد همان پسر امام مهدی علیه السلام و وصی او و اولین ایمان آورنده به او است. این که احمد اولین ایمان آورنده به او است مستلزم آن است که وی در زمان ظهور، حضورش موجود و ایمان او به امام مهدی قبل از ایمان ۳۱۳ اصحاب او باشد.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود؛ درست مانند دانه های تسبیح یکی پس از دیگری خواهند آمد. به هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. وای به حال کسی که با آنها درافتد. پرچی از پرچم یمانی هدایت گرتتر نیست. پرچم هدایت، همان است زیرا او مردم را به صاحب تان دعوت می کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح بر مردم و بر هر مسلمانی حرام می شود. هنگامی که یمانی خروج کرد به سوی او به پاخیز چرا که پرچم او پرچم هدایت است و روی گردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است چرا که یمانی به حق فرا می خواند و به راه مستقیم دعوت می کند»^(۲).

۱- غیبت طوسی: ص ۱۵۰.

۲- غیبت نعمانی: ص ۲۶۲؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲؛ معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام: ج ۳ ص ۲۵۵.

در این مطلب تأمل کن: «رویگردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است». این به معنی آن است که یمانی، صاحب ولایت الهی است. نمی‌شود شخصی بر مردم حجت باشد به گونه‌ای که رویگردانی آن‌ها از او، ایشان را به جهنم وارد کند حتی اگر نماز بخوانند و روزه بگیرند، مگر این که آن شخص از جانشینان خدا بر زمینش باشد؛ اینان اصحاب ولایت الهی از انبیاء و فرستادگان و ائمه و مهدیین می‌باشند.

از ابو عبدالله امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «خداوند شرم ندارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا نیست، حتی اگر کارهای آن‌ها نیکو و پاکیزه باشد، و خداوند شرم دارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا است، حتی اگر کارهای آن‌ها ستمگرانه و گنهکارانه باشد»^(۱). در همان صفحه از کتاب کافی روایات دیگری در همین معنا وجود دارد.

مادام که نافرمانی نسبت به یمانی، آتش را به دنبال داشته باشد، یعنی او امامی عادل از جانب خداوند متعال است.

«زیرا او به حق فرا می‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند». فراخواندن به حق و راه مستقیم یا صراط مستقیم، به این معنا است که از این شخص خطا و اشتباهی سر نمی‌زند تا با آن مردم را به باطل درآورد یا از حق خارج گرداند؛ یعنی وی معصوم و بر عصمت او نص وارد شده است؛ و به این معنا، این قید یا محدودیت، در مشخص شدن شخصیت یمانی قابل قبول است. در نظر گرفتن هر معنای دیگری برای این سخن (او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند)، این کلام را بی‌فایده می‌کند زیرا در این صورت، برای شخصیت یمانی، حد و قیدی باقی نمی‌ماند و این از ساحت آن‌ها به دور است!

آیات قرآن بر این معنا تاکید ورزیده‌اند: ﴿قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ* يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾^(۲) (گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید* ای قوم ما، این دعوت کننده به خدا را پاسخ گوید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان‌تان را ببامرزد و شما را از عذابی دردآور در امان دارد).

اکنون بر ما روشن شد که یمانی حجتی است که عصمت او منصوص می‌باشد (دارای نص می‌باشد)، و حجت‌ها به وسیله‌ی روایت وصیت که پیشتر ذکر شد، به ما معرفی و شناسانده می‌شوند که آن‌ها دوازده

۱- کافی: ج ۱ ص ۳۷۶.

۲- احقاف: ۳۰ و ۳۱.

امام و دوازده مهدی هستند، و یمانی زمینه‌ساز امام مهدی است. این مطلب که وی فرزندش، احمد است و نیز برخی دلایل دیگر بر این حقیقت را می‌توانی در کتاب‌های انصار خداوند حفظ‌شان کند بیابی.

برای این که مطمئن شوی که سید احمد الحسن علیه السلام همان یمانی و همان وصی و فرستاده‌ی امام مهدی است، به این روایت دقت کن: محمد بن فضل از امام رضا علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کرده‌است که: «حضرت در بصره در مجلس بزرگی از علما که در میان آن‌ها جاثلیق انصاری و رأس جالوت بودند، حاضر شد. امام رضا علیه السلام رو به جاثلیق کردند و فرمود: آیا انجیل بر نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دلالتی نیاورده‌است؟ جاثلیق گفت: اگر دلالت می‌آورد ما منکر آن نمی‌شدیم. حضرت فرمود: از السکنه در سفر سوم که شما می‌دانی مرا خبر ده. جاثلیق گفت: نامی از نام‌های خدا می‌باشد و برای ما جایز نیست آن را آشکار کنیم. امام رضا علیه السلام فرمود: اگر از شما اقرار گرفتم که این، نام محمد است... (و پس از آن که امام علیه السلام آنچه را که در انجیل و تورات درباره‌ی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمده بیان نمود) آن دو - یعنی جاثلیق و رأس جالوت گفتند: به خدا سوگند او چیزهایی بر ما عرضه کرد که امکان رد کردن یا پاسخ دادن به آن وجود نداشت مگر با انکار و رد انجیل و تورات و زبور، موسی و عیسی علیه السلام همگی به او اقرار کردند ولی ما نمی‌توانیم به صحت آن اقرار کنیم که این محمد شما همان محمد مذکور در کتاب‌ها است؛ ما نمی‌توانیم این‌گونه اقرار کنیم و شک داریم که این محمد شما همان محمد است.

حضرت فرمودند: با شک و تردید بر من احتجاج کردید. آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه پیامبری را مبعوث کرده‌است که نامش محمد باشد؟ پس در پاسخ در ماندند... الخ»^(۱). وجه استدلال به این روایت: امام رضا علیه السلام بر جاثلیق نصاری و رأس جالوت یهودی بر این که نبوت پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ثابت شده‌است محاجه می‌کند و دلیل آن حضرت بر اثباتش این است که نام شریف پیامبر در کتاب‌های خود آن‌ها آمده‌است و حضرت جاهایی که اسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن آمده‌است را برای آن‌ها بیان می‌دارد. آن‌ها نیز نزد حضرت اقرار می‌کنند که درج پیامبری به اسم محمد که در آخرالزمان می‌آید، موضوعی است که قادر به انکار آن نیستند مگر این که انجیل، تورات و زبور را رد کنند. لیکن آن‌ها با وجود چنین اقرار و اعترافی، در این که مقصود، همان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است شک و تردید روا می‌دارند؛ یعنی آن‌ها مفهوم را می‌پذیرند ولی در مصداق، شک و گمان می‌ورزند؛ آن‌ها می‌گویند نمی‌توانند صرفاً به این دلیل که اسم پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، «محمد» است، به او اقرار کنند.

در اینجا امام رضا علیه السلام با عبارت «با شک و تردید بر من احتجاج کردید» پاسخ آن‌ها را می‌دهد یعنی

شما دلیل ایجابی ندارید و دلیل شما صرفاً سلبی است. سپس همین دلیل سلبی را نیز بر ایشان بی‌اثر می‌سازد، با این سخن خود که فرمود: «آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه، پیامبری را مبعوث کرده‌است که نامش محمد باشد؟» و آن‌ها از جواب درمی‌مانند و شبهات واهی‌شان نقش بر آب می‌شود.

امام رضا علیه السلام به عبارتی دیگر به آن‌ها می‌گوید تاریخ را از زمان آدم علیه السلام تا امروز بررسی کنید؛ آیا در آن مردی به اسم محمد می‌یابید که ادعا کرده باشد از جانب خدای متعال مبعوث شده‌است؟ پس اگر نیافتید و قطعاً نمی‌یابید چاره‌ای ندارید جز این که اقرار کنید پیامبر ماعلی صلی الله علیه و آله همان پیامبر مقصود است که در کتاب‌های شما ذکر او به میان آمده‌است.

طبیعتاً ما باید همواره این نکته را متذکر شویم که آمدن نام رسول خدا در کتب ادیان الهی سابق، بر سبیل نص بر آن حضرت و وصیت نمودن به او بوده است. ما به ازای احتجاج به وصیت بر پیامبری حضرت محمد و روش اثبات برای درستی ادعا کننده که همان هدف مورد نظر است، تکیه بر تاریخ است که شهادت می‌دهد به غیر از صاحب وصیت مدعی دیگری وجود ندارد. به علاوه می‌توانیم بُعد مهم دیگری به استدلال امام رضا علیه السلام اضافه کنیم؛ موردی که به روشنی از آن درمی‌یابیم، زیرا می‌دانیم احتجاج امام رضا علیه السلام کامل و صحیح و به گونه‌ای است که نه از پیش روی و نه از پشت سر، باطل به آن راه ندارد؛ چرا که این احتجاج از آن مردی است که سخن از روی هوا نمی‌گوید و آنچه می‌گوید جز وحی که (از مبدأ اعلی) به او القاء می‌شود، نیست.

حال که این مطلب را دانستیم، این پرسش را مطرح می‌کنیم که: اگر جاثلیق و راس جالوت در پاسخ به امام رضا علیه السلام می‌گفتند: «آری»، سابقه ندارد کسی ادعا کرده باشد که او همان شخص ذکر شده در کتاب‌های ما باشد ولی این مانع نمی‌شود که شخصی در روزگار بعدی بتواند آن را ادعا کند.

من می‌گویم: آیا این پاسخ احتمالی، استدلال امام رضا علیه السلام را بی‌اثر و بی‌نتیجه می‌کرد؟ بیشتر گفتیم که احتجاج امام رضا علیه السلام کامل و صحیح است و در این قضیه کسی شک روا نمی‌دارد مگر آن که به حقیقت امام رضا علیه السلام و به حقیقت امامت جاهل باشد.

از چنین دیدگاهی که اعتقاد تام به درستی احتجاج امام رضا علیه السلام دارد، می‌توانیم درکی از احتجاج آن حضرت به دست آوریم به این صورت که حضرت می‌خواسته‌است این حقیقت را بیان نماید که وصیت را فقط و فقط صاحب آن می‌تواند ادعا کند و نه کس دیگر؛ و بر اساس این انگاره، می‌دانیم که جواب احتمالی (فوق) استدلال امام رضا علیه السلام را نقض نمی‌کند بلکه در واقع چیزی نیست جز ادامه‌ی منطقی تردید بی‌پایه و غیرمستند بر دلیل حقیقی ایجابی.

واقعیت آن است که عقل‌های سلیم ضرورت قطعی حفظ وصایای پیامبران را درک می‌کند، و حتی نص

الهی وارد بر آنها، باید از دست کاری جاعلان و مدعیان دروغین محفوظ بماند؛ زیرا فرض وجود داشتن این امکان که جاعل اوصیای انبیاء و حجت‌ها یا نص الهی بر آنها بتواند خود را جا بزند، دروازه‌ی ورود شک و خطر آن در عقل‌ها و قلب‌ها را به‌طور کامل بازمی‌کند و آن‌گاه - پس از تحقق فرض جعل هویت دروغین - انسان هرگز نمی‌تواند به کسی که مدعی شده‌است من نبی یا وصی هستم اطمینان یابد و به این ترتیب آن حجت نخستین و مستحکم‌تر که به آن احتجاج می‌جویند ساقط می‌شود، و این خلاف فرض است.

و بر شما باد این روایات:

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده‌است که فرمود: «... قبل از از مهدی، مردی از اهل بیتش از مشرق خارج می‌شود و شمشیر را مدت هشت ماه بر دوش می‌گیرد، می‌کشد و می‌کشد و به سمت بیت المقدس حرکت می‌کند، و به آنجا نمی‌رسد مگر این که بمیرد»^(۱). بنابراین مردی از اهل بیت مهدی، قبل از امام خروج می‌کند.

از حدیث نقل شده‌است که گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که درباره‌ی مهدی می‌فرمود: «با او بین رکن و مقام بیعت می‌شود، نامش احمد و عبدالله و مهدی است و این هر سه نام‌های او است»^(۲). این روایت را با روایت وصیت مقارنه کن.

البته خروج، یک حرکت مسلحانه‌است و دعوت، باید قبل از آن صورت بگیرد، تا هر که هلاک می‌شود با دلیلی هلاک شود و هر که زنده می‌ماند با دلیلی زنده ماند.

بدان که خروج قبل از صیحه‌است، نه بعد از آن؛ یمانی خروج می‌کند تا با سفیانی بجنگد، و سفیانی در ماه رجب خروج می‌کند یعنی قبل از رمضان که صیحه در آن هنگام حادث می‌گردد.

علاوه بر این، چه بسا در صیحه بداء حاصل شود و اتفاق نیفتد.

در بصائر الدرجات نوشته‌ی محمد بن حسن الصفار ص ۵۴۲ آمده‌است: ضریس گفت: ابوجعفر امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «اگر صدایی که به شما گفتیم حادث می‌شود حادث نگشت، تو چه می‌کنی؟ گفت: گفتم: به خدا سوگند آن را به فرمان تو منتهی می‌گردانم. گفت: فرمود: «به خدا سوگند این همان تسلیم است و گرنه ذبح» و با دستش به گلپوش اشاره فرمود».

۱- کتاب الفتن لنعیم بن حماد مروزی: ص ۱۹۸؛ معجم احادیث امام مهدی (ج ۳ ص ۱۱۹؛ کنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۸۹؛ در روایت سید بن طاووس در ملاحم و الفتن: ص ۱۳۹: (... بأهل الشرق...)).

۲- غیبت طوسی: ص ۴۵۴؛ خرائج و جرائح راوندی: ص ۱۱۴۹؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۹۱؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام: ج ۱ ص ۴۵۳.

ابومحمد انصاری

۲۰۱۰/۴/۵

پرسش ۶۴۷:

در تالارهای گفت‌وگو مشغول گشت و گذار بودم. از یکی از مراکشی‌ها مطلبی خواندم که قلبم را به درد آورد و مرا به مباحثات و کشمکش‌هایی شدید با آنها واداشت. آیا آنچه که درباره‌ی زراره گفته می‌شود صحیح است؟ من عین متنش را می‌آورم زیرا با همین‌ها به آنها پاسخ خواهم داد:

۱- شیخ طوسی گفته‌است: زراره از خانواده‌ای نصرانی بود و جدش («سنسن» و گفته‌شده «سبسن») یک راهب نصرانی بوده‌است. پدرش برده‌ی رومی بوده که برای بنی شیبان کار می‌کرده‌است.^(۱)

زراره کسی است که گفته‌است: «در مورد تشهد از ابوعبدالله پرسیدم... تا آنجا که گفت: وقتی خارج شدم در ریشش «ضربه زد» (باد معده) و گفتم: هرگز رستگار نمی‌شود».^(۲)

هم‌چنین زراره گفته‌است: «به خدا سوگند اگر تمام آنچه را که از امام صادق (علیه‌السلام) شنیده‌ام بر زبان بیاورم، مردان قوی نیز به دار آویخته خواهند شد».^(۳)

ابن مسکان می‌گوید شنیدم زراره می‌گفت: خدا رحمت کند ابوجعفر را، و اما جعفر، در دلم نسبت به او «لفته» (کدورتی) است. به او گفتم: چه چیز باعث شده زراره چنین بگوید؟ گفت: به خاطر این که ابوعبدالله زشتی‌هایش را برملا کرده‌است.^(۴)

سخنان ابوعبدالله درباره‌ی زراره:

۲- و به همین دلیل ابوعبدالله درباره‌ی او گفت: «خدا لعنت کند زراره را».^(۵)

۳- هم‌چنین ابوعبدالله گفته‌است: «خداوندا! جهنم را به وجود نیاوردی مگر ظرف کوچکی که خاندان اعین بن سنن بزرگش کنند».

۴- ابوعبدالله گفت: «خدا لعنت کرد برید را، خدا لعنت کند زراره را».^(۶)

۵- و هم‌چنین گفته‌است: «زراره نمی‌میرد مگر سرگردان و حیران، لعنت خدا بر او باد!».^(۱)

۱- الفهرست: ص ۱۰۴.

۲- رجال کشی: ص ۱۴۲.

۳- رجال کشی: ص ۱۲۳.

۴- رجال کشی: ص ۱۳۱.

۵- رجال کشی: ص ۱۳۳.

۶- رجال کشی: ص ۱۳۴.

۶- و نیز ابو عبدالله گفته است: «این زراره بن اعین است، و الله او جزو کسانی است که خداوند متعال در کتاب عزیزش آنها را توصیف کرده است: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾^(۲) (و به اعمالی که کرده اند پردازیم و همه را چون ذرات خاک بر باد دهیم)^(۳)».

۷- و گفته است: «قومی ایمان را عاریت می گیرند سپس آن را پس می دهند و در روز قیامت به آنها «معارون» گفته می شود. یقیناً زراره بن اعین از آنها است»^(۴).

۸- هم چنین گفته است: «اگر بیمار شود، درمانش نکنید و اگر بمیرد، بر جنازه اش نماز نخوانید. به او گفته شد: زراره؟ با تعجب گفت: آری، زراره از یهود و نصارا شیرتر است و کسی است که گفته، خداوند سه گانه است، خداوند زراره را ذلیل کند. و گفت: زراره در امامت من شک کرد، پس از خدای من طلب بخشش نمود»^(۵).

حال اگر زراره از یک خانواده ی نصرانی بوده است و در امامت ابو عبدالله شک داشته باشد، و او همانی است که گفته در ریش ابو عبدالله ضربه زده، و درباره اش گفته است که هرگز رستگار نمی شود، پس دیگر توقع داریم او چه خدمتی به دین اسلام عرضه بدارد؟!

صحاح شیعه پر است از احادیث زراره، و او در صدر راویان قرار دارد. او کسی است که بر اهل بیت دروغ بست و در اسلام بدعت‌هایی وارد نمود که کسی همانند او چنین بدعت‌هایی در اسلام نیاورده است؛ ابو عبدالله نیز به این مطلب اشاره کرده است. هر کس به صحاح شیعه رجوع کند، مصداق این سخن را می یابد و مثل و نظیر او «برید» است که ابو عبدالله این دو را لعن نموده است.

پرسش‌هایی که ما در دامان تمام شیعیان قرار می دهیم که از مهمترین موارد مذهب او یا دلیل بر عدم صدق عقیده ی او است:

چطور شیعه ادعای محبت آل البیت دارد و حال آن که دین خود را از کسی می گیرد که در ریش ابو عبدالله ضربه زده است؟

چگونه شیعه دین خود را از مردی می گیرد که در امامت ابو عبدالله شک کرده است؟

چگونه شیعیان در حزن و اندوه ابو عبدالله می گریند و خود را می زنند و به دست خودشان از بدن خون

۱- رجال کشی: ص ۱۳۴.

۲- فرقان: ۲۳.

۳- رجال کشی: ص ۱۳۶.

۴- رجال کشی: ص ۱۴۱.

۵- رجال کشی: ص ۱۳۸.

جاری می‌سازند و حال آن که از سوی دیگر، دین خود را از مردی اخذ می‌کنند که در امامت ابوعبدالله شک کرده‌است؟

چگونه شیعیان دین خود را از مردی می‌گیرند که ابوعبدالله او را لعنت کرده‌است؟

چگونه شیعیان دین خود را از فرزندان راهب‌های مسیحی اخذ می‌کنند؟

فرستنده: حسین القلاف - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

زراره از واثق‌ترین و عادل‌ترین اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) است و ائمه ما را به اخذ احادیثی که او روایت کرده‌است دستور داده‌اند. این شما و این برخی از این روایات:

وسائل الشيعة (آل البيت) ج ۲۷ ص ۱۴۳-۱۴۴: از ابی العباس فضل بن عبدالمملک: شنیدم ابا عبدالله می‌فرماید: «چهار نفر هستند که محبوب‌ترین مردم نزد من به حساب می‌آیند: برید بن معاویه العجلی و زراره بن اعین و محمد بن مسلم و الاحول. اینها چه زنده باشند و چه مرده محبوب‌ترین مردم نزد من هستند».

مفضل بن عمر می‌گوید: «ابوعبدالله (علیه‌السلام) در حدیثی به فیض بن مختار فرمود: «اگر سخن ما را می‌خواهی پس بر تو باد بر این شخص» و به مردی از اصحابش اشاره فرمود. اصحاب ما درباره‌ی او پرس و جو کردند، گفتند: او زراره بن اعین است».

از ابراهیم ابن عبد الحمید و سایرین: ابوعبدالله (علیه‌السلام) فرمود: «خدا رحمت کند زراره بن اعین را! اگر زراره و امثال او نبودند، احادیث پدرم (علیه‌السلام) مندرس و ضایع شده‌بود».

از سلیمان بن خالد: شنیدم ابوعبدالله (علیه‌السلام) فرمود: «کسی ذکر ما و احادیث پدرم (علیه‌السلام) را احیا نکرد به جز زراره و ابوبصیر لیث مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجلی. اگر اینان نبودند هرگز کسی این (احادیث) را استنباط نمی‌نمود. اینان حافظان دین و امینان پدرم (علیه‌السلام) بر حلال و حرام خدایند. آنان سبقت‌گیران به سوی ما در دنیا و آخرتند».

از عبیده بن حداء که گفت: شنیدم ابوعبدالله (علیه‌السلام) می‌فرماید: «زراره و ابوبصیر و محمد بن مسلم از کسانی هستند که خداوند متعال درباره‌ی آنها فرموده‌است: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ﴾^(۱) (آنها که سبقت‌جسته‌بودند و اینک پیش‌افتاده‌اند، اینان مقربانند).

اما روایات در ذمّ زراره و امثال او، محمول بر تقیه است و با هدف حفظ آنها از شرّ طاغوتیان دشمنان آل محمد علیهم السلام صورت گرفته است؛ یعنی از همان کسانی که هر فردی که از مقربان و نزدیکان اهل بیت علیهم السلام بود را می کشتند و به زندان می افکندند یا آواره می ساختند. ائمه علیهم السلام به این مطلب تصریح نموده اند و غرض از لعن و مذمتی که برای برخی از اصحاب ثقه و مورد اعتماد خود به کار برده اند را تبیین فرموده اند.
خداوند شما را به هر خیر و فلاحی موفق بدارد!

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

(خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم العقیلی

محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق

پرسش ۶۴۸:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

قبل از این که سؤال را مطرح کنم، مایلم بگویم که من به تازگی این دعوت را شنیده ام و همچنان در مورد آن مشغول تحقیق و بررسی هستم. قبل از این که اینها به گوشم بخورد، سؤالات زیادی در ذهن داشتم و پس از آن که بر این دعوت اطلاع یافتم، برخی اشکالاتی که داشتم حل شد، مثل این که دوازده مهدی چه کسانی هستند.

اما درباره‌ی روایتی که مخالفان دعوت به وسیله‌ی آن اشکال می گیرند سؤالی دارم. روایت این است: از ابا عبدالله امام صادق علیه السلام: «... و قائل یمرق بقوله انه يتعدى الى ثلاثة عشر وصاعداً، و قائل يعصى الله عزوجل بقوله: ان روح القائم ينطق فی هیکل غیره» (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می دهند. و برخی هم نافرمانی خدای عزوجل می کنند و می گویند: روح امام قائم در پیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می گوید).

از حضرتعالی خواهش می کنم این روایت را برای ما شرح دهید.

و السلام علیکم.

فرستنده: علی الحسنی - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

و علیکم السلام و رحمة الله و بركاته.

متن زیر نصّ یکی از پاسخ‌هایی است که درباره‌ی این روایت قبلاً برای یکی از برادران نوشته‌ام: برادر عزیزم.... با قطع نظر از ضعف سند این روایت و با قطع نظر از قاعده‌ی «الزام» (الزام القوم بما یلزمون به انفسهم....: الزام نمودن قوم به آنچه خودشان را به آن ملزم می‌نمایند....) کلام امام (علیه السلام) متوجه کسانی است که وجود امام مهدی (علیه السلام) و امامت و بقای او را منکر می‌شوند. این سخن حضرت که: «... و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند...» یعنی وی امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهد، و در عین حال معتقد به فوت امام مهدی (علیه السلام) در غیبت صغری یا کبری است؛ اینجا سخن درباره‌ی فرزندان و جانشینان امام مهدی (علیه السلام) نیست که جانشینان او بعد از قیام مقدسش می‌باشند که اولین آن‌ها، زمینه‌ساز او (علیه السلام) است.

دلیل بر این سخن آن است که حضرت (علیه السلام) درباره‌ی غیبت امام مهدی (علیه السلام) و ارتداد و انحراف مردم از او سخن می‌گوید؛ پس آنچه در اینجا ممنوع است، قائل شدن به مرگ امام مهدی (علیه السلام) در غیبت و حجت سیزدهم پس از او است. این سخن یعنی این که امام مهدی (علیه السلام) تا آن هنگام که ظاهر شود و زمین را پس از آن که از ظلم و جور آکنده شده‌است، از عدل و داد پر کند، باقی می‌ماند؛ و این موضوعی است که ده‌ها و صدها روایت آن را بیان است.

عقیده به این که امام مهدی (علیه السلام) اوصیائی دارد، در کنار اعتقاد به وجود و حیات امام مهدی تا آن‌گاه که دولت عدل الهی را پایه‌گذاری می‌کند، عقایدی نیست که این روایت نافی آن‌ها باشد؛ بلکه ده‌ها روایات، به این معنا تنصیح و اشاره دارد، یعنی ده‌ها روایت از وجود مهدیین از نسل امام مهدی (علیه السلام) سخن گفته است. اگر تمایل داشته باشی می‌توانی به کتاب «الرد الحاسم علی منکری ذریة القائم (علیه السلام)» از انتشارات انصار امام المهدی (علیه السلام) مراجعه نمایی. بنابراین روایت مزبور درباره‌ی موضوعی غیر از موضوع اوصیای امام مهدی (علیه السلام) صحبت می‌کند؛ یعنی این روایت درباره‌ی کسانی است که به مرگ امام مهدی (علیه السلام) در زمان غیبتش اعتقاد دارند و در عین حال به امام سیزدهم معتقدند؛ به عبارت دیگر، آن اعتقاد باطل، ایمان به وجود اوصیایی برای امام مهدی (علیه السلام) نیست بلکه عقیده‌ای باطل است که هم به اوصیا ایمان دارد و هم مرگ امام مهدی (علیه السلام) در زمان غیبتش را باور دارد. این از بحث -یعنی قضیه‌ی اعتقاد به اوصیای دوازده‌گانه از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) به‌طور تخصصی خارج است زیرا ما به آن‌ها اعتقاد داریم ولی در عین حال به امامت امام مهدی (علیه السلام) در غیبت کبری معتقدیم و این که او حجت اصلی است تا آن‌گاه که قیام کند و زمین را از عدل و داد پر سازد... لذا ما به مرگ امام مهدی (علیه السلام) در زمان غیبتش معتقد نیستیم تا این روایت بر ما منطبق باشد.... این کجا و آن کجا؟! در واقع کسانی که با این روایات با ما رویارو می‌شوند

در نهایت نادانی و توهم‌اند.

دلیل دیگری بر آن‌چه که برای شما گفتم، سخنان بی‌پایه و باطلی است که امام صادق علیه السلام همه‌ی آن‌ها را ذکر نموده‌است که جملگی به عقیده‌ی عدم وجود امام مهدی علیه السلام یا وفات او دلالت دارد... به گفتارهایی که در روایت آمده‌است بنگرید:

«فمن قائل بغير هدى بانه لم يولد» (بعضی از هدایت‌نیافتگان می‌گویند او متولد نشده‌است)؛ یعنی آن‌ها اصولاً به عدم ولادت امام مهدی علیه السلام اعتقاد دارند.

«و قائل يقول انه ولد و مات» (و برخی دیگر می‌گویند: او متولد شده ولی از دنیا رفته‌است)؛ اینها نیز معتقد به عدم وجود امام مهدی علیه السلام در غیبتش هستند.

«و قائل يكفر بقوله انّ حادى عشرنا كان عقيماً» (و گروهی هم کافر می‌شوند، به دلیل این که می‌گویند یازدهمین نفر از ما، عقیم بوده‌است)؛ یعنی امام حسن عسکری علیه السلام عقیم بوده و امام مهدی علیه السلام را به دنیا نیاورده‌است، که این نتیجه نیز عدم وجود امام مهدی علیه السلام در دوران غیبتش می‌شود.

«و قائل يمرق بقوله انه يتعدى الى ثالث عشر فصاعداً» (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند)؛ اینجا نیز یعنی اساساً امامت به سیزده و بیشتر کشیده شده‌است که نتیجه، انکار وجود و امامت مهدی علیه السلام در زمان غیبت او است. این روایت به‌طور کامل متوجه کسانی است که امام مهدی علیه السلام را در دوران غیبتش انکار می‌کنند.

«و قائل يعصى الله عزوجل بقوله ان روح القائم (ينطق فى هیکل غيره» (و برخی هم نافرمانی خدای عزوجل می‌کنند و می‌گویند: روح امام قائم در پیکر شخص دیگری وارد شده‌است و سخن می‌گوید)؛ و این نیز یعنی روح قائم در بدن شخص دیگری حلول کرده‌است یا سخن می‌گوید. این عقیده نیز باطل بوده و به آن معنا است که حجت، کسی غیر از امام مهدی علیه السلام می‌باشد یعنی حجت، همان کسی است که روح قائم به وسیله‌ی او سخن می‌گوید.

علاوه بر این در برخی کتب، روایت مزبور با این عبارت آمده‌است: «و قائل يمرق بقوله انه يتعدى الى ثالث عشر و ما عدا» (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند)؛ و مفهومی آن است که امامت در زمان قائم علیه السلام به بعد از او منتقل نمی‌شود و به سیزدهمی جریان نمی‌یابد و قطعاً کسی که معتقد باشد که امامت به غیر از امام مهدی علیه السلام تسری یافته و آن حضرت در غیبتش فوت کرده، «مارق» (از دین خارج) است.

این سخن حضرت که «و ما عدا» یعنی امامت کماکان متعلق به امام مهدی علیه السلام در غیبت او است و او حجت اصلی بر خلائق است و طبیعتاً این به آن معنا نیست که حضرت نایب یا وصی ندارد زیرا اعتقاد

به داشتن وصی به این معنا نیست که امامت به وصی او منتقل شده یا سرایت یافته‌است. علی بن ابی طالب (علیه السلام) در زمان حیات حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) وصی او بود و هیچ کس نگفت که حجت بودن بر خلق به امام علی (علیه السلام) تسری یافته‌است، مگر بعد از وفات پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله). در مورد حسن و حسین (علیهما السلام) نیز همین گونه‌است. این‌ها اوصیای امام علی (علیه السلام) در زمان حیات او بودند لیکن این به آن معنی نیست که امامت از امام علی (علیه السلام) به این دو رسیده‌است، مگر پس از وفات امام علی (علیه السلام). بقیه‌ی ائمه (علیهم السلام) نیز همین گونه‌اند. اوصیای آن‌ها موجود بوده‌اند ولی این، بر منتقل شدن امامت و حجیت از قبلی به بعدی دلالت ندارد مگر پس از وفات قبلی. به گمانم این قضیه جزو موارد روشنی است که از شرح و بسط بی‌نیاز می‌باشد.

ما نمی‌گوییم که اکنون امامت از امام مهدی (علیه السلام) به وصی‌اش سید احمد الحسن انتقال یافته‌است بلکه می‌گوییم حجت بر سید احمد الحسن و بر تمام خلائق همان امام مهدی حجت بن الحسن (علیه السلام) می‌باشد، و حجیت سید احمد الحسن از آن جهت است که وی فرستاده و وصی امام مهدی (علیه السلام) و مبعوث از سوی آن حضرت است و هیچ‌گاه امکان ندارد که سید احمد الحسن با امر و نهی امام مهدی (علیه السلام) مخالفت ورزد، بلکه سید احمد الحسن به صراحت بیان داشته‌است که وی از امام مهدی (علیه السلام) نقل می‌کند و مردم را به سوی آن حضرت و برای زمینه‌سازی قیام مقدس او، دعوت می‌نماید.

واضح است که حسین (علیه السلام) در زمان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و در زمان امام علی (علیه السلام) و در زمان امام حسن (علیه السلام) وصی و امام بود، طبق فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله) به این معنا که: «الحسن و الحسین امامان ان قاما وان قعدا»^(۱) (حسن و حسین هر دو امام‌اند، قیام کنند یا قعود (صلح) کنند)؛ اما اقرار به امامت حسین (علیه السلام) به این معنا نیست که حجیت بر خلق از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) یا از امام علی (علیه السلام) یا از امام حسن (علیه السلام) به امام حسین (علیه السلام) انتقال یافته‌است، چرا که اصولاً حجیت فقط در دو حالت منتقل می‌شود: یا پس از وفات ایشان یا هنگامی که امام حسین (علیه السلام) به عنوان جانشین و فرستاده از سوی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) یا امام علی (علیه السلام) یا امام حسن (علیه السلام) مکلف می‌شود.

روشن است که علی بن ابیطالب (علیه السلام) در زمان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) حجت بوده‌است و این موضوع در غیاب پیامبر یا هنگامی که ایشان وی را به کار معینی تکلیف می‌فرموده — مانند ارسال به سوی مردم یمن — روی می‌داده‌است، ولی این، دلالت بر آن ندارد که حجیت به‌طور کامل از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به امام علی (علیه السلام) انتقال یافته‌است، بلکه این کار به صورت نیابت و جانشینی بوده‌است و حجیت به‌طور کامل انتقال نیافت مگر پس از وفات حضرت محمد (صلی الله علیه و آله). علاوه بر این، گروهی که می‌گویند امام مهدی (علیه السلام) فوت کرده

و امامت به فرزند او منتقل شده است، مدت زمان مدیدی است که منقرض گشته اند؛ یعنی تقریباً بلافاصله پس از غیبت صغری. شیخ طوسی در کتاب «غیبت: ص ۲۲۸» خاطر نشان کرده که این فرقه منقرض شده و کارش به پایان رسیده است.

بنابراین کلام امام صادق علیه السلام تحقق یافته و سخن ایشان ناظر به این فرقه است که به مرگ امام مهدی علیه السلام و انتقال امامت به فرزندش در دوران غیبت معتقد بوده اند؛ سخن امام صادق علیه السلام ارتباطی با نفی یا رد فرزندان یا اوصیای امام مهدی علیه السلام ندارد.

تا اینجا فکر کنم قضیه مثل روز روشن شده است.

و الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً كثيراً.

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

(خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم العقیلی

محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه.ق

فسلام علیک ایها العبد الصالح و علی آبائک الطاهرين و أبنائک المهديین و شیعتکم المنتجبین

سلام خدا بر تو ای عبد صالح و بر پدران طاهر تو و بر پسران مهدیین تو و بر شیعیان منتجب تو باد!

أسأل الله أن ينصرک نصراً عزيزاً و یمکن لک فی أرضه

از خداوند مسئلت می نمایم که پیروزی شکست ناپذیری نصیب تو فرماید و تو را در زمین تسلط و توان

عطا نماید!

و الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً كثيراً

فهرست

پیش‌گفتار	۷
بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن <small>(علیه السلام)</small>	۱۳
محور اول:	۱۳
پرسش‌های اعتقادی	۱۳
محور دوم:	۵۵
پرسش‌های فقهی	۵۵
محور سوم:	۸۵
مسائل متفرقه	۸۵
محور چهارم:	۱۱۷
تعبیر خواب	۱۱۷
بخش دوم	۱۶۱
پاسخ‌های انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۶۱